



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
برنامه ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

عواید دولت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان (مقایسه وی)

رساله ماستری

محصل: محمد اکرم محمد برات

استاد رهنما: استاد وزیر محمد "سعیدی"

سال: 1397 هـ ش - 1440 هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
برنامه ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

عواید دولت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان (مقایسه وی)

رساله ماستری

محصل: محمد اکرم محمد برات

استاد رهنما: استاد وزیر محمد "سعیدی"

سال: 1397 هـ ش - 1440 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

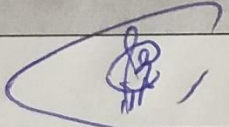
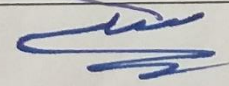
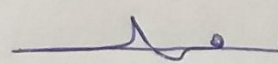
دیارتمنت فقه و قانون

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم محمد اکرم ولد محمد برات ID: SH-MSF-96-245 محصل دور پنجم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: عواید دولت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان به روز سرسنځه تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ هـ. ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۲	دکتور مؤمن حلیمی	عضو هیات	
۳	استاد وزیر محمد سعیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

اهداء

به روان پاک حضرت محمد صلی الله علیه وسلم تقدیم است و به روح دانشمندان و علمای که دانه های اندیشه دینداری را در ذهن بشر غرس می کنند.

سپاس گذاری

سپاس بی کران الله متعال را که مرا در یک خانواده مسلم و متدین در زمره مسلمین خلق نمود و مرا درک و هوش و عقل نصیب فرمود تا بین حق و باطل تفکیک نمایم و فامیل محترم مرا توفیق عنایت فرمود که مرا به سوی علم و معرفت رهنمایی و همکاری نمود و بنده عاجز را توفیق نصیب فرمود که راه حق را انتخاب نموده وقت خود را صرف فراگیری علوم شرعی که بهترین علم ها است نمایم.

سپاس فراوان از فامیل گرامی ام که در راستای فراگیر علم و بالاخص درین مقطع بنده را حمایت مادی و معنوی نموده و در حد توان مرا همکاری لازم نمودند.

سپاس فراوان از تمام اساتید گرامی ام که از دوران کودکی تا الحال مرا در کسب علم و دانش کمک و رهنمایی نموده اند.

سپاس فراوان از رهبری پوهنتون سلام که با تأسیس این نهاد اکادمیک زمینه تحصیل را برای من وهم قطارانم فراهم نمودند.

سپاس فراوان از اداره موفق پوهنتون سلام و استادان گرامی که خدمات ارزنده ای به محصلین و تشنه گان علم و معرفت در فضای اکادمیک عرضه کرده اند.

و سپاس ویژه از استاد گرامی و مشفق جناب محترم استاد وزیر محمد سعیدی که با قبول زحمات در نوشتن این رساله مرا کمک و رهنمایی نمودند که با رهنمائی و مشوره های علمی ایشان این رساله به پایه اکمال رسید

و هم چنان اظهار تشکر و امتنان می کنم از استادان مناقش هریک دکتور محمد یونس ابراهیمی و دکتور محمد مؤمن حلیمی با وصف مصروفیت ها قبول فرمودند که در جلسه دفاعیه رساله حضور به هم برسانند و رهنمائی های لازم غرض غنماندی این رساله داشته باشند.

چکیده بحث

این رساله که تحت عنوان (عواید دولت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان) تهیه و تدوین گردیده مشتمل بر سه فصل می باشد، فصل اول آن مفاهیم، کلیات و سیر تاریخی عواید که مبحث اول آن مفهوم، تعریف، مشروعیت، واهداف عواید که اهداف سیاسی؛ اجتماعی؛ اقتصادی و مالی می باشد و هم چنان سیر تاریخی عواید که در بر گیرنده عواید حکومت های قبل از اسلام، عواید امپراطوری روم و فارس و هم چنان درین رساله عواید دوران نبوت به بحث گرفته شده و علاوه بر آن عواید ثابت و منظم حکومت های خلفای راشدین بیان گردیده و همچنان با بیان عواید حکومت های اموی، عباسی و عثمانی ها این فصل پایان یافته است.

در فصل دوم عواید ثابت حکومت اسلامی که عبارت از خراج، جزیه، معادن و رکاز است به بحث گرفته شده که بعد از سقوط خلافت اسلامی و تقسیم شدن سرزمین اسلامی به کشور های کوچک این منابع عایداتی از زمان سقوط خلافت الی عصر حاضر به استثنای معادن دیگر آن ها قابل تطبیق نمی باشد. علاوه بر این در مورد مالیات شرعی، انواع آن و همچنان به چگونگی جمع آوری و نحوه استفاده از او اشاره گردیده و به شکل مختصر مقایسه بین مکوس و مالیات صورت گرفته است.

در فصل سوم پیرامون مالیات معاصر بحث صورت گرفته که مالیات از مهم ترین منبع عایداتی و طرق تأمین مصارف دولت های معاصر در جهان می باشد. تعریف، اهداف، شروط مالیات معاصر و هم چنان نظام مالیات در افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است که در بحث سیر تاریخی مالیات در کشور تمرکز صورت گرفته و اولین تاریخ مالیه گذاری از ابتدای حکومت درانی اساس گذاشته شده بود که بعد ها تغییرات زیادی در جمع آوری و نحوه مصرف آن صورت گرفته است بیان شده و هم چنان به موضوع مالیات معاصر که در عصر حاضر در کشور ما افغانستان قابل تطبیق است تماس گرفته شده؛ انواع و اقسام و حکم مالیات از دیدگاه فقه اسلامی که نظریات فقهاء کرام در مورد به وضوح بیان شده، علاوه بر آن درین فصل معافیت و تخلفات مالیاتی که مالیه دهنده گان شیوه ها و راه های مختلف را بخاطر عدم پرداخت مالیه به پیش می گیرند تذکر رفته و به حکم آن از دیدگاه شریعت اسلامی اشاره گردیده و دیگر اینکه به موانع فرار راه مالیاتی در افغانستان اشاره شده است.

و در اخیر نتیجه گیری آن تحریر گردیده و برای بهبود وضعیت عواید دولت در کشور پیشنهادات مشخص ارایه شده و با تذکر فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، فهرست اعلام و مراجع اختتام یافته است.

فهرست

1	مقدمه
7	فصل اول
8	مبحث اول : مفهوم، تعریف، مشروعیت و اهداف عواید
9	مطلب اول : تعریف عواید در فقه اسلامی
9	مطلب دوم : مشروعیت عواید
17	مطلب سوم : اهداف جمع آوری عواید
20	مبحث دوم : سیر تاریخی عواید
21	مطلب اول : عواید و درآمد های حکومت های قبل از اسلام
24	مطلب دوم : عواید و درآمد در عصر نبوت
27	مطلب سوم: عواید و درآمد حکومت های خلفای راشدین رضی الله عنهم
42	مطلب چهارم: عواید و درآمد حکومت های اموی، عباسی و عثمانی
48	فصل دوم
49	مبحث اول : انواع عواید دولت اسلامی
49	مطلب اول : خراج
58	مطلب دوم : جزیه
67	مطلب سوم : معادن
72	مطلب چهارم : رکاز
76	مبحث دوم : حکم مالیات شرعی
77	مطلب اول تعریف، مشروعیت و شروط مالیات شرعی
79	مطلب دوم انواع مالیات شرعی
81	مطلب سوم: مقایسه بین مکوس و مالیات شرعی

83	فصل سوم
84	مبحث اول : نظام مالیاتی معاصر
84	مطلب اول : تعریف مالیات معاصر
86	مطلب دوم : اهداف مالیات معاصر
87	مطلب سوم : شروط مالیات معاصر
90	مطلب چهارم : تاثیرات عواید مالیاتی بر اقتصاد
91	مطلب پنجم : تطبیق مالیات و محدودیت های آن
94	مبحث دوم : نظام مالیاتی در افغانستان
94	مطلب اول : تاریخچه مالیات در افغانستان
100	مطلب دوم : انواع مالیات در افغانستان
108	مطلب سوم : نقش مالیات در اقتصاد افغانستان
109	مطلب چهارم : معافیت مالیاتی. و بیان موقف شریعت اسلامی از آن
111	مطلب پنجم : تخلفات مالیاتی " فرار مالیاتی" و بیان موقف شریعت اسلامی از آن
113	مطلب ششم : موانع فرا راه نظام مالیاتی افغانستان
117	نتیجه گیری
118	پیشنهادات
119	فهرست آیات قرآن کریم
121	فهرست احادیث نبوی
123	فهرست اعلام
125	مراجع و مصادر

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الانبياء والمرسلين محمد و على آله و صحبه اجمعين اما بعد:

الله متعال برای این امت اراده کرد وخواست که بهترین امت در میان امت ها باشد، از جمله عناصر بهتريت آن تعاون تعاطف و همدلی است در صورت نیاز و ضرورت به یکدیگر تعاون و همکاری مینمایند که الله متعال در مورد تعاون و همکاری در قرآن کریم چنین می فرماید: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ} ¹

قیام دولت ها بستگی به حمایت مردم از نگاه سیاسی و مالی دارد، دولت ها ضرورت و نیاز به منابع ثابت و دائمی دارند تا مخارج و مصارف حکومت داری را به وجه احسن از آن منابع تأمین نمایند. دولت نیاز به کارمندان نظامی، مسلکی و اداری دارد، نظامیان حفاظت و پاسداری سرزمین اسلامی را بدوش دارند و کارمندان مسلکی و اداری امورات حکومت داری بدوش ایشان می باشد و هم چنان حکومت مسئولیت پروژه های انکشافی که عبارت از ساخت سرک ها احداث بندها ترمیم و بازسازی اماکن دولتی را بدوش دارد همه این ها نیاز به پول و مصارف دارد که حکومت از منابع مختلف باید تأمین نماید. در صدر اسلام منابع درآمد مالی حکومت اسلامی زکات، غنائم، خراج و جزیه و هم چنان تعرفه های گمرکی که در زمان حکومت خلیفه دوم در قلمرو اسلامی رایج گردید بود، این منابع عایداتی تمام نیازها و مصارف حکومت داری را تأمین می کرد که نظر به ظروف زمانی و مکانی عواید و درآمد دولت کم و زیاد می گردید.

در نظام اسلامی مسئولیت های فردی و اجتماعی متعین است که به موجب آن مسلمانان جزء از اموال تعیین شده (زکات) را به افراد مستحق و مستمند و بی بضاعت پرداخت نمایند، در صورت عدم کفایت موارد مالی حکومت، علماء امت اسلامی بنا بر استقراء و تتبع در نصوص شرعی وضع مالیات معاصر را بنا بر ضرورت و مصلحت مسلمانان مشروع دانسته اند. مالیات که به انواع مختلف آن در کشورها وضع می گردد جزء از درآمد های مردم را که دلبستگی به آن دارند و قرآن کریم در مورد آن چنین می فرماید: { وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا } ² (و مال را دوست دارید دوست داشتنی بسیار) حکومت ها بدون پرداخت مقابل دریافت می کنند و حتی مال که به گونه مالیات پرداخت می شود در نزد شریعت اسلامی از اهمیت بر خوردار است که در بعضی

1- المائدة: 2.

2- الفجر: 20.

موارد آن قبل از اولاد مقدم شده است الله متعال می فرماید: { الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا }¹ (مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید نیز بهتر است).

در شریعت اسلامی مال دارای اهمیت بوده و بر حفاظت از آن در نصوص شرعی تاکید شده است درین رساله بشکل اجمالی عواید مهم و ثابت دولت اسلامی را به معرفی گرفته و هم چنان مالیات معاصر در افغانستان و حکم آن را از نگاه شریعت اسلامی بیان کردم ام.

اهمیت موضوع :

در عصر حاضر بسیاری از کشور های اسلامی و غیر اسلامی منابع مالی خود را از گردآوری عواید تأمین می نمایند که کشور ما افغانستان هم بخشی از بودجه ملی خویش را از طریق جمع آوری عواید حاصل می نماید بنا برین شناخت حکم شرعی و فقهی بر هر فرد کشور لازم پنداشته می شود، روی این ملحوظ این تحقیق دارای اهمیت می باشد.

- 1- اولین تحقیق مقایسوی بین عواید شرعی و درآمد حکومت در افغانستان می باشد.
- 2- فراهم نمودن معلومات جدید پیرامون عواید دولت در افغانستان.
- 3- بیان حکم شرعی و فقهی عواید در افغانستان.

اسباب اختیار موضوع :

- 1- شریعت اسلامی دارای نظام جامع و کامل است که عواید و یا درآمد ها جزء همین نظام می باشد.
- 2- در نزد ملت ها مال اهمیت ویژه را دارد که بدون آن چرخش زندگی مردم از حرکت بازمانده که بدون گرد آوری عواید بعضی از کشور مخارج خود را تأمین کرده نمی تواند.
- 3- جمع کردن اقوال علماء و تحلیل آن پیرامون موضوع عواید که برای طالب علم و باحثین سهولت را فراهم نماید.
- 4- بیان اهداف جمع آوری عواید به گونه شرعی و وضعی و تاثیر آن بر اقتصاد.
- 5- بیان عدالت شریعت اسلامی در گرد آوری عواید.

1- الکهف: 46.

سوالهای اصلی تحقیق :

عواید و درآمد چیست؟ این سوال در ذهن عام مردم متبادر می گردد که منابع عایداتی حکومت اسلامی کدام چیزها بوده و همچنان حکم مالیات معاصر برای بسیاری از مالیه دهنده گان واضح نمی باشد!

سوالات فرعی :

- 1- آیا فرق میان عواید حکومتی صدر اسلام و مالیات معاصر است.
- 2- آیا مالیات اسلامی در افغانستان قابل تطبیق است.
- 3- تاریخچه مالیات در شریعت اسلامی و قانون افغانستان چگونه است.
- 4- آیا وضع مالیات معاصر عدالت را تأمین می کند.
- 5- جایگاه مالیات در قانون افغانستان چگونه است.

پیشینه تحقیق :

در مورد درآمد های مالی دولت اسلامی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است و هم چنان در مورد عواید شرعی حکومت کتاب های که حصر ندارد نوشته شده، تمام این کتابها و تحقیقات نوشته شده پیرامون موضوع به زبان عربی نگاشته شده است که از جمله آن ها کتاب خراج از امام ابو یوسف رحمه الله اولین کتاب در متون فقهی در تاریخ اسلامی می باشد که در مورد عواید و درآمد حکومت اسلامی از جمله خراج، غنائم و همچنان عشور بحث کرده است، کتاب الأموال از ابو عبید، الإستخراج لأحكام الخراج از ابن رجب حنبلی، الأحكام السلطانية که در آن از خراج و جزیه بحث صورت گرفته است. و از جمله کتاب های معاصرین الخراج والنظم المالية للدولة الإسلامية از محمد ضیاء الدین الریس این کتاب در مورد درآمد های حکومت اسلامی و بالأخص خراج بحث مفصل کرده است. قطب ابراهیم کتاب های السياسة المالية لابی بکر صدیق و السياسة المالية لعثمان بن عفان عفان را تحریر داشته است که این کتاب ها دربرگیرنده عواید دوران حکومت خلیفه اول ابوبکر صدیق و خلیفه دوم حضرت عمر فاروق می باشد و هم چنان رساله ای با ارزش بنام الخراج والضريبة المعاصرة که رساله دکتورا است در مورد منابع عایداتی دولت اسلامی بحث مفصل کرده است. پیرامون موضوع انتخابی من در افغانستان به لسان دری تحقیقی صورت نگرفته است بناء این اقدام را نمودم تا این خلا را رفع نموده و در مورد عواید دولت در چارچوب شریعت اسلامی اشارات داشته باشم.

روش تحقیق :

روش تحقیق انجام داده شده کتابخانه‌ی بی بوده که در جمع‌آوری از کتاب‌های مرتبط به مالیات وضعی، قوانین افغانستان و کتب شرعی استفاده گردیده است.

اهداف تحقیق :

- 1- بیان اهمیت و جایگاه عواید در شریعت اسلامی و هم‌چنان معرفی منابع مهم عایداتی حکومت اسلامی و چگونگی استفاده و مصارف از آن در ادوار تاریخ اسلامی .
- 2- بیان تکلیف فقهی عواید افغانستان و مقارنه آن با فقه اسلامی.

مشکلات تحقیق (محدودیت‌های تحقیق):

- 1- مصروفیت و وظیفوی در کنار نوشتن این رساله از مشکلات در مدت نوشتن این رساله بود.
- 2- عدم کتابخانه به سطح کابل که در وقت نیاز و ضرورت از آن استفاده شود.

خطه و پلان تحقیق :

- این بحث (عواید دولت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان "مقایسه وی") مشتمل بر مقدمه ، سه فصل، خاتمه و نتایج می باشد که به ترتیب ذیل است:
- فصل اول: مفاهیم، کلیات و سیر تاریخی عواید که آن مشتمل به دو مبحث است.
- مبحث اول داری سه مطلب و مبحث دوم نیز دارای سه مطلب می باشد هر یک قرار ذیل است:
- مبحث اول : مفهوم، تعریف، مشروعیت و اهداف عواید.**
- مطلب اول: تعریف عواید در فقه اسلامی.
- مطلب دوم: مشروعیت عواید.
- مطلب سوم : اهداف جمع‌آوری عواید.
- مبحث دوم : سیر تاریخی عواید:**
- مطلب اول : عواید و درآمد حکومت‌های قبل از اسلام.
- مطلب دوم : عواید و درآمد در عصر نبوت.
- مطلب سوم: عواید و درآمد حکومت خلفای راشدین.

مطلب چهارم: عواید و درآمد حکومت های اموی، عباسی و عثمانی.

فصل دوم : عواید و درآمد های دولت در فقه اسلامی.

این فصل مشتمل بر دو مبحث می باشد مبحث اول دارای چهار مطلب و مبحث دوم دارای سه مطلب است که قرار ذیل می باشد:

مبحث اول : انواع عواید دولت اسلامی:

مطلب اول : خراج.

مطلب دوم : جزیه

مطلب سوم : معادن.

مطلب چهارم : رکاز.

مبحث دوم : حکم مالیات شرعی :

مطلب اول : تعریف، مشروعیت و شروط مالیات شرعی.

مطلب دوم : انواع مالیات شرعی .

مطلب سوم: مقایسه بین مکوث و مالیات شرعی.

فصل سوم : مالیات معاصر و تطبیق آن با قوانین افغانستان و بیان حکم آن از دیدگاه شرع.

این فصل مشتمل بر دو مبحث است که مبحث اول دارای پنج مطلب و مبحث دوم دارای شش مطلب که قرار ذیل می باشد:

مبحث اول: نظام مالیاتی معاصر:

مطلب اول : تعریف مالیات معاصر.

مطلب دوم : اهداف مالیات معاصر.

مطلب سوم : شروط مالیات معاصر

مطلب چهارم : تأثیرات عواید مالیاتی بر اقتصاد.

مطلب پنجم : تطبیق مالیات و محدودیت های آن.

مبحث دوم : نظام مالیاتی در افغانستان:

مطلب اول : تاریخچه مالیات در افغانستان.

مطلب دوم : انواع مالیات در افغانستان.

مطلب سوم : نقش مالیات بر اقتصاد افغانستان.

مطلب چهارم : معافیت مالیاتی و بیان موقف شریعت اسلامی از آن.

مطلب پنجم : تخلفات مالیاتی " فرار مالیاتی" و بیان موقف شریعت اسلامی از آن.

نتیجه گیری.

پیشنهادات.

فهرست آیات.

فهرست احادیث.

فهرست اعلام.

فهرست منابع و مصادر.

فصل اول

مفاهیم کلیات و سیر تاریخی عواید.

مبحث اول مفهوم، تعریف، مشروعیت، اهداف

مطلب اول : تعریف عواید

مطلب دوم مشروعیت عواید

مبحث دوم :سیر تاریخی عواید

مطلب اول : عواید ودرآمد های حکومت های قبل از اسلام

مطلب دوم :عواید و درآمد عصر نبوت

مطلب سوم: عواید ودرآمد های حکومت خلفای راشدین

مطلب چهارم عواید و درآمد حکومت های اموی، عباسی و عثمانی

مبحث اول : مفهوم، تعریف، مشروعیت و اهداف عواید

امروز در تمام کشورها برای دولت ها وظایف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گوناگون پیش بینی شده است که برای انجام دادن این وظایف مجبور اند مخارج و مصارف هنگفتی را متحمل شوند، بنابراین برای تامین مالی این مخارج دولت ها از راهای مختلف درآمد های گوناگون را جمع آوری می کنند. و دولت ها نیز مسؤول رعایت حقوق مردم اند ایجاب می کند برادای واجبات خود اقدام نمایند، تا خلاها را پر نموده و نیازهای کارکنان حکومتی، فقرا، ایتام و مساکین را مرفوع ساخته و به مسأله امنیت، تعلیم، وصحت و کافه خدمات عامه توجه جدی نمایند زیرا دولت هیچگاه بدون عواید قادر به تأمین این امور نخواهد بود. (1)

بنا براین تمام جوامع بشری در طول تاریخ بخاطر نیازهای عامه و حکومت داری در پی درآمد و عواید بوده که توسط آن بر مشکلات و چالش های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فایق آیند به همین ملحوظ حکام به گونه های مختلف اقدام به جمع آوری پول از مردم نموده اند که در بدست آوردن آن از هیچ نوع ظلم و ستم دریغ نمی ورزیدند، با ظهور دین مقدس اسلام جمع آوری عواید شکل دیگری را بر خود گرفت که اصل عدالت در وضع مالیات و جمع آوری عواید از جمله اساسی ترین راه کاری بود که مسلمانان و اهل ذمه بدون هیچ نوع جبر و اکراه به پرداخت آن مبادرت می ورزیدند.

اصل مراعات عدالت در مالیات اسلامی از جمله قوی ترین اسباب بود که مسلمانان را در فتح سرزمین ها کمک کرد و آن ها بعد از فتح ثابت قدم باقی ماند، حکومت های فارس و روم مردم را به وضع مالیات غیر عادلانه خسته ساخته بودند، مردم را بر آنچه وادار ساخته بودند که از توان شان نبود. (2)

در صدر اسلام اولین درآمد حکومت اسلامی زکات (3) بعد از آن جزیه، خراج و تعرفه های گمرکی از جمله بارزترین درآمد حکومت به شمار میرفت.

1- رضایی دوانی مجید. مقدمه ای بر مالیات عمومی در اسلام. ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ دانشگاه مفید. چاپ اول 1389 هجری شمسی. ص 52 .

2- خلاف. عبدالوهاب خلاف (المتوفی: 1375 هـ) السياسة الشرعية في الثنون الدستورية والخارجية والمالية. الناشر: دار القلم الطبعة: 1408 هـ. ص 151.

3- زکات در لغت به معنی رشد و نمو و یا هم پاکی است و در اصطلاح : عبارت است از واجب نمودن حصه از مالی خاص برای گروهی مخصوص. الموصلي، عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي مجد الدين أبو الفضل الحنفي. ج 1 ص 99.

مطلب اول : تعریف عواید در فقه اسلامی

الف: تعریف عواید: عوائد جمع عائد : بمعنی درآمد، سود، بهره رجوع کننده و برگشته. العائد و العائدة: اسم برای چیزی است که بر تو باز گشت می کند و العائدة به معنی منفعت نیز آمده است، آن چیزی برای تو با منفعت تر از او است...¹ آنچه را که مجالس شهرداری و مجالس قریه ها بالای زمین ها و عقارات سالانه وضع می نمایند عاید نامیده می شود. و هم چنان عاید آن است که بشکل دوره یی برای تو بیاید² عواید را می توان تعریف کرد: عواید عبارت از درآمد های کلی افراد، دولت و نهاد های می باشد که آنرا از راه های مختلف حاصل می نمایند.

مطلب دوم : مشروعیت عواید

الف : مشروعیت عواید از کتاب الله.

عواید و درآمد های حکومت اسلامی مشروع و مبتنی بر نصوص شرعی می باشد که بارزترین آن در زمان بعثت و خلفای راشدین و پس از ایشان زکات، خراج، جزیه و عشور تجاری می باشد که این درآمد ها چرخش اقتصادی حکومت داری را در حرکت آورده بود.

1- دلیل مشروعیت زکات، {وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ}³ (ونماز را برپا دارید، و زکات را بدهید) زکات از جمله درآمد و عواید ثابت حکومت اسلامی است که در خزانه بیت المال مسلمین پرداخت می گردد، زکات التزام مالی در دین مقدس اسلام است که طبق شریعت اسلامی مسلمانان باید مقدار مشخصی از اموال تعیین شده را به عنوان زکات بپردازند. در این آیه مخاطب تمام مسلمان که گرویده دین مقدس اسلام اند مکلف به پرداخت زکات اند که این وجه مالی ثابت در شریعت اسلامی می باشد، در عدم پرداخت آن مسلمان مقصر پنداشته می شود.

1- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقی (المتوفى: 711هـ) لسان العرب. الناشر: دار صادر - بیروت. ج3ص316.

2- گروهی از مؤلفین-(ابراهیم مصطفی / أحمد الزیات / حامد عبد القادر / محمد النجار) المعجم الوسيط: مجمع اللغة العربية بالقاهرة. الناشر: دار الدعوة. ج2ص635

3-البقرة:43.

2- از جمله درآمد و عواید ثابت دولت اسلامی جزیه است. {قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ}1

«با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز آخرت ایمان دارند، و نه چیزی را که خدا و فرستاده اش تحریم کرده اند حرام می دانند، و نه آئین حق را می پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را گردن می نهند، و یا این که) خاضعانه به اندازه توانائی، جزیه را می پردازند (که يك نوع مالیات سرانه است و از اقلیتهای مذهبی به خاطر معاف بودن از شرکت در جهاد، و تأمین امنیت جان و مال آنان گرفته می شود)

جزیه از جمله اموال ثابت بیت المال مسلمانان در طول تاریخ حکومت های اسلامی بوده که در مقابل حمایت جان، مال و دیگر مواردی از اهل کتاب گرفته شده است.

ب: مشروعیت عواید از سنت رسول الله.

دلیل مشروعیت زکات از حدیث که از جمله عواید و درآمد ثابت حکومت اسلامی می باشد .

1- عَنْ ابْنِ عُمَرَ² رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى
خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصَوْمِ
رَمَضَانَ".³ از عبد الله بن عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر خدا فرمودند: اسلام بر پنج چیز بنا یافته است: گواهی دادن بر اینکه خدای دیگری غیر از خدای یگانه وجود ندارد، و محمد پیامبر خدا است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و حج بیت الله الحرام و روزه گرفتن ماه رمضان.

1-التوبة:29.

2- وی عبدالله بن عمر بن خطاب قرشی هاشمی است، بعد از مسلمان شدن پدرش مسلمان شد، و پیش از وی هجرت نمود، در غزوه بدر و احد نسبت به خوردسالی اش پیامبر خدا برایش اجازه اشتراک نمودن به این دو غزوه را ندادند، و اولین غزوه که در آن اشتراک نمود غزوه خندق است، نهایت تابع سنت پیامبر خدا بود، حتی در هر جایی که ایشان نماز خوانده بودند ابن عمر در آن جا پایین شده نماز می خواند آب می داد، زیر هر درختی که آن حضرت نماز خوانده بودند، آب می داد که خشک نشود، احادیث بسیاری را روایت کرده است، و بعد از پیامبر خدا شصت سال زندگی نمود، و در سال هفتاد و سه هجری به سن هشتاد و شش سالگی و یا هشتاد و چهار سالگی وفات نمود، (أسد الغابة في معرفة الصحابة، الناشر: دار الفكر - بيروت ج3ص236-240).

3- البخاري. أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. المحقق: د. مصطفى ديب البغا. الناشر: (دار ابن كثير، دار اليمامة) - دمشق. الطبعة: الخامسة، ١٤١٤ هـ ج1ص12. رقم

وجه استدلال از حدیث:

درین حدیث پایه و بناهای اسلام بیان شده که پرداخت کردن زکات از جمله مهمترین پایه های اسلام است که در مرفوع کردن مشکلات اقتصادی حکومت و نیاز های جامعه نقش مهمی دارد. زکات از جمله عواید و درآمد حکومت اسلامی است که دین مقدس اسلام به پرداخت آن مسلمانان را تشویق و ترغیب نموده است.

2- دلیل مشروعیت خراج از سنت و روش رسول الله صلی الله علیه وسلم. عن أبي هريرة،¹ قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم "مَنْعَتِ الْعِرَاقُ دِرْهَمَهَا وَقَفِيرَها، وَمَنْعَتِ الشَّامُ مُدِّيَهَا وَدِينَارَهَا، وَمَنْعَتُ مِصْرُ إِزْدِبَهَا² وَدِينَارَهَا، وَعَدْتُمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأْتُمْ، وَعَدْتُمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأْتُمْ،³» شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ لَحْمُ أَبِي هُرَيْرَةَ وَدَمُهُ" ³ از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: عراق از دادن درهم و پیمانہ های غذا خودداری می کند؛ و شام از پرداخت دینار و پیمانہ های طعام خودداری می نماید؛ مصر نیز از پرداخت دینار و پیمانہ های غذا خود داری می کند و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید. گوشت و خون ابوهریره بر این مطلب گواهی می دهد.

وجه استدلال از حدیث:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بزودی مسلمانان عراق و شام و مصر را فتح می کنند؛ و بزودی برای آنها مقدار مشخصی از اموال معین می گردد که به مسلمانان می پردازند؛ اما در آخر الزمان از پرداخت آن سر باز می زنند: یا به این دلیل که کفار ساکن در این سرزمین ها عهد و پیمان را می شکنند و اموال مقرر را نمی پردازند؛ و یا به دلیل غلبه کفار عجم بر این سرزمین ها که از پرداخت این اموال به مسلمانان خودداری می کنند. و در این وقت مسلمانان ضعیف و فقیر می شوند چنانکه در ابتدای اسلام چنین بودند.

1- هریره تصغیره (هره) است، و هره به معنی گربه کوچک است، و چون با این گربه بازی می کرد، پیامبر خدا او را ابوهریره نامیدند، اسمش عبدالله و یا عبدالرحمن بن صخر است، در سال غزوه خیبر مسلمان شد، و همیشه با پیامبر خدا بود، از این جهت از هر صحابه دیگری احادیث بیشتری روایت کرده است، مجموع احادیثش (5374) پنج هزار و سه صد و هفتاد و چهار حدیث است، امام بخاری رحمه الله می گوید (800) هشتصد نفر از علمای صحابه و تابعین از وی روایت کرده اند، اصلش از یمن است، و در سن هفتاد و نه سالگی در مدینه منوره وفات یافت، (اسد الغابة في معرفة الصحابة ج5 ص319-321)

2- پیمانہ است که گنجایش 24 صاع را دارد. ابن الأثير مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ) النهاية في غريب الحديث والأثر. الناشر: المكتبة العلمية - بيروت. ج1 ص37.

3- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ص1244 رقم الحديث 2896

در مورد منعت العراق و غیرها دوقول مشهور است.

➤ اسلام آوردن آن ها، اسلام جزیه را ساقط می کند و این اتفاق افتاده است .

➤ در آخرالزمان اعاجم و روم در این دیار حاکم می شوند و مانع خراج و جزیه می گردند
کفار که جزیه پرداخت می کردند در آخرالزمان شان و شوکت آنان قوی شده و از پرداخت
جزیه و خراج امتناع می ورزند.¹

3- مشروعیت جزیه از سنت رسول الله : **أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَهَا مِنْ مَجُوسِ هَجَرَ.**² رسول الله صلی لله علیه وسلم از مجوس هجر جزیه گرفت.

ج: مشروعیت عواید از اجماع- دلیل اجماع نیز وجود دارد اصحاب کرام با وضع خراج موافقه کردند مگر عده ای قلیل از صحابه به رای موافقه نکردند.

د: دلیل مشروعیت عواید از مصالح:

پرداخت مصارف زکات محدود است و مصارف دولت خیلی زیاد و وجه مصرف زکات نیز مشخص است، آن همراه دیگر اموال یکجا نمی شود. و دولت که به مال زیاد نیاز دارد و در بخش های گوناگون حکومت داری اموال زیادی به مصرف می رسد بنا براین نیاز به پول دارد و اینرا از طریق جمع آوری دیگر عواید عجز بودیجوی خود را مرفوع کرده نمی تواند. دولت به ساخت و بنای مدارس، شفاخانه ها، سرک ها، و بناء پل ها و دیگر زیر بناها که از پول زکات درین بخش ها به مصرف نمی رسد، در صورتیکه چنین است به وجه مال دومی نیاز دارد.
پس وقتیکه دولت در زیر ساخت ها مصرف می کند و نیاز به پول دارد ، مصالح عامه اینرا تقاضا می کند که حکومت بالای سرمایه داران مالیه وضع نماید تا پروژه های عام المنفعه که مؤدیان مالیه نیز از آن استفاده می کنند به پای اکمال برسد.

در کل امت مطالبه شده یعنی از مسلمانان خواسته شده که از دین خدا دفاع نمایند و در راه خدا جهاد نمایند همه این ها نیاز به مال دارد آیه 60 سوره انفال درین مورد به استعداد و توانمندی تشویق می کند {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا

1- النووی، ابو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف الدین المتوفی 676 هجری، المنهاج شرح صحیح مسلم بن حجاج، الناشر: دارالاحیاء التراث العربی - بیروت . الطبعه الثانيه 1392 هجری.ق. ج18ص 20
2- صحیح بخاری ج4ص96. شماره حدیث:3156.

تُظْمُونَ¹ (شما مؤمنان باید برای مقابله با کافرانی که پیرامون شمایند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند بترسانید و اندیشه هجوم به مسلمانان را از آنان سلب کنید و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از این ها اند و شما از آنان بی خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید، و بدانید که هر چیزی را در راه خدا هزینه کنید، بی کم و کاست به شما بازگردانده می شود و بر شما ستم نخواهد شد) مقصود از مال در شریعت اسلامی ذخیره کردن و یا افتخار کرده به آن نیست ، بلکه مقصود از مال داشتن دولت که زیر چتر آن دیگر مصالح شرعی را متحقق می شود می باشد.²

قواعد فقهیه هم مبنای آن شده میتواند (ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب)³ آنچه واجب بدون وی پوره شدنی نباشد آن شیء واجب است.

آنچه که ادای واجب بر آن موقوف باشد واجب بودنش به نفس امر حاصل می شود. (یتحمل الضرر الخاص لدفع الضرر العام).⁴ بخاطر دفع ضرر عام ضرر خاص را تحمل کرده می شود.

اگر دولت اسلامی بدون وضع مالیات دیگر منبع عایداتی و درآمد نداشته باشد پس درین صورت به مرور زمان دولت از نگاه اقتصادی به مشکلات زیادی مواجه می شود که در نهایت منجر به سقوط آن خواهد شد پس بنا بر مصالح عمومی، وضع مالیات و پرداخت آن بخاطر بقای حکومت اسلامی یک امر الزامی پنداشته می شود.

در عصر حاضر اندک و قلیل بودن منابع دولت اسلامی و بالاخص نبود غنائم، خمس ، جزیه و خراج که از جمله درآمد های اساسی حکومت اسلامی به شمار میرفت و در خزانه عمومی دولت پرداخت می گردید در عدم و نبود این منابع عایداتی باید راهای تبدیلی جستجو گردد که همانا مالیات معاصر می باشد که با وضع آن تا حدی مصارف دولت را تأمین می کند، بنا براین مصالح دولت ایجاب می کند که در کنار دیگر درآمد های حکومتی دولت های اسلامی بالای ثروتمندان که توان پرداخت مالیات را دارند بالای ایشان مالیه وضع گردد.

1- الانفال: 60.

2- الیوبی، الدكتور محمد سعد بن احمد بن مسعود، مقاصد الشریعه الاسلامیه و علاقتها بالأدلة الشرعیة، الناشر: دارالهجره للنشر والتوزیع، المملكة العربیة السعودیة، الطبعة الأولى 1998. ص 285.

3- بن عبد السلام، أبو محمد عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمی الدمشقی، الملقب بسلطان العلماء (المتوفی: 660هـ)، قواعد الأحكام فی مصالح الأنام، الناشر: مكتبة الكليات الأزهریة - القاهرة، طبعة: جدیدة مضبوطة منقحة، 1414 هـ. ج2 ص204.

4- محمد الزرقا، شرح القواعد الفقهیة، الناشر: دار القلم - دمشق / سوريا الطبعة: الثانية، 1409 هـ. ص. 197.

هـ : علماء امت اسلامی در مورد عواید دولت و یا جمع آوری مال بدون از اموال که شریعت اسلامی آن را بالای مسلمین فرض گردانیده است به دو دسته تقسیم شده اند:

قول اول: قاضی ابو بکر بن عربی¹، امام ابو یوسف براین نظر اند که بدون زکات حق دیگری در داری و اموال مسلمانان وجود ندارد و بگونه الزام از ایشان مطالبه نمی شود مگر اینکه به اختیار و رغبت خود چیزی بگونه صدقه بپردازد.²

قول دوم: امام محمد شیبانی، امام غزالی، امام قرطبی و شاطبی بگونه صراحت و یا اشاره ضمنی براین نظر اند، بدون از زکات در اموال و دارائی ها حق دیگری وجود دارد، این علماء وضع مالیات معاصر را جواز داده اند و شروط نیز وضع نموده اند.

دلایل قول اولی:

1- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " إِذَا أَدَّيْتَ زَكَاةَ مَالِكَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ " .³
وقتی که زکات مال خود را پرداخت کردی، به تحقیق آنچه که بالای تو واجب است ادا کردی.
2- حدیث اعرابی: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمَلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ، قَالَ: "تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ" قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أَزِيدُ عَلَى هَذَا، فَلَمَّا وُلِّي، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا"⁴ از ابو هریره روایت است که شخص با دیه نشنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: به من عملی را نشان بدهید که اگر آن را انجام بدهم به بهشت بروم. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: خدا را عبادت کن، و به او هیچ چیزی را شریک میاور، نماز فرض را بخوان، زکات فرض را ادا کن، و ماه رمضان را روزه بگیر. آن شخص گفت: قسم به ذاتی که جانم در دست بلا کیف او است بیشتر از این کاری نخواهم کرد. چون آن شخص رفت، پیامبر خدا فرمودند: کسی که از نظر کردن بسوی شخصی از اهل بهشت خوشش می آید، به طرف این شخص نظر کند.

¹- ابو بکر محمد بن عبد الله المعروف بابن العربي، به سوی شام سفر کرد، علم فقه را از نزد امام محمد بن ولید طرطوشی حاصل نمود، و به بغداد سفر کرد امام غزالی و امام ابابکر شاشی را مصاحبت نمود، اولین عالم مغربی است که به خاطر تحصیل علم به مشرق سفر کرد، بعد از سفر به اندلس برگشت، مسئولیت قضاء را بر عهده گرفت در آخر از همه چیز کناره گرفته مشغول تدریس و تصنیف شد. از جمله تصنیفات مشهور آن احکام القرآن می باشد (سیر اعلام النبلاء، ج 20 ص 199)
²- ابن العربي، القاضی محمد بن عبد الله أبو بکر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفى: 543هـ)، أحكام القرآن، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، ج 1 ص 87.

³- الترمذی، محمد بن عیسی بن سؤرة بن موسی بن الضحاک، أبو عیسی، (المتوفى: 279هـ) الجامع الكبير، سنن الترمذی، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، سنة النشر: 1998م ج 2 ص 6 حدیث 618. يقول الترمذی هذا حدیث غریب.

⁴- صحیح البخاری، ج 2 ص 150. رقم الحدیث 1397.

وجه استدلال از حدیث:

اعرابی تصریح می کند که بدون از زکات چیزی دیگری نمی دهد و از حق واجبه اضافه چیزی نمی دهد، رسول الله از او راضی می شود، بلکه خبر می دهد که آن از اهل جنت است. اگر غیر از زکات در اموال مسلمانان حق دیگری می بود با ترک آن مستحق جنت نمی شد.

3- اسلام ملکیت های شخصی و خصوصی را از دست برد مصئون دانسته و از تجاوز به آن منع نموده است بلکه به آن احترام قائل شده است. "فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ، وَأَمْوَالَكُمْ، وَأَعْرَاضَكُمْ، بَيْنَكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا" ¹ یقیناً خون های شما، و اموال شما، و نوامیس شما، مانند حرمت امروز شما، مانند حرمت این ماه شما، مانند حرمت این شهر شما که شهر مکه مکرمه باشد، بر شما حرام است.

وجه استدلال از حدیث :

گرفتن مالیات یک نوع تعدی و دست برد و تجاوز بر اموال مردم است. شریعت اسلامی بر حفاظت مال مسلمانان تاکید کرده است، حفاظت از مال از جمله مقاصد شرع است. ابویوسف² در کتاب خراج تحریر داشته است امام (مسلمانان) حق ندارد چیزی را از دست کسی بیرون کند مگر بحق ثابت و معروف.³ حاکم و امام مسلمین بدون وجه شرعی نمی تواند در اموال خاص مسلمانان تصرف نماید و ایشان را وادار سازد تا حصه از مال خود را به حکومت اسلامی پرداخت نمایند.

دلایل قول دوم:

1- دلیل از قرآن کریم:

{ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ }⁴ نیکوکاری آن نیست که روی خود را به

¹ صحیح البخاری. ج 1 ص 24. رقم الحدیث 67.

² - وی قاضی ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم الأنصاری در سال 113 هجری متولد شده ، از جمله شاگردان زیرک و با هوش امام ابو حنیفه بود که ایشان را هفده سال بخاطر فرا گرفتن علم ملازمت می کرد که فقه را از امام آموخت بعد از وفات امام ابو حنیفه به ریاست علم رسید، قاضی ابو یوسف صاحب جایگاه و منزلت در زمان رشید بود و در سال 182 هجری وفات نموده است (سیر اعلام النبلاء) ج 8 ص 535- 538.

³ - ابو یوسف، الخراج ص 78.

⁴ - البقرة: 177.

سوی مشرق و یا مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راهماندگان و گدایان و در راه آزاد کردن بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادار اند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیباییانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند.

وجه استدلال از آیه کریمه

الله متعال زکات را با نماز یک جا ذکر کرده این دلیل بر آن است که مراد از { وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ } زکات واجبه نیست، اگر چنین می بود تکرار واقع می شد. در اموال بدون از زکات حق دیگری هم وجود دارد.

امام محمد شیبانی¹ می فرماید: اگر امام می خواست که جیش (نظامیان) را تجهیز نماید و امکان تجهیز کردن آنان از بیت المال بود از مردم چیزی نمی گیرد و در صورتیکه مال بیت المال کفایت نمی کرد بمنظور تقویه آن های که به جهاد بیرون می شوند مصارف آنان بدوش مردم می باشد.²

امام قرطبی³ می گوید: اگر برای مسلمانان حالت اضطرار پیش آمد و نیازهای مسلمانان به پول زکات مرفوع نمی گردید درین مورد علمای امت اسلامی اتفاق نظر دارند که غرض زدودن و بر طرف کردن همین حالت اضطرار، واجب است که مسلمانان بدون از زکات فرضی پول دیگری به حکومت پرداخت کنند.⁴

مراد از مال در سخن امام قرطبی اموال است که امام مسلمین بخاطر نیاز های حکومت داری و یا دفاع از سرزمین اسلامی بالای ثروتمندان وضع می نماید چون طاعت ولی امر مسلمانان در صورت که به معصیت امر نکند واجب می باشد.

1- محمد بن حسن شیبانی علامه و فقیه عراق صاحب امام ابوحنیفه، در واسط متولد گردیده و در کوفه زندگی می کرد، فقه را از امام ابوحنیفه آموخته است و در نزد قاضی ابو یوسف فقه را تکمیل نمود، از امام ابوحنیفه، مسعر، مالک بن مغول، اوزاعی و مالک بن انس روایت کرده است در سال 189 وفات نموده است (سیر اعلام النبلاء) ج9 ص134

2- الشیبانی، محمد بن حسن، المتوفی 189، السیر الکبیر، الدار المتحدة للنشر- بیروت لبنان ج1 ص139.

3- او محمد بن احمد بن ابی بکر اندلسی از جمله علمای بزرگ تفسیر می باشد مرد صالح و عابد از اهل قرطبه بود، به سوی شرق سفر نمود و در اسبوط مصر مسکین گزین شد و در همان جا وفات نمود. و مشهور ترین کتاب آن الجامع لاحکام القرآن است. (الأعلام للزركلي. ج5 ص322)

4- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي، شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671 هـ)، الجامع لأحكام القرآن. تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش.. الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة الطبعة: الثانية، 1384 هـ ج2 ص242

امام غزالی¹ چنین می فرماید: اگر در خزانه دولت مال وجود نداشت که کفایت مصرف عسکر را بکند و خوف نفوذ دشمن و داخل شدن آن در سرزمین اسلامی بود و یا احتمال خیزش داخلی از اهل شر وجود داشت درین صورت جواز دارد که امام مسلمین بالای ثروتمندان مقدار مال که کفایت مصارف جنود، و نظام امور نیز محفوظ بماند مالیه وضع می کند.²

شاطبی نیز بر این رای و نظر است در حین ضرورت امام مسلمانان بخاطر تجهیز نظامیان و نفقات ایشان بالای ثروت مندان التزامات مالی وضع کرده می تواند اگر چنین کار را نکند کفار بالای سرزمین اسلامی و مسلمانان غلبه حاصل می کنند.³

هدف از وضع مالیات استفاده سوء از دارائی های ثروتمندان نیست و قضا بر ممتلكات آن ها باشد بلکه غرض آن شریک ساختن آن ها در تحمل تکالیف مالی عام مردم است تا اینکه آن ها فقط از نعمت های فراوانی بهره مند شوند در حالیکه گروه دیگر از مردم به سبب گرسنگی هلاک شوند.⁴

ترجیح مساله: بنا بر دلایل و آراء علماء وهم چنان ایجاب مصالح عمومی مسلمانان، باید گفت حکومت های اسلامی در ادوار تاریخ بودجه و مصارف حکومت را از غنائم، جزیه و خراج علاوه بر این ها از زکات نیز که یک منبع درآمد ثابت بود تأمین می کردند، در عصر حاضر بنا بر ضعف حکومت های اسلامی و نبود درآمد و عواید ثابت و نیاز حکومت ها به وجوه مالی غیر از حق واجب بر اموال حقوق دیگر نیز بالای ثروت اغنیاء است که حاکم و خلیفه مسلمان بنا بر نیاز و ضرورت و شروط معتبر، بالای آنان مالیات وضع نماید.

مطلب سوم : اهداف جمع آوری عواید

در شریعت اسلامی عواید دارای اغراض و اهداف است که مشروعیت بعضی آنها به کتاب الله و سنت رسول الله و یا بنا بر اجتهاد و قواعد شرعی ثابت شده وهم چنان مشروعیت بعضی

1 - غزالی، أبو حامد محمد بن محمد الغزالی الطوسی، فیلسوف و متصوف که بالا تراز دوصد تصنیف دارد به نیشاپور، بغداد و شام سفر کرده است و در سال 505 هـ وفات نمود، از جمله کتاب های مشهور آن احیای علوم الدین و المستصفی می باشد. (الاعلام للزرکلی، ج7 ص22)

2 - غزالی، المستصفی، ج7 ص303-304.

3 - الشاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی الشهیر بالشاطبی (المتوفی: 790 هـ) الاعتصام، تحقیق: سلیم بن عید الهلالی، الناشر: دار ابن عفان، السعودیة.

4 - حسن ابراهیم، کتاب النظم الاسلامیة، الناشر: مكتبة النهضة المصرية، ص152-153

دیگران به قاعده بالمثل مشروعیت داده شده اضافه بر این ها مالیات که حاکم مسلمان بنا بر نیاز های حکومت داری با شروط معتبر آن را وضع می نماید دارای اهداف و اغراض می باشد.

الف : اغراض سیاسی:

همزمان با پیدایش دولت ها بخاطر ضرورت اجتماعی و نیاز افراد در مجتمع و تابع بودن انسان ها به حکومت ها و وابستگی های افراد به دولت ها ضرورت به منابع عایداتی محسوس گردید. شهروندان و یا اتباع حکومت های غیر اسلامی وهم چنان کسانی که زیر چتر حکومت اسلامی زنده گی می کنند شرعا به پرداخت مالیات ملزم هستند.¹

ب : اغراض اجتماعی:

هر فرد در سرزمین اسلامی ارتباط نا گسستنی با حکومت خویش دارد و هر شخص دارای حقوق و وجایب در کشور اسلامی می باشد، از مزایا حکومت اسلامی بهرمنند شده و از خدمات عام المنفعه مستفید می گردد. هدف از وضع مالیات در شریعت اسلامی مساعدت و کمک به محتاجین می باشد، دین اسلام از ابتدای ظهور عدل و برابری را اساس گذاشته و چاره ای برای نیازمندان و فقراء سنجیده است. بگونه مثال؛ زکات را بالای توانمندان واجب گردانیده تا اینکه زنده گی اجتماعی تمام افراد در سرزمین اسلامی در چرخش بوده و فقراء لقمه عیش روز مره خود را داشته و زندگی آبرو مندان به مثل سائر افراد سرزمین اسلامی داشته باشند. همچنان پرداخت مالیات از جمله تعاون و همکاری بین مسلمانان به شمار میرود که قرآن کریم درین مورد مسلمانان را به تعاون به کارهای نیک و پرهیزگاری دعوت می کند {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى} ² وهم چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: "الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ، يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا"³ مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند.

مالیات تا حدی نظام طبقاتی را در مجتمع اسلامی کمتر می سازد، حصه از مال اغنیاء به طریقه مشروع گرفته شده و به فقراء و مستمندان توزیع می گردد، و این مالیات فقط بالای ثروتمندان وضع می گردد، این عواید در تمام بخش حکومت و پروژه های عام المنفعه به مصرف رسانیده می شود که تمام افراد حکومت اسلامی از خدمات آن مستفید شده که فقراء بدون پرداخت مال نیز

1- بشار حسین العجل ، الخراج والضریبه المعاصرة ص243.

2- المانده:2.

3- صحیح البخاری ج8. ص12. رقم الحدیث 6026

از مزایای همان خدمات بهره مند می شوند. پس مالیات که بشکل عادلانه وضع گردد نظام طبقاتی را در مجتمع دور کرده و تمام اتباع دولت اسلامی از خدمات و مزایای حکومت اسلامی یکسان بهره مند می شوند مانند : استفاده از مراکز صحتی، سرک ها، پل ها، تعلیم و تحصیل. این گونه مالیات باعث دوستی و الفت بین افراد مجتمع شده و از امراض حسد کینه و بد بینی دور نگهداشته می شود.¹

ج : اهداف واغراض اقتصادی :

هدف از وضع مالیات اهداف اقتصادی باشد که تاثیر آن نیز بالای اقتصاد کشور هویدا گردد. بعضی از اقتصاد دانان به این باور اند هر چند که مالیات از یک نگاه بالای پرداخت کننده آن گران و مکلف تمام می شود از سوی دیگر فعالیت افراد را بیشتر ساخته و آنان را به طرف تولید اضافه تر جهت می دهد قسمیکه در زمان خلیفه دوم وضع تعرفه گمرکی در تحرک و پیشرفت اقتصادی و رونق بازار سهم به سزای خود را داشت، و این در تنظیم علاقات تجاری سهم قابل ملاحظه خود را ایفا نموده بود که بعد از آن تجارت بین خلافت اسلامی و کشور های منطقه سیر صعودی خود را می پیمود، تردد قوافل تجاری و کشتی های حامل اجناس تجاری در جزیره العرب بیشتر شده؛ صادرات و واردات کشور اسلامی چرخش اقتصادی خلافت را در حرکت درآورد که به مرور زمان کشتی های تجاری از سرزمین هند، چین و افریقا با نفیس ترین اموال تجاری به مقصد سرزمین خلافت اسلامی در حرکت می شدند که در زمان خلافت راشد و حکومت اموی ها تجارت بین این کشورها با سرزمین اسلامی رونق بیشتر گرفت.²

د : حمایت اقتصاد محلی :

از جمله تاثیرات اقتصادی مالیات حمایت اقتصاد محلی دولت اسلامی است، که زیاد کردن تعرفه های گمرکی بالای اموال و اجناس وارداتی از خارج می باشد، این نقش مهمی در حمایت تولیدات داخلی دارد. اگر حکومت اسلامی می خواهد رونق و فعالیت اقتصادی خوب داشته باشد بالای اجناس و اموال صادراتی تعرفه های گمرکی را بحد ادنی تنزیل داده و تولیدات داخلی و محلی را حمایت نموده بالای اجناس وارداتی تعرفه گمرکی اضافی وضع نماید.³

1- بشار حسین العجل، الخراج والضریبه المعاصره ، رساله دکتورا ص 246.
2صلابی، علی محمد محمد صلابی- عمرین الخطاب شخصیتة وعصره، ص 393.
3- مرجع سابق ص 249-250.

ه : اغراض مالی

از اهداف مهم مالیات بدست آوردن مال به گونه مشروع و هزینه کردن آن در خزانه بیت المال مسلمانان است. که با بدست آوردن اموال و پرداخت آن در خزانه بیت المال حکومت اسلامی بخشی از بودجه و مصارف حکومتی را تأمین نموده و هم چنان منبع مالی داخلی که کمک کننده به وضع مالی و اقتصادی کشور می باشد در اختیار آن قرار می گیرد.¹

مقایسه بین اهداف مالیه در شریعت اسلامی و قانون مالیات بر عایدات افغانستان.

شریعت اسلامی اخذ پول و یا مال از مردم را بدون ضرورت جایز ندانسته و حتی گرفتن آنر بدون وجه حق حرام دانسته است و دریافت مال از مردم منوط به ضرورت و مصلحت عام مسلمین می باشد.

در قانون مالیات بر عایدات افغانستان فیصد مالیه و حد ادنی پول که بالای آن مالیه وضع می گردد بیان شده است و هدف از جمع آوری این مالیات در قانون تصریح نگردیده است.

در تعریف مالیه در قانون مالیات بر عایدات چنین تذکر داده شده است بدون انجام خدمت متقابل اخذ می گردد.

مبحث دوم : سیر تاریخی عواید

مالیات از قدیمی ترین پدیده های جوامع بشری بوده هر جا که اجتماعی شکل گرفته و حکومتی برای اداره آن جامعه تشکیل می شد وضع مالیات، خراج و امثال آن نیز برای اداره امور مجتمع و دفاع از سرزمین ضرورت پنداشته می شود.

بنابراین وضع مالیات از قدیمی ترین موضوعات جوامع بشری است، هر چند ممکن است در هر زمانی شکل خاص داشته باشد. در برخی مناطق افراد نقدا پول می پرداختند و در اکثر جوامع قدیمی مالیات به معنی پرداخت در صدی از محصول سالیانه به دولت بوده و در پاره های دیگر تأمین سرباز مجانی یا انجام بیگاری برای حکومت از خانوادهها نیز گونه ای از مالیات بود.

مالیات از لوازم اصلی اداره کشور است و وجود دولت و حکومت بدون موجودیت درآمد و مالیات امکان پذیر نیست. درآمد مالیاتی مهمترین و گسترده ترین حجم درآمد دولت ها را در اکثر کشورهای جهان تشکیل می دهد و دارای سابقه ای طولانی است درآمدهای مالیاتی در طول زمان

1- بشار حسین العجل، الخراج والضریبه المعاصره ص 252.

بدلیل نیاز دولتها به درآمد برای اداره کشور تحول بسیاری کرده است به نحوی که در بسیاری کشور های پیشرفته، باوجود بالابودن حجم مالیات نسبت به درآمد ملی، مردم به پرداخت آن عادت کرده اند.¹

مطلب اول : عواید و درآمد های حکومت های قبل از اسلام

الف : مالیات جوامع بشری قبل از میلاد

مالیات عامه از زمان های قدیم وجود داشته است، زیرا حفظ و اداره یک جامعه متشکل و مستلزم وجود تشکیلات اداری، دفاعی و قضائی میباشد که مجموعه این سازمان ها دولت را تشکیل میدهد و حکومت نیز منحصراً رکنی از ارکان دولت در پهلوی سایر وظایف مکلف است تا حفظ امنیت تأمین عدالت را درکنار سایر ارکان دولت عهده دار گردد و برای برآوردن این اهداف و سایر وظایف ناچار است مخارجی را متحمل گردد. عبدالطیف رحمانی به نقل از لیونارد دولی در کتاب (آغاز تمدن) به مواردی اشاره نموده است که در حدود 2000 قبل از میلاد در مصر امروزی مؤلفین جمع آوری مالیات در انجام وظایف شان خیانت نمودند که بخاطر رفع وضع موجود در آن زمان اقدامات و تدابیر مشخص بعمل آمد بدین اساس به وضاحت معلوم می گردد که از همان ابتدا پیدایش جوامع متشکل و منظم مالیات عامه شاید و مفهوم و نقش محدود تری وجود داشته است.³

در تاریخ بشریت افراد و اشخاص بالای مردم حاکم شده اند که بخاطر بقای حکومت تمام راهکار ها را غرض پیشبرد امور حکومت داری روی دست گرفته اند که از جمله آن وضع مالیات بخاطر درآمد و عواید به هدف مصارف حکومت داری می باشد، گاهی اوقات جهت پرداخت مالیات وضع شده حکام مدعی می شدند که این یک وجبیه الزامی دینی است که باید مردم آن وجبیه دینی را به وجه احسن انجام بدهند.

ب : عواید درآمد های حکومت (امپراطوری) روم

حکومت ها بخاطر اداره قلمرو، حفظ قدرت و تأمین هزینه های گوناگون همواره نیاز به منابع درآمد پایدار دارد که در واقع اقتدار سیاسی و استواری حکومت بستگی به منابع مالی دارد،

1- رحمانی، عبدالطیف، حقوقی مالی، ناشر: انتشارات سعید، چاپ هشتم سال 1398. ص 9.

2- عبدالطیف رحمانی از جمله استادان پوهنخی حقوق پوهنتون کابل است که دارای تالیف زیاد است که از جمله تالیفات آن کتاب حقوق مالی می باشد.

3- رحمانی، عبدالطیف حقوق مالی، ص 15.

امپراطوری روم تمام مخارج حکومتی خود را از طریق جمع آوری مالیات که بعضی آن ها ظالمانه نیز بود تامین می کرد.¹

انواع مالیات در قلمرو امپراطوری روم:

1- مالیات بالای محصولات زمین ها.

امپراطوری بالای حاصلات زمین مالیات وضع نموده بود که در بعض حالات پول نقد (درهم و یا دینار) و گاهی اوقات از غله جات و هم همراه آن طلا نیز اخذ می نمودند و هم چنان مالیات بر حاصلات بوستان و باغ ها وضع می نمودند، صاحبان نخل زار، باغ های زیتون و روغنیات مالیات خویش را نقدا پرداخت می کردند، گاهی از فدان (معادل 4200 متر است) 10 درهم و بعضی اوقات 20 درهم حتی تا به 40 درهم نیز می رسید که این مبلغ متناسب با درآمد زمین و مساحت آن نمی بود.²

به هدف بدست آوردن اموال امپراطور و نماینده گاه آن انواع مالیات را بالای مردم سرزمین و قلمرو امپراطوری خود وضع می کردند:

2- مالیات سرانه بالای افراد، مواشی و مسافرین.

الف: مالیات سرانه: در قرن اول میلادی مالیات سرانه 16 درهم بالای هر شخص وضع گردیده بود که بعد ها آن به 20 درهم بالا رفت. وضع چنین مالیات بدون در نظر داشت درآمد و دخل افراد صورت می گرفت که تمام مردم به پرداخت آن مکلف بودند در غیر آن در عقب میله های زندان و یا هم زنده گی ایشان در مخاطره می افتید.

ب: مالیات بالای مواشی: از هر شتر سالانه 10 درهم اخذ می گردید.

ج: مالیات بالای مسافرین: هر فرد که از سر زمین این امپراطوری عبور می کرد و یا هم غرض انجام کاری به آن جا سفر می کرد مکلف به پرداخت پول مشخص بود.³

¹- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدولة الاسلامیه، الناشر: دارالمعارف بمصر، الطبعة الثالثة. 1969. ص50

²- مرجع سابق ص53.

³- مرجع سابق ص54.

3- مالیات بالای عمران و آبادی

مالیات بالای زمین های که در آن کارهای ساختمانی صورت می گیرد و بالای هر خانه 100 در هم وضع گردیده بود، همین وضع مالیات ظالمانه باعث شده بود که بعضی مردم از اعمار خانه و یا دیگر چیزها خود داری کنند چرا که توان پرداخت آن مقدار پول را نداشتند.¹

4- تعرفه های گمرکی

مالیات بالای اجناس و اصناف کالاهای تجاری سه فیصد الی ده فیصد وضع گردیده بود که تجار و کسبه کاران آنرا پرداخت می کردند.²

در سرزمین شام که تحت حاکمیت امپراطوری روم قرار داشت تاجران عرب به قصد تجارت اموال خود را به بازارهای شام عرضه می کردند، نمایندگان روم از ایشان مقدار پول (تعرفه گمرکی) می گرفتند.³

ج : درآمد و عواید امپراطوری فارس

فارس از قدیمی ترین کشورهای است که برای تامین مخارج عمومی، دست به وصول مالیات زده است. نوع و مقدار مالیات و نحوه حصول آن در ادوار تاریخ متفاوت بوده است، عمرتاریخ مالیات در ایران امروزی به بیش از پنج هزار سال می رسد و اخذ مالیات به زمان سومریان برمی گردد..⁴ برای اولین بار امور مالیات در زمان داریوش هخامنشی تنظیم و تعیین و بخش های امپراطوری ملزم به پرداخت میزان معینی مالیات می شوند.. از زمان سلوکیان به بعد نظام مالیاتی مختلط و شامل هر دو نوع مالیات های مستقیم و غیرمستقیم بود. مهم ترین مالیات های مستقیم خراج؛ یعنی مالیات اراضی و پس از آن مالیات سرانه بود. ولی مالیات غیرمستقیم منحصر به حقوق گمرکی بود. در زمان هخامنشیان مالیات توزیعی بود و مبلغ کل مالیات مملکتی بین نواحی مختلف کشور تقسیم می شد. در دوره ساسانیان مالیات نرخی شد و بر حسب مقاسمه دریافت می شد و به نسبت خوبی و بدی محصول سهمی از حاصل اراضی دریافت می شد. بعد از به قدرت رسیدن انوشیروان پراخت مالیات تغییر کرد ، بالای هر جریب زمین

¹ - همان مرجع ص 56-57.

² - الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه. ص 54 الی 60.

³ - جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، المتوفی 1408، الناشر: دار الساقی - الطبعة الرابعه. ج 9 ص 308.

⁴ . الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه. ص 77-79.

مزروع گندم و جو یک درهم و بر هر جریب زمین برنج نصف وثلث و برهر جریب زمین انگور هشت درهم و بر هر جریب زمین رطاب هفت درهم و برهر چهار درخت خرما یک درهم در یک سال وضع نمود. و هم چنان تصمیم گرفت که مالیات در طول یک سال به سه قسط پرداخت شود و هر قسط آن بعد از هر چهار ماه باشد.¹

انواع مالیات درامپراطوری فارس

- 1- مالیات بر اراضی: مالیات برمیوه جات و غله جات ثلث، ربع، خمس و اقل آن سدس بود.
- 2- مالیات سرشماری: درامپراطوری فارس سرشماری عمومی جمعیت بمنظور دریافت و حصول مالیات سرانه و تعیین تعداد مردان قادر به جنگ انجام می شد.
- 3- مالیات سرانه: مالیات سرانه یا آنچه به اشخاص به عنوان وجود خارجی شان و نه وضع درآمد آنان تعلق می گرفت، دولتها اغلب زمانی روی به جمع آوری سرانه مالیات آورده اند که وابسته کردن مالیات بر درآمد و مصرف دشوار بوده است. مالیات سرانه بخش مهمی از درآمد را تشکیل می داد و به سبب ساختار اقتصادی حکومت فارس کارآمد بود.²
- نکته جالب توجه در آن زمان معافیت های مالیاتی بود. مالیات سرانه را بالای اشخاص وضع می نمودند که فقط که سن ایشان از 20 الی 50 سال باشد، افراد که سن شان کمتر از بیست و یا بیشتر از 50 می بود از مالیه معاف شده بودند و هم چنان زنان و اطفال از این امر مستثنی بودند
- 4- تعرفه های گمرکی. این امپراطوری تعرفه های گمرکی را بالای کالاهای تجاری وضع نموده بود.³

مطلب دوم : عواید و درآمد در عصر نبوت

منابع درآمد و عواید حکومت اسلامی در زمان آن حضرت صلی الله علیه وسلم عبارت از صدقات نفلی و کمک های تطوعی، اموال صدقات فرضی، اموال دریافتی از جزیه و اموال غنائم بود.

الف: صدقات نفلی و کمک های تطوعی

درآمد و عواید در ابتدای حکومت اسلامی در زمان آن حضرت صلی الله علیه وسلم متشکل از پرداخت ها و کمک های نفلی بود که مسلمانان به رسول الله و یا هم گاهی اوقات مستقیم به افراد نیازمند پرداخت می کردند که قرآن عظیم الشان درین مورد مسلمانان را تشویق و ترغیب

¹- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه ص80 الی 83.

²- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه ص 83.

³- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه ص92.

می فرمایند: { الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ }¹ ترجمه (متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و برپا می دارند نماز را و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. الله متعال درین آیه قرآن کریم انفاق کردن را در ردیف اعمال قرار که از جمله اساسات اسلام است.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَجْدِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ }² ترجمه (ای کسانی که ایمان آورده اید، خرچ کنید از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و قصد نکنید به چیزی ردی یعنی در پی ناپاک آن نروید که از آن انفاق نمایید، در حالی که آن را اگر به خودتان می دادند جز با چشم پوشی و بی میلی نسبت به آن، نمی گرفتید، و بدانید که خداوند، بی نیاز ستوده صفات است). از سیاق این آیه به وضوح درک می شود که الله متعال اعطا کننده مال برای انسان است آن ذات که برای مسلمان اموال اعطا کرده به انفاق آن نیز امر فرموده است. صحابه کرام که پیروان راستین شریعت اسلامی بودند از این آیات هدایت گرفته حصه از اموال خود در راه خدا به مصرف میرساندند که نمونه بارز ایشان ابوبکر صدیق و عثمان ذوالنورین می باشند. قبل از اینکه حکم زکات نازل شود مسلمانان به شکل تطوعی و نفلی از اموال خود برای فقراء و مساکین پرداخت می کردند.

ب: اموال صدقات فرضی .

منابع دومی درآمد و عواید زمان نبوت زکات فرضی بود که با فرضیت آن چالش های نیازمندان و فقراء و هم چنان مصارف حکومت داری تا حدی مرفوع گردید اشیای که شامل زکات می گردید: نقود، حاصلات زمین (عشر) و مواشی بود که زکات تمام این ها به نیازمندان حکومت عصر نبوت تعلق می گرفت.

ج: اموال دریافتی از جزیه. جزیه هم از جمله عواید و درآمد زمان نبوت بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای اهل نجران که نصارا بودند جزیه وضع نمود، این ها اولین کسانی از اهل کتاب بودند که به حکومت اسلامی جزیه پرداخت کردند.³

1- البقره:3.

2- البقره: 267.

3- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدوله الاسلامیه.ص109.

د: اموال غنائم .

از جمله درآمد های ثابت حکومت اسلامی در عصر نبوت غنائم بود.

در صحیح بخاری آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد غنیمت چنین می فرماید: عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،¹ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " أُعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَإِيَّامًا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكْتُهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ، وَأُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً، وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ " ² از جابر بن عبدالله روایت است که گفت: پیامبر خدا فرمودند: برایم پنج چیز داده شده است که برای هیچ کسی پیش از من داده نشده است. اینکه از مسافت یک ماه راه، به دل دشمنانم خوف و رعب می افتد، چون نصرت داده شده ام. اینکه زمین برایم مسجد و وسیله طهارت قرار داده شده است، پس هر کس از امت من که نماز را دریافت و آبی را ندید، تیمم کند و نماز را اداء نماید. و اینکه اموال غنیمت برایم حلال گردانیده شده است، و برای هیچ کس دیگری پیش از من حلال گردانیده نشده بود. و اینکه پیامبران پیش از من خاص برای قوم خود مبعوث می شدند، و من برای همه مردمان مبعوث گردیده ام. و اینکه برایم اجازه شفاعت داده شده است. در جنگ بدر مسلمانان غنائم زیادی از قبیل اموال و سلاح های همان عصر بدست آوردند که بعد از نزول آیه {وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنْقِيهِ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ³ (و بدانید هر چیزی را که به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا صلی الله علیه وسلم و خویشان، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه نازل کردیم، ایمان آورده اید و خدا بر هر کاری تواناست) آن غنائم به شکل مساویانه بین مجاهدین تقسیم گردید. بعد از واقعه بدر یهود بنی قینقاع عهد شکنی کردند که همان سبب شد تا از مدینه منوره بیرون شوند و مسلمانان از خبث و شر آن قوم سرکش و عهد شکن رهایی یابند، یهودیان بنی قینقاع تنها اموال منقول خود را همراه خود حمل کردند و از

¹ - وی جابر بن عبدالله بن عمرو انصاری است، در هجده غزوه با پیامبر خدا اشتراک نموده است، و در جنگ صفین در صف علی بود، در آخر عمرش کور شد، احادیث بسیاری را روایت کرده است، و در سال هفتاد و چهار هجری به سن نود و چهار سالگی وفات نمود، (أسد الغابة في معرفة الصحابة ج1 ص307/308).

² - صحیح البخاری ج1 ص95 شماره حدیث 438.

³ - الانفال : 41.

منطقه بیرون شدند، اموال باقی مانده و سرزمین شان که آیه کریمه نیز درین مورد نازل گردید طبق حکم الهی تقسیم گردید.¹

از هنگامیکه برای مسلمانان اجازه قتال داده شد { اِنَّ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِاَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ }² (به کسانی که مورد ستم واقع شده اند و با ایشان کارزار شده ، اجازه داده شد تا قتال کنند و خدا بر نصرت ایشان قادر است) مسلمانان به غنائم و اموال زیادی دست پیدا کردند که مصارف جهاد و دیگر مصارف غزات و مؤمنین از آن تامین می گردید.

مطلب سوم: عواید و درآمد حکومت های خلفای راشدین رضی الله عنهم

الف: عواید و درآمد دولت در زمان خلیفه اول ابوبکر صدیق رضی الله عنه.³

پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحابه کرام بدون تاخیر ابوبکر صدیق را خلیفه و جانشین آنحضرت انتخاب کردند، میراث حکومت داری ایشان به حضرت ابوبکر صدیق سپرده شد، خلیفه اول اسلام نحوه حکومت داری و گرد آوری عواید و درآمد های دولت اسلامی را در روشنائی قرآن و سنت و هم چنان از روش عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم آموخته بود، که در آن زمان عواید و درآمد های حکومت، زکات، خمس غنائم و هم چنان جزیه که اهل کتاب به حکومت اسلامی پرداخت می کردند بود.⁴

1- درآمد و عواید حکومت خلیفه اول اسلام از زکات.

زکات یکی از ارکان پنج گانه اسلام است که تا روز قیامت بر همه مسلمانان فرض می باشد. زکات از جمله عواید و درآمد ثابت حکومت اسلامی در زمان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه به شمار می رفت که در عدم پرداخت آن چرخش مالی دولت اسلامی توقف می کرد و هم

¹-صالح، احمد العلی، دولة الرسول فی المدینه ص102.
²- الحج:39.

³- وی عبدالله بن عثمان بن عامر قرشی تیمی است، مشهور به ابی بکر صدیق بن ابی قحافه است، یار غار، و یگانه رفیق پیامبر خدا در راه هجرت بود، و کسی است که صحابی بودنش به نص قرآن کریم ثابت شده است، از این سبب اگر کسی از صحابی بودنش منکر شود، به اجماع علماء کافر می شود، وقتی که پیامبر خدا از اسراء خود خبر دادند ابوبکر صدیق به مجرد شنیدن این خبر آن را تصدیق نمود، و از این جهت به صدیق امت لقب یافت، اولین کسی از مردها است که مسلمان شده است، و بعد از مسلمان شدن سبب مسلمان شدن عده بسیاری گردید، اولین خلیفه بعد از پیامبر خدا است، و به اجماع تمام مسلمانانی که قولشان در اجماع معتبر است بهترین این امت بعد از پیامبر خدا می باشد، از علماء، فقهاء، و فضیلا صحابه است، بلکه در همه صفات حمیده سر آمده همگان است، در همه غزوات بلکه در همه حالات و در همه مواقف همراه و همنشین پیامبر خدا بود(اسد الغایة فی معرفة الصحابة ج3 ص205-224).

⁴- قطب ابراهیم محمد، السیاسة المالیه لابی بکر صدیق، الناشر: الهيئة المصریة العامة للکتاب ص 211-216.

چنان سبب می شد یهود و نصارا از پرداخت جزیه امتناع ورزند سیاست ابوبکر صدیق و عزم راسخ ایشان در مقابل ما نعیین زکات قبائل را و ادار ساخت تا زکات مفروضه را پرداخت نمایند در غیر آن در مقابل آنان اعلان جنگ خواهد نمود. در اوایل حکومت خلیفه اول عده ای از قبایل عرب از پرداخت زکات سرباز زده و می خواستند که این فریضه الهی را ادا نکنند ابوبکر صدیق فرمود: سوگند به خداوند چنانچه از دادن ریسمانی که قبلاً به عنوان زکات به رسول خدا می داده اند خود داری کنند با ایشان با مقابله خواهم پرداخت زیرا زکات حقی است که بر اموال واجب گردیده، سوگند به خدا با کسانی که قائل به تفاوت میان نماز و زکات باشند خواهم جنگید.¹ بعضی قبایل با درک و برداشت نا درست از آیه قرآن کریم ، چنین برداشت کردند که گرفتن زکات مخصوص رسول خدا بوده و بدین جهت از ادای زکات امتناع کردند و به این آیه از قرآن استدلال می کردند که {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ} ² ترجمه (از اموال آنان زکات بستان تا بدین وسیله ایشان را از مال پرستی و تنگ چشمی ها پاک گردانی و در راه کمال قرار دهی و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن، که قطعاً دعا و آمرزش تو مایه آرامش ایشان است). می گفتند: زکات به کسی می دهیم که دعای او برای ما آرامش داشته باشد، که آن هم تنها رسول خدا بود و اکنون که ایشان فوت کرده، به هیچ کس دیگری زکات نخواهیم داد.³

در شرح این آیه در تفسیر ابن کثیر آمده است: برخی از کسانی که از ادای زکات امتناع کردند، بر این باور بودند که ادای زکات مخصوص رسول خدا بوده و به حاکم اسلامی یا جانشین او زکات داده نمی شود. ابوبکر صدیق رضی الله عنه با نظر مورد اجماع صحابه این برداشت نادرست از آیه را رد کرد و بخاطر ادای زکات با آنان جنگید و مجبورشان کرد تا در برابر حکم اسلام گردن نهند و آن گونه که به رسول خدا صلی الله علیه وسلم زکات اموالشان را می پرداختند، به جانشین آن حضرت نیز زکات مالشان را بپردازند.⁴

¹ - ابن کثیر، البداية و النهاية ج6 ص312.

² - التوبة: 103.

³ - الخالدي، صلاح عبدالفتاح، الخلفاء الراشدون بين الاستخلاف والاستشهاد ص.66.

⁴ ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، (المتوفى: 774 هـ) تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة ج4 ص207.

خلیفه اول اسلام حضرت ابوبکر صدیق با کسانی که زکات نمی‌دادند و مرتدین به رویارویی پرداخت و مدعیان نبوت را سرکوب نمود و (اسود عنسی) در یمن و (مسيلمه) کذاب در یمامه کشته شدند، (طلیه بن خویلد) و (سجاج بنت الحارث تمیمی) بار دیگر به دامن اسلام بازگشتند.¹

2- درآمد حکومت خلیفه اول از غنائم.

بعد از اینکه خلیفه دوم از جنگ با مرتدین فارغ گردید قصد محاربه فارس، روم و دیگر گروه های کفری را کرد.²

اولین نبرد که میان مسلمانان و فارسی ها اتفاق افتید در مناطق عراق که تحت حاکمیت امپراطوری فارس قرار داشت صورت گرفت، آن جنگ به سرکردگی خالد بن ولید فرمانده پراوازه اسلام رخ داد که در نهایت هرگز توسط فرمانده اسلام به قتل رسید که کشته شدن آن تمام سپاهیان و مجاهدین را به طرز عجیبی خشنود ساخت و در این جنگ به نسبت کثرت و عظمت غنایمی که گرفتند در میان تمام جنگ‌ها بی‌نظیر بود، به هر سوار مسلمان از غنایم جنگ علاوه بر سلاح هزار درهم رسید.³

3 : درآمد و عواید خلیفه اول از جزیه.

خالد با قوم مصالحه کرد که یکصد هزار درهم جزیه بپردازند،⁴ معاهده بین او و بزرگان حیره عدی و عمرو پسران عدی و عمرو بن عبدالمسیح و ایاس بن قبیصه و حیری ابن اکال نوشته شد که اهل حیره به رضای خود این جزیه را قبول کردند که هر سال آن را به خالد بدهند به شرط اینکه خالد آنان را از گزند دشمنان در امان نگاه دارد و اگر مانع تعرض دشمنان به ایشان نشود جزیه به او داده نخواهد شد.⁵

ابوبکر صدیق اموال غنایم را بین تمام مردم یکسان تقسیم می کرد درین مورد همراه ایشان سخن زده شده گفت : فضائل این ها نزد الله است اما برابری درین بهتر است . هنگامیکه عمر عهدهار خلافت شد و دایره سرزمین اسلامی وسعت پیدا کرد غنائم زیادی در خزانه بیت المال پرداخت گردید، حین توزیع غنائم خلیفه فرمود: کسی که دوشا دوش رسول الله در مقابل کفار جنگیده و

¹ الخالدی، صلاح عبدالفتاح، الخلفاء الراشدون بین الاستخلاف والاستشهاد، ص 73.

² الواقدی، محمد بن عمر بن واقد السهمی الأسلمی بالولاء، المدني، أبو عبد الله، الواقدی (المتوفی: 207هـ) کتاب الردة، الناشر: دار الغرب الإسلامي، بیروت، ص 215.

³ هیکل، زنده گانی ابوبکر صدیق، ص 232.

⁴ ابن طاهر المقدسی المطهر (المتوفی: نحو 355هـ). البدء والتاریخ، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، بور سعید، ج 5 ص 166.

⁵ -مرجع سابق ص 244.

شخص دیگر در مقابل رسول الله جنگیده این دو را با هم برابر نمی‌کنیم، بعد از آن مردم را از جهت فضیلت به مراتب و طبقات تقسیم نمود، عمر خواست کسانی که در اسلام خدمات زیاد انجام داده‌اند و از سابقون الاولون هستند باید نسبت به دیگران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند و مورد تقدیر دنیوی قبل از اخروی قرار گیرند.¹

ب: عواید و درآمد دولت در زمان خلیفه دوم عمر بن الخطاب رضی الله عنه. عمر رضی الله عنه در پیشبرد امور حکومت اسلامی در زمان رسول الله -صلی الله علیه وسلم- با آن حضرت به طور مؤثری همکاری کرده و سپس در طول مدت خلافت ابوبکر با او نیز در اجرای امور خلافتش همکاری کرده است. و تمام مسائل متعلق به بیت المال و امور مالی مسلمانان را به خوبی درک می‌کرد. قسمی که عواید و درآمد زمان حکومت خلیفه اول بیان شد، درآمد های حکومت خلیفه دوم عمر بن الخطاب با کمی تفاوت در نحوه جمع آوری آن‌ها همان منابع که عبارت از زکات، اموال غنیمت، جزیه، خراج و عشور تجارت می‌باشد.

1- درآمد و عواید اولی و ثابت حکومت عمر بن الخطاب رضی الله عنه زکات بود.

زکات که مطابق قانون اسلام فقط از مسلمین گرفته می‌شد و شامل پول، طلا، نقره، حیوانات و محصولات زراعتی بود، در زمان حیات صاحب رسالت یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم و در طول خلافت خلیفه اول و دوم، دولت اسلام زکات را به وسیله کارمندان و کارکنانی که به نام (عاملین زکات) گماشته می‌شدند، از مردم وصول می‌کرد و به بیت المال مسلمین پرداخت می‌نمود.

2- عواید حکومت خلیفه دوم از اموال غنیمت:

در زمان خلافت عمر بن الخطاب فتوحات زیادی نصیب مسلمانان گردید که اموال غنائم بی شماری از این ناحیه بدست مسلمانان قرار گرفت، به گونه مثال چند واقعه بیان می‌شود:

¹ - غزالی، محمد غزالی، الاسلام والاوضاع الاقتصادية، الناشر: شركة نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، ص 110-111

² - وی عمر بن خطاب بن نفیل قرشی است، پنجاه و دومین کسی بود که مسلمان شد، و مسلمان شدنش سبب ظهور اسلام گردید، و او اولین کسی بود که آشکارا هجرت کرد، در تمام غزوات با پیامبر خدا اشتراک نمود، به مظاهر دنیوی توجهی نداشت، و در همه امور خود به فکر آخرت بود، بعد از ابوبکر به خلافت رسید، و در زمان خلافت او سرزمین‌های بسیاری از آن جمله عراق، و شام، و مصر، و الجزیره، آذربایجان، ایران و غیره فتح گردید، فضائش بسیار و مناقبش بی‌شمار است، در روز چهارشنبه بیست و ششم ذوالحجه سال بیست و سه هجری ذریعه ابولؤلؤه زخمی شد، و بعد از سه روز به شهادت رسید، و در روز یکشنبه اول ماه محرم سال بیست و چهار هجری دفن گردید، و مدت خلافتش ده سال، و پنج ماه، و بیست و یک روز بود. (أسد الغابة فی معرفة الصحابة ج3 ص 643-678).

الف: غنایم یرموک

در جنگ یرموک غنایم و ذخایر جنگی زیادی نصیب مسلمین گردید، تا آنجا که سهم هر یک از سوارکاران بیست و چهار هزار دینار طلا و سهم هر یک از پیادگان هشت هزار دینار طلا و به همین میزان پول نقره بین آنها تقسیم گردید. یک پنجم از غنایم به مرکز خلافت به مدینه فرستاده شد.

ب: غنایم قادسیه

در جنگ قادسیه که مسلمان علیه فارسی ها غلبه حاصل کردند غنائم آن یک میلیون و دوصد هزار درهم به پول آن زمان ارزش داشت و علاوه بر تخت و بارگاه و اسباب و اثاثیه و اسلحه و البسه جنگی گرانبهای رستم که خیلی مهم و زیاد قیمت داشت، اموال، ذخایر، خوراکی، اسلحه و پول نقدی که در این جنگ به غنیمت به دست مسلمین افتاده به قدری زیاد بود که از تصورشان خارج و تا آن روز چشم فاتحین چنین چیزهایی ندیده بود.¹

ج: غنایم مدائن

سعد² در خزانه قصریزدگر یکهزار و سیصد میلیارد دینار سکه طلا یافت از جواهر و نفایس، زینت آلات، ظروف طلا و نقره، لباس و پارچه های حریر و زربافت و فرشهای گران بها به قدری زیاد در این قصر یافت که نمی توان بر آنها قیمتی تخمین زد، در بین این اشیاء فرش مشهور به فرش بهارستان بود این فرش زربافت به انواع جواهر گران قیمت تزئین بوده و یک صد ذراع طول و هفتاد ذراع عرض داشته که تمام مساحت سطح ایوان کسری رامی پوشانده است. مورخین دوره اولیه اسلام نوشته اند حاشیه های این فرش زربافت با زمردهای کم نظیر و میانه آن با جواهر گران بها رنگارنگ تزئین شده بود.³

3- عواید حکومت خلیفه دوم از جزیه

جزیه یعنی مالیات سرانه که از مردم غیر مسلمان مقیم در قلمرو دولت اسلام دریافت می گردید خلیفه دوم اسلام بامردم بعضی مناطق مفتوحه عهد نامه ای بخاطر پرداخت جزیه امضاء می کرد

1- خطیب، سید عبدالرحیم، کتاب شیخین (ابوبکر و عمر)، ناشر: سایت کتابخانه عقیده سال نشر 1437 هجری. ق.ص.92.
2- وی سعد بن مالک بن وهیب قرشی است، قبل از فرضیت نماز ایمان آورده است، یکی از عشره مبشره به جنت است، فرماندهی لشکر مسلمانان را در جنگ قادسیه با فرس بر عهده داشت، و فرس را هزیمت داد، دارای فضایل بسیاری است، و آخرین کسی از عشره مبشره است که وفات کرده است، بیش از هفتاد سال عمر کرد، و در سال پنجاه و هفت هجری در عقیق که در ده میلی مدینه منوره واقع است وفات نمود، و بر روی شانتهای مردم به مدینه شریف آورده شد، و در بقیع دفن گردید، امام بخاری بیست حدیث را از وی روایت کرده است، (أسد الغایة فی معرفة الصحابة ج2 ص214).
3- خطیب، سید عبدالرحیم، کتاب شیخین (ابوبکر و عمر). ص.243.

مردان سالمند و زنان در تمام سنین و پسران نا بالغ از جزیه معاف بودند.¹
عمر بن العاص با ساکنین خاك مصر پیمان صلح می بندند مال، جان، ناموس و معابدشان در
امان می باشد که در مقابل جزیه بپردازند. مردم آن زمان مصر با چنین صلح موافقت کرده
و اعلام داشتند که جزیه پرداخت می کنند.²

5- عواید حکومت خلیفه دوم از تعرفه های گمرکی

تاجران که وارد سرزمین های اسلامی می شدند از ایشان مقدار پولی به گونه عسور (تعرفه
گمرکی) گرفته می شد، این تعرفه های گمرکی در زمان رسول خدا و ابوبکر وجود نداشت زیرا
آنان مشغول دعوت اسلام و جهاد و تأسیس دولت اسلامی بودند اما در زمان عمر رضی الله عنه
دامنه حکومت اسلامی تا حد زیادی گسترش یافته بود و ناچار با دولتهای مجاور روابط تجاری
برقرار گردید، بنابراین عمر رضی الله عنه تصمیم گرفت از تاجران خارجی ده درصد تعرفه
گمرکی بگیرد همان طور که کشورهای غیر اسلامی از تاجران مسلمان پول گمرکی می گرفتند.³
مؤرخان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که نخستین کسی که در اسلام تعرفه گمرکی را بنا نهاد
عمر بن خطاب بود و علت آن را چنین بیان داشته اند گروهی از تجار منطقه «منبج»⁴ نامه ای
به فاروق اعظم نوشتند که اجازه دهد آن ها برای تجارت به بلاد اسلامی بیایند و ده درصد تعرفه
گمرکی پرداخت نمایند عمر رضی الله عنه در این باره با بزرگان صحابه مشوره نمود و سرانجام
آن را به تصویب رسانید و بدین ترتیب، ایشان نخستین کسی است که تعرفه گمرکی دریافت کرده
است عمر رضی الله عنه علاوه بر آن چه گذشت از تجار مسلمان که به حبشه رفت و آمد
می کردند و همچنین از عثمان بن حنیف پرسید که آن ها چند درصد را از شما می گیرند؟
تجار مسلمان گفتند: ده درصد عمر رضی الله عنه گفت: پس شما نیز همین مقدار پول را از آنان
وصول نمایید.⁵

این قانون در نظم بخشیدن به روابط تجاری با دولتهای مجاور کمک زیادی کرد و بازار تجاری
دولت اسلامی رونق زیادی گرفت و دروازه های بازارها بر روی اجناس خارجی گشوده و مراکز

1- الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، (المتوفى: 310هـ). تاريخ الرسل والملوك. ج3 ص609-610.

2- مرجع سابق. ج4 ص109.

3- السعدی، عبدالله جمعان سعید السعدی، سياسة المال فی الاسلام فی عهد عمر بن الخطاب، الناشر: مكتبة المدارس - الدوحة - قطر. ص128.

4- منبج يك شهر قديمی است که در کنار رود فرات قرار داشت که توسط مسلمانان صلح آمیز فتح گردید. البلدان لليقوبی. ج1 ص207.

5- رواس قلجی، محمد، موسوعة فقه عمر بن الخطاب، الناشر: دار النفائس، ص651.

تجاری مهمی در سراسر دولت اسلامی و شبه جزیره عربی راه اندازی شد و تاجران مسلمان و غیر مسلمان در وارد کردن و صادر نمودن اجناس با یکدیگر به رقابت پرداختند و قافله‌های تجاری بی شماری به حرکت افتاد و بنادر اسلامی از کشتی های هندی و افریقایی و چینی که اشیاء نفیس و گران قیمت با خود حمل می کردند، با آغوش باز استقبال می نمودند.¹

شروط دریافت عشور(تعرفه های گمرکی):

- 1- اینکه اموال تجاری باشد (یعنی به قصد تجارت اموال و اجناس صادر و وارد گردد.)
- 2- اموال و اجناس تجاری به حد نصاب برسد، از آن اموال و اجناس عشور گرفته می شود که سرمایه تاجر به دو صد در هم و یا بیست مثقال طلا و یا به ارزش بیست مثقال طلا کالاهای تجاری آن باشد.²
- 3- در خلال و اثنای سال مالیات پرداخت نکرده باشد.
- 4- عشور از مال حلال گرفته می شود، از تجارت اموال حرام مانند شراب و خنزیر عشور گرفته نمی شود.³

تاجران مسلمان حین سفر غرض تجارت به دارالحرب عشور پرداخت می کردند بخاطر معامله بالمثل از تاجران آنان نیز تعرفه گمرکی اخذ می گردید و هم تاجران که از سرزمین کفری وارد قلمرو مسلمانان می شدند از اماکن عامه المنفعه مستفید می شوند، از زپول بیت المال در احداث آن اماکن به مصرف رسیده است پس به همین لحاظ از ایشان عشور اخذ می شود، مسلمانان زکات و دیگر اموال وضع شده به وجه مشروع را بخاطر مصالح عام پرداخت می کنند و مسئولیت بزرگ در کسب و کار خود دارند و کسی که در بازار همراه مسلمانان رقابت تجاری دارد کدام مسئولیت مالی ندارد بنا بر این باید عشور پرداخت نمایند.⁴

تأسیس بیت المال در تاریخ اسلامی

امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه نخستین کسی است که بیت المال را تأسیس کرده است.⁵ زیرا پس از گسترش فتوحات اسلامی اموال و غنائم فراوانی بدست می آمد که همه به سوی مدینه سرازیر می شد و هدف از ایجاد آن حفظ اموال مسلمانان و اثبات حقوق آنان بود که

1- صلابی، علی محمد محمد صلابی، عمر بن الخطاب شخصيته وعصره، الناشر: دار ابن کثیر، الطبعة الاولى 1424، ص 393.

2- مرجع سابق: 146.

3- سعید ابوفتح بیسونی، الحریه الاقتصادیه فی الاسلام واثرا فی التنمية، ناشر: دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى 1408 هجری. ق ص 138

4- ابویوسف، الخراج، ص 135-136.

5- محمد سهیل طقوش، تاریخ الخلفاء الراشدين الفتوحات والإنجازات السياسية، الناشر: دار النفائس الطبعة الاولى 1424 ه. ق. ص 345

آنرا بنام دیوان بیت المال مسمی کردند.¹ نگاه مسلمانان در دوران خلافت راشد به مال و ثروت نگاهی مالکانه نبود، بلکه ثروت را از آن خدا و انسان را متصرف موقت در آن می دانستند که بر اساس شروط و موازینی که خدا در نظر گرفته است در آن دخل و تصرف نماید. پس از آن که اسلام با پیشروی های بزرگ به ویژه شکست دو ابر قدرت روزگار یعنی فارس و روم، قدرت گرفت، منابع مالی دولت و همچنین هزینه های آن گسترش یافت. و برای حفظ کیان این دولت فراگیر و تداوم قدرت و سلطه آن جهت رعایت مصالح عمومی نیار بر این بود تا سیاست مالی دقیق و منظمی اتخاذ شود. چنان که عمر بن خطاب در صدد تحقق بخشیدن به همین سیاست، زمینهای زیادی را که توسط فاتحان به دست آمده بود، جزو زمینهای خراج در آورد تا از آن ها به عنوان منبع درآمد ثابت بیت المال، استفاده شود. خلیفه دوم اسلام عمر فاروق رضی الله عنه پس از تدبیر در آیات سوره حشر به این نتیجه رسید که این زمینها هم متعلق به مسلمانان حاضر و هم متعلق به نسلهای آینده می باشند. بعد از مشوره با صحابه کرام قرار بر این شد که زمین های مفتوحه بالای فاتحین تقسیم نگردد.²

ج: عواید و درآمد دولت در زمان خلافت عثمان بن عفان رضی الله عنه³

عواید و درآمد دولت در زمان خلافت امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه به مانند دوران دو خلیفه قبل از آن (ابوبکر صدیق و عمر فاروق) زکات، غنائم، جزیه، خراج و تعرفه گمرکی بود. عثمان بن عفان بعد از اینکه به خلافت رسید به والیان ایالات، کارگزاران ولایات، امراء، فرماندهان لشکر، عمال و کارکنان خراج و زکات نامه هائی نوشت و به آنان امر فرمود تا در امر به معروف ساعی و کوشا باشند و در نهی از منکر شدت عمل نشان دهند. با اهل ذمه⁴ به مهربانی و محبت رفتار و در اخذ زکات و خراج از رعایا به عدل و انصاف عمل کنند و در نگهداری امانت و در حفظ نظم و امنیت به پا خیزند در قسمتی از نامه خلیفه چنین آمده است: بدانید که الله متعال خلق را به حق آفرید. پس خدا جز حق نمی پسندد و نمی پذیرد، حق بگیری و حق بدهید، امانت را نگهدارید، نظم و امنیت را حفظ کنید و برای این کار جداً به پا خیزید، مبادا

¹ - السعدی، عبدالله جمعان سعید السعدی، سیاسه المال فی الاسلام فی عهد عمر بن الخطاب، الناشر: مكتبة المدارس - الدوحة - قطر - الطبعة الاولى 1403 هجري ق. ص 11

² - صلابی، عمر بن الخطاب شخصيته و عصره ص 378-390.

³ - وی عثمان بن عفان بن ابی العاص قرشی اموی است، چون دو دختر نبی کریم را یکی پس از دیگری به نکاح گرفت، به نام ذی النورین یاد می شود، از کسانی است که در اول مسلمان شده اند، خلیفه سوم راشد، و یکی از عشرة مبشره به جنت است، در روز جمعه هژدهم ماه ذوالحجه سال سی و پنج هجری به شهادت رسید، (أسد الغایة فی معرفة الصحابة ج 3 ص 380-390).

⁴ - اهل ذمه به اقلیت های غیر مسلمانی گفته می شود که در کشورهای اسلامی اقامت دارند.

شما اولین کسانی باشید که سلب امنیت می کنند. اگر شما چنین کنید، شریک گناه کسانی خواهید بود که در این راه پیرو شما می شوند و چنین می کنند به وعده و قول تان عمل و به عهد و پیمان تان وفا نمائید، به یتیمان عنایت و به مردم غیر مسلمانی که در قلمرو حکم شما هستند ستم نکنید زیرا خدا دشمن کسی است که به آن ها ستم می کند.¹

خلیفه سوم اسلام در جمع آوری عواید از شیوه های مختلف کار می گرفت که از جمله آن مردم را فرا می خواند تا با پرداخت دیون و بدهی های خود، میزان درست مال خود را حساب کنند تا ببیند به حد نصاب زکات رسیده است و یا خیر در واقع عثمان ذوالنورین با این کار، مردم را تشویق می کند که با پرداخت دیون خویش، به پیمان خود با طلبکاران وفادار باشند و در عین حال، کار حساب و کتاب ثروت و مال او به سهولت صورت گیرد و از هر نوع ابهام در بدهی ها و حساب و کتاب دارایی های مردم اجتناب شود. همچنین عثمان در خطبه خود اعلام می نماید که هرکس را استطاعت مالی نیست از پرداخت زکات، معاف است مگر آن که خود او داوطلبانه صدقه ای را پرداخت کند در واقع عثمان با این اقدام، مسلمانان را به انجام داوطلبانه و نه از روی اجبار کارها دعوت می کند او می دید که در میان مسلمانان هستند آنان که اموالشان چندان زیاد نیست که شامل زکات گردد اما آنان خود داوطلبانه صدقات خود را به بیت المال تحویل می دهند، او نیز این صدقات را از آنان می پذیرفت و در همان راه های هزینه زکات صرف می نمود.²

عواید و درآمد حکومت خلیفه سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه مانند خلفای قبلی آن زکات، اموال غنائم، جزیه، خراج و عشور تجاری بود.

1- عواید حکومت خلیفه سوم از زکات: زکات که از جمله درآمد های حکومت اسلامی در

زمان نبوت و حکومت شیخین (ابوبکر صدیق و عمر فاروق) بود خلیفه سوم نیز به مانند خلفای گذشته در جمع آوری آن اقدام نمود.

مسئولین زکات از طرف دولت مأمور استیفای حقوق بیت المال می باشند، حال اگر آنان در این کار خویش، براساس حق، اموال مردم را جمع آوری کنند، به وظیفه خود به نحو مطلوب عمل کرده اند.

¹ - خطیب، سید عبدالرحیم، صهرین عثمان و علی، ناشر سایت عقیده تاریخ نشر 1437 هجری قمری. ص 32.

² - ابو عبید، کتاب الاموال، ص 534.

2- عواید حکومت خلیفه سوم از اموال غنائم

غنمیت های بدست آمده از درآمد و منابع اصلی فاتحین و حکومت اسلامی در زمان خلیفه سوم بود. عبدالله بن زبیر¹ پس از فتح و تسخیر شهر سبطله که یکی از مراکز تحت نفوذ امپراطوری روم بود با یک پنجم غنائم و دختر گریگور پادشاه و فرمانده مقتول سپاه دشمن به مدینه بازگشت این فتح مهم و تسخیر شهر سبطله را به عثمان بشارت داد. مسلمین در این جنگ در اثر نقشه و رهبری عبدالله بن زبیر پیروز شدند و غنائم زیادی به دست آوردند؛ تا جائی که گفته شده، سهم هریک از سوارکاران که در جنگ بیش از پیادگان کار می کنند سه هزار دینار طلا و سهم هریک از پیادگان یک هزار دینار بود.²

3- عواید حکومت خلیفه سوم از جزیه: قسمیکه جزیه منابع و درآمد ثابت حکومت شیخین

(ابوبکر صدیق و عمر فاروق) بود در زمان خلافت خلیفه سوم نیز جزیه از منابع و عواید ثابت دولت اسلامی بشمار می رفت که با گسترش فتوحات اسلامی این منبع تامین کننده بخش مصارف حکومت خلیفه سوم عثمان ذو النورین محسوب می گردید.³

حضرت عثمان خلیفه سوم اسلام در اولین نامه خود که به کارگزاران خراج نوشت (بی گمان الله متعال خلایق را به حق خلق کرده، آنچه را که می گیرید به حق بگیرید ... به یتیمان ظلم نکنید و هم چنان بالای معاهدین ظلم و ستم روا ندارید. الله متعال مخاصم کسی است که بر دیگران ظلم روا می دارد).⁴

در سال اول خلافت عثمان بن عفان اهالی آذربایجان که آن منطقه در دوره خلافت عمر بن الخطاب فتح شده بود و تعهد کرده بودند سالیانه هشتصد هزار درهم جزیه و خراج به دولت اسلام بدهند، آنان راه تمرد را به پیش گرفته و از پرداخت آن مبلغ تعهد شده امتناع ورزیدند، به محض اینکه خبر این واقعه به سمع عثمان بن عفان خلیفه سوم رسید به ولید بن عقبه والی کوفه فرمان داد تا آن ها را سرکوب نماید و مالی را که قبلاً به عهده گرفته بودند از آن ها باز گیرد.⁵

1- وی عبدالله بن زبیر بن عوام قرشی است، مادرش اسماء بنت ابوبکر صدیق است، در سال اول هجرت متولد گردید، و وی اولین مولودی است که در مدینه منوره از مسلمانان مهاجر متولد شده است، وی یکی از عبادله و یکی از دلاوران صحابه است، در سال شصت و چهار به خلافت رسید، و در جمادی الاولی سال هفتادوسه در جنگ با حجاج به شهادت رسید، (الإصابة في تمييز الصحابة ج4ص78-82).

2- حسن ابراهیم مصری، تاریخ الإسلام، الناشر: مكتبة النهضة المصرية - قاهره - مصر. ص 261.

3- قطب ابراهیم محمد، السياسة المالية لعثمان بن عفان، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ص66.

4- حیدرآبادی هندی، محمدحمید الله، المتوفی 1424 هجری، مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوی والخلافة الراشدة، الناشر: دارالنفائس- بیروت، الطبعة السادسة 1401 هجری، ج1ص529.

5- ضیاء العمری، اکرم ضیاء العمری، عصر الخلافة الراشدة، الناشر: مكتبة العبيکان، ج1ص194.

ولید با لشکری از کوفه حرکت کرد و آن‌ها را خیلی زود سرکوب و وادار به تسلیم شدن کرد و مبلغ هشتصد هزار درهم بابت آن سال از آن‌ها اخذ کرد و از آن‌ها تعهد گرفت که هر ساله این مبلغ را رأس موعد به دولت اسلام بپردازند و گرنه با آن‌ها همین عمل خواهد شد که دیدند.¹

عبدالله بن سعد بر تمام سرزمین افریقای بربرنشین تسلط یافت و از بربرها تعهد گرفت که سالیانه دو میلیون و یک صد و پنجاه هزار دینار طلا جزیه یعنی مالیات سرانه به دولت اسلام بپردازند و این مبلغ را بابت سال اول از آن‌ها گرفت.²

اولین نبرد دریایی مسلمانان در تاریخ اسلامی

معاویه³ بن ابی سفیان که در زمان عمر بن الخطاب امارت شام را داشت، می خواست جزیره قبرص را که تحت الحمایه دولت روم بود بگیرد. او از حضرت عمر اجازه حمله به آنجا را خواست چون دولت اسلامی در آن هنگام کشتی کافی و قوای دریائی کامل نداشت عمر بن الخطاب مصلحت ندید که مسلمین را در خطر جنگ دریائی اندازد؛ لذا با پیشنهاد معاویه موافقت نکرد. حضرت معاویه در سال چهارم خلافت عثمان کارگاه کشتی سازی تأسیس کرد، کشتی و رزمندگان ماهر تعلیم یافته فراهم کرد و اطمینان یافت که از عهده این کار برمی آید، از عثمان رضی الله عنه اجازه حمله به جزیره قبرص را خواست، چون این جزیره حاصل خیز یکی از مراکز مهم تجاری و تحت الحمایه دولت روم بود. به محض اینکه معاویه این اجازه را از عثمان دریافت، مقدمات کار را فراهم و با رعایت مندرجات فرمان عثمان، لشکر عظیمی که جماعتی از اصحاب رسول الله از قبیل عباده بن الصامت⁴ ابودرداء، ابوذر⁵ غفاری، شداد ابن اوس

1- خطیب، سید عبدالرحیم، صهرین عثمان و علی ص35.

2 خطیب، سید عبدالرحیم، صهرین عثمان و علی ص48.

3- وی معاویه بن صخر بن حرب قرشی اموی است، او و پدر، و مادر و برادرش در روز فتح مکه مسلمان شدند، چندین سال امارت شام را بر عهده داشت، و چندین سال خلافت نمود، و در سال شصت هجری به سن هفتاد و هشت سالگی وفات نمود، و در وقت مرگ وصیت کرد که به پیراهنی که از نبی کریم در نزدش بود، کفن شود، و سر ناخن‌های نبی کریم در نزدش بود، و وصیت کرد که آن ناخن‌ها را ساویده و در چشم و دهانش کنند، و گفت: آنچه که گفتم اجراء کنید، و مرا به ارحم الراحمین بسپارید، و در وقت مرگ خود گفت: ای کاش شخصی از قریش می‌بودم که در گوشه افتاده بودم و به خلافت نمی‌رسیدم، (اسد الغابة في معرفة الصحابة ج4 ص433-436).

4- وی عباده بن صامت انصاری خزرجی است، در عقبه اول و دوم، و در بیعة الرضوان، و در همه غزوات با پیامبر خدا اشتراک داشت، یکی از پنج نفری بود که قرآن را جمع کرده بودند، و برای اهل صفة قرآن را تعلیم می‌داد، بعد از فتح شام عمر او را به حیث معلم به آن دیار فرستاد، بسیار زیبا و بلند قامت بود، در سال سی و چهار هجری به سن هفتاد و دو سالگی وفات نمود (اسد الغابة في معرفة الصحابة ج3 ص56-57).

5- وی جندب بن جناده بن قیس غفاری و از بزرگان صحابه است، پنجم نفری است که مسلمان شده است، بعد از اینکه مسلمان شد، اسلام خود را برملا ساخت، مشرکین بر او هجوم آورده و او را آنقدر زدند که بیهوش شد، عباس او را نجات داد، و چون فردا شد، باز به ندای بلند گفت: (أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله)، باز مشرکین بر وی هجوم آورده و تا سرحد بیهوشی او را زدند، و باز عباس آمده و او را از دست آن وحشیان خلاص کرد، خیلی عابد و زاهد بود، پیامبر خدا ج درباره وی فرموده بودند که: «ابو ذر در زهد خود مانند عیسی ابن مریم است، و علی گفته است که: (ابو ذر علمی را آموخته است، که دیگران از آموختن آن عاجز اند)، وی شخصی بلند قامت و تنومندی بود، و در ریزه در سال سی و یک هجری وفات نمود (اسد الغابة في معرفة الصحابة ، ج1 ص357).

انصاری خزرچی و مقداد¹ بن الأسود در بین آن‌ها بودند مهیا کرد و قیادت دریائی این لشکر را به عبدالله بن قیس⁽²⁾ داد و خود معاویه نیز فرماندهی لشکر را به عهده گرفت. یک لشکر بزرگ تحت عنوان نیروی دریایی به فرماندهی حضرت معاویه به جانب جزیره قبرس حرکت کرد³. عبدالله بن سعد بن ابی سرح امیر مصر نیز به امر عثمان با لشکر پادگان مصر برای کمک به معاویه از مصر (بندر اسکندریه) حرکت کرد این دو لشکر طبق وعده قبلی در نزدیکی جزیره قبرص به هم پیوستند و باهم به جزیره حمله کردند. اهل جزیره و دولت روم غافل گیر شده بودند، کار معاویه آسان شد و با صلح با فرمانروای جزیره با شروط ذیل پایان یافت:

1- سالیانه هفت هزار دینار طلا جزیه به دولت اسلامی بپردازند و مسلمین دیگر کاری به این جزیره نداشته باشند و در اختیار خود اهل جزیره باشد.

2- مسلمین عهده‌دار دفاع از جزیره در مقابل هر دشمنی که به جزیره حمله کند نباشند.

3- اگر اهل جزیره بخواهند همان مبلغ پولی را که قبلاً به دولت روم باج می دادند باز هم بپردازند، مسلمین مانع آن‌ها نشوند.

4- اگر دولت روم در صدد حمله به مسلمین شود، اهل جزیره مکلف اند مسلمین را فوراً از این امر آگاه سازند.

5- مسلمین حق داشته باشند از این جزیره به هر جا که بخواهند حمله نمایند.

6- گروه کوچکی از مسلمین برای کسب اطلاعات در این جزیره باشند⁴.

4- عواید حکومت خلیفه سوم از خراج

با گسترش فتوحات در دوران خلافت عمر و عثمان، زمین‌های قابل کشت بسیاری تحت تصرف حکومت درآمد، خلیفه دوم اعلام نمود که این زمین‌ها «فیء» مسلمانان هستند اگر ساکنان غیرمسلمان آن‌ها که اسلام نمی آورند، بخواهند بر آن‌ها بمانند و به کشت و زرع ادامه دهند، باید خراج آن زمین‌ها را به بیت المال بپردازند، به دلیل گسترش روزافزون این فتوحات در عهد عثمان، درآمدهای سرشاری از محل خراج عاید بیت‌المال مسلمانان شد⁵.

1- مقداد بن اسود از فضیله صحابه و از متقدمین در اسلام است، ابن مسعود می‌گوید: اولین کسانی که مسلمان شدند هفت نفر بودند، و یکی از آن‌ها مقداد بود، مقداد در فتح مصر اشتراک داشت، و در سال سی و سه هجرت در همانجا وفات یافت، ولی او را به مدینه منوره انتقال دادند و عثمان بر وی نماز خواند. (اکمال تهذیب الکمال، ج 11 ص 345)

2- ابن عبدالله بن قیس همان است که به فرمان عثمان بر خاک اندلس حمله کرد.

3- لکنوی، زندگانی خلفای راشدین ص 163.

4- خطیب، سید عبدالرحیم، صهرین عثمان و علی ص 50-52.

5- قطب ابراهیم محمد، السیاسة المالیه لعثمان بن عفان، الناشر: الهيئة المصریة العامة للكتاب ص 113.

پس از فتوحات گسترده مسلمانان، بسیاری از مالکان زمین‌ها، از شهر و دیار خود فرار نموده و املاک خویش را بدون صاحب رها کردند؛ حکومت اسلامی بخاطر جلوگیری از تخریب آن زمین‌ها و باغها، آن‌ها را به افرادی واگذار می‌کرد.¹

میزان درآمد سالیانه این زمین‌ها که به خزانه بیت‌المال پرداخت می‌گردید، از نهصد هزار درهم در عهد عمر به پنجاه میلیون درهم در عهد عثمان بالغ می‌شد که این خود بیانگر موفقیت سیاست عثمان در خصوص این نوع زمین‌ها بود.²

سیاست عثمان در تقسیم اراضی و املاک، در کنار سیاست اخذ زکات اموال، سهم بسزا و چشم‌گیری در افزایش میزان درآمد های بیت المال داشت و در مقایسه با عهد عمر بن الخطاب، از رشد فزاینده ای برخوردار بود، به نحوی که مجموع درآمدهای حاصل از این بخش، در عهد عثمان، از نهصد هزار درهم در عهد عمر، به پنجاه میلیون درهم بالغ می‌شد.³

5- عواید حکومت خلیفه سوم از تعرفه های گمرکی

نظام پرداخت تعرفه گمرکی اموال تجارت در عهد فاروق اعظم تأسیس شد و در عهد عثمان به خاطر گسترش فتوحات و توسعه سرزمین های تحت سلطه خلافت افزایش چشم‌گیری یافت. از مهمترین عوامل افزایش تعرفه گمرکی، توزیع ثروت در میان اکثریت مردم و افزایش قدرت خرید آنان بود که خود سبب افزایش تقاضای کالا و به دنبال آن، رشد تجارت و واردات گردید این امر خود باعث افزایش قیمت اجناس و افزایش قیمت‌ها نیز، به نوبه خود سبب افزایش مجموع درآمد تعرفه های گمرکی گردید، زیرا تعرفه گمرکی مالیات است که براساس قیمت کالا تعیین می‌شود و نه براساس نوع آن.⁴

1- ضیاء العمری، عصر الخلافة الراشدة ص 223.

2- صلابی، عثمان بن عفان شخصیت و عصره ص 197.

3- قطب ابراهیم، السیاسة المالیه لعثمان بن عفان. ص 118.

4- مرجع سابق ص 123.

د: عواید و درآمد دولت در زمان خلیفه چهارم علی بن ابی طالب¹ رضی الله عنه

می توان گفت که عواید و درآمد های دولت در زمان خلیفه چهارم اسلامی علی بن ابی طالب رضی الله عنه تقریباً مانند درآمد های خلفای سه گانه رضی الله عنهم بود، زکات، غنائم، جزیه، خراج و تعرفه های گمرکی بود که مصارف حکومت داری از این منابع مالی تأمین می گردید.

باید گفت کشمکش های که بعد از به قدرت رسیدن خلیفه چهارم در قلمرو دولت اسلامی رخ داد باعث شد که عواید و درآمد های حکومت اسلامی نسبت به خلفای قبلی کمتر شود.²

در دوران علی بن ابی طالب تغییر قابل ذکری در سیاست مالی دولت اسلامی به وجود نیامد جز اینکه امیرالمؤمنین علی به شیوه یکسان بخشیدن در دوران ابوبکر برگشت، بنابراین حضرت علی رضی الله عنه کسی را در این مورد از کسی برتر قرار نمی داد، و هر آنچه که می گرفت به حق و عدالت بود³ از این رو او به همان اندازه که به سادات می بخشید، به موالی هم می بخشید. جمع آوری خراج در بعضی از شهرها به خود والیان سپرده شده بود، قیس بن سعدبن عباده فرماندار کل مسئول خراج مصر بود و همچنین وقتی علی اشتر نخعی را به عنوان والی مصر مقرر کرد، از خطاب ایشان به اشتر چنین بر می آید که او علاوه بر فرماندار کل بودن، مسئول خراج آنجا نیز بود که از مردم به اندازه ای مالیات می گرفت، که موجب بهبود وضعیت آنها می گردید، زیرا درست و به جا بودن مالیات و درستکاری مردم موجب صلاح و بهبودی دیگران می شود و اصلاح و درستی مردم جز از طریق اصلاح مالیات امکان پذیر نیست، چون مردم همه عیال سفره خراج و خراج دهندگان هستند و باید نگاه و توجه تو به آبادی زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چون بهبودی وضعیت و خراج با آباد بودن تحقق می یابد و هر کس بدون آباد کردن خراج و مالیات بگیرد به شهر زیان وارد می کند و مردم را هلاک می گرداند و کار او جز مدت کوتاهی سامان نخواهد یافت، اگر مردم از سنگینی خراج و یا از مشکل و انقطاع آب و غرق شدن زمین ها یا کمبود آب به تو شکایت کردند، از مقدار خراج کم کن تا کار

¹- وی علی بن ابی طالب، پسرکاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم و همسر فاطمه رضی الله عنها و پدر سبطین، حسن و حسین است، یکی از عشرة مبشره به جنت، و یکی از خلفاء راشدین، و علماء ربانیین است، به سن ده سالگی اسلام آورد، و دومین کسی بعد از خدیجه است که مسلمان شده است، پیامبر خدا بین خود و او دوبار عقد اخوت [برادری] بستند، در شجاعت و کرم معروف همگان بود، از دنیا روگردان و کاملاً به یاد آخرت بود، دنیا را مخاطب قرار داده و می گفت: (دیگری را فریب بده من فریب را نمی خورم)، فضائلش بسیار و مناقبش بی شمار است، مدت خلافتش تقریباً پنج سال بود، و شب یک شنبه، نوزدهم ماه رمضان سال چهل هجری به سن شصت و سه سالگی از دست عبدالرحمن بن ملجم به شمشیر زهرآلودی به شهادت رسید، امام بخاری/ از وی بیست و نه حدیث روایت کرده است، (اسدالغابة في معرفة الصحابة ج3ص588-661).

²- صلابی، سیره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، شخصیت و عصره ص349.

³- الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالية للدولة الاسلامية، ص186.

آنها درست شود چون در مورد آبادی ها و زمینهای کشاورزی هر نوع احتمال می رود و بدان که ویرانی زمین به سبب فقیر شدن صاحبان آن است و صاحبان آن به خاطر چشم دوختن والیان به ثروت اندوزی و گمان بد در مورد باقی ماندن و پند و عبرت نیاموختن است.¹

امیر المؤمنین علی به خراج به عنوان منبع اساسی اقتصاد در آن وقت نگاه می کرد و سخت گیری علی رضی الله عنه در مراقبت و زیر نظر داشتن عاملانش در همه اطراف معروف بود و خراج و امور مالی از امور مهمی بودند که امیر المؤمنین علی در آن خیلی دقت می کرد و بدین خاطر افرادی را به عنوان نظاره گر و مراقب و بازرس می فرستاد تا از احوال عاملان خودش مطلع باشد. فرمانداران شهرها در بیت المال حوزه های تحت کنترل خود اختیار تام داشتند و والیانی که بیت المال در دست آنها بود و عاملان جمع آوری خراج به طور مستقیم در زمان همه خلفاء از بیت المال در راههای شرعی و مصالح منطقه و در امور جهاد و کشورگشایی و حقوق سربازان و دیگر امور مربوط به جهاد خرج می کردند و همچنین فرمانداران مخارج عاملان و کارمندان شهر خود را از بیت المال می پرداختند. به اضافه اینکه در امور عمرانی از قبیل ساختن پل ها و حفر قنات ها و چشمه ها و نهرها آن را صرف می کردند و اینگونه مالیاتی را که از شهر خود می گرفتند، در آنجا خرج می کردند.

هرگاه سرپرستی خراج یا بیت المال از فرمانداری کل جدا می گردید، والیان به عنوان فرمانداران کل از مسئولین خراج می خواستند که از بیت المال برای این آبادانی ها خرج کنند و یا اینکه فرمانداران عاملان مخصوصی را جهت اجرای این پروژه ها تعیین می نمودند و عاملان از خزانه فرمانداری هزینه های کار و ساماندهی را می پرداختند و اینگونه حتی اگر مسئولیت مالیات گرفتن از والی سلب می شد، باز هم در بسیاری مواقع هزینه های جهاد و عمران از طریق والیان و فرمانداران تأمین می گردید.²

مالیات دهندگان به این طمع افتادند که دیگر به خلیفه چهارم علی بن ابی طالب مالیات ندهند و اهل اهواز قیام و شورش کردند و لابد حضرت علی بخاطر این مسأله با بعضی از مشکلات مالی و نظامی مواجه شده است. وقتی که علی بن ابی طالب با اهل نهروان جنگید، جمع فراوانی با او مخالفت کردند و اطرافیان قیام و شورش کردند و بنواحیه با او مخالف بودند. ابن خضرمی به بصره آمد و اهل اهواز شورش کردند. مالیات دهندگان در شکست او طمع کردند و

¹-صلابی، سیره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب؛ شخصیت و عصره ص 491.
²-الریس، محمد ضیاءالدین، الخراج والنظم المالیه للدولة الاسلامیه، ص 157

سهل بن حنیف، کارگزار علی را از ایران بیرون کردند از سوی دیگر، معاویه رضی الله عنه با هر وسیله، پنهان و آشکارا جهت تضعیف جانب امیرالمؤمنین علی عمل می کرد و از شکاف و اختلافی که در سپاه آن بوجود آمده بود استفاده کرد و با رهبریت عمرو بن عاص سپاهی را به مصر فرستاد، که بر آن تسلط حاصل کرد، و آن را ضمیمه خود ساخت.¹ در زمان خلافت علی رضی الله عنه کدام تغییری در مقدار جزیه رونما نگردید.²

مطلب چهارم: عواید و درآمد حکومت های اموی، عباسی و عثمانی

الف: عواید و درآمد حکومت اموی ها.

معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه در زمان حکمرانی خواست که منابع جدید مالی بر عواید خود اضافه کند، تقالید محلی را که مردم به آن عادت داشتند احیا نمود از مردم اهل سواد عراق خواست که در عید نوروز و مهرگان برایش هدیه بیاورند، مردم امپراطوری فارس به پرداخت این چنین هدیه و تحفه ها عادت داشتند که برای پادشاه خود می پرداختند، احیای این تقالید سنتی یک منبع جدید درآمد و عواید ولایت عراق در زمان حکومت اموی ها علاوه بر خراج و جزیه گردید. این هدیه ها به ده ملیون درهم می رسید، و اخذ این هدیه و تحفه ها از کسانی بود که اسلام نیاورده بودند، و قتیکه آنان اسلام بیاورند این هدیه و تحفه ها ساقط می شود.³

در عهد عبدالملک اموی سال 65 هجری حجاج عامل سرزمین های شرقی خلافت در خراسان و سیستان از هر نفر 3 دینار اخذ میکرد. در دوران ایشان از هر جریب زمین تاکستان 10 درهم از نخلستان 8 درهم ، از نیشکر زار 6 درهم ، از میوه زار 5 درهم و از گندم زار 4 درهم و از جوزار 2 درهم اخذ میشد.⁴

وقتی که زیاد حاکم و والی عراق شد در گرفتن مالیات و خراج بالای مردم ظلم می کرد حجاج و کارگزاران بالای مردم مالیات وضع می نمودند و هم چنان تحفه ها نوروزی و هدیه مهرگان از مردم گرفته می شد تا اینکه عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی عادل حاکم شد، تمام مالیات غیر قانونی را ساقط کرد.⁵

1-صلابی، سیرة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، شخصیت و عصره ص 1283.

2- اکرم ضیاء، عصر الخلافة الراشدة ص195.

3- گروه از محققین: مناہج جامعہ المدینہ العالمیہ ج1 ص124.

4- نظری، احسان الله ، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ، ناشر: انتشارات یوسف زاد کابل. چاپ اول سال 1390. ص41.

5-العسکری، ابوہلال الحسن بن عبداللہ بن سهل بن سعد بن یحیی بن مہران ، المتوفی: نحو 395ھجری، کتاب الاوائل. ج1 ص296.

در زمان خلافت یزید ثانی اموی ها سرشماری نفوس را در عراق به اجرا درآوردند، این سرشماری به هدف بالا بردن درآمد حکومت صورت گرفته بود.¹

خلیفه عادل عمر بن عبدالعزیز تمام مالیات و پرداخت های غیر شرعی را ممنوع قرار داد که از جمله آن ها هدیه نوروژی و تحفه مهرگان، دراهم نکاح و خراج زمین های که اهل آن مسلمان شده اند. هنگامیکه عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید نامه ای به عامل و مسؤول کوفه نوشت که در آن به امتناع جمع آوری مالیات غیر شرعی و ظالمانه حکم می کند و می گوید: به اهل کوفه مصیبت و بلاهای رسیده و به ایشان ظلم صورت گرفته سنت های خبیثه و ناپسندیده که کارگزاران سوء آنرا بالای مردم روا داشته اند از آن خود داری نمایند.²

از علل مهم شورش خراسانی ها بر علیه اموی ها زردشتی ها بودند بهرام سیس از زردشتیان خراسان که متصدی جمع آوری خراج در بود به کمک سایر جمع آورندگان مالیات که همه آنان زردشتی بودند، به بهانه های مختلف از کسانی که اسلام می آورند، جزیه می گرفتند تا بدین طریق مانع مسلمان شدن ایرانی ها شوند. همچنان که قبلاً گفته شد این کار باعث شده بود که در آن هنگام حدود سی هزار نفر از مسلمان هنوز جزیه می دادند، در حالی که هشتاد هزار نمی در عمل از مالیات دادن معاف بودند. بر علاوه آن ها بیشتر از آنچه که مقرر بود از مردم مالیات می گرفتند و تنها مقدار کمی از آن را به حکومت می دادند، این کار سبب شده بود که این متصدیان مالیات روز بروز ثروتمندتر شوند. در نتیجه روز بروز بر نارضایتی عمومی از بنی امیه افزوده می شد.³

ب: عواید و درآمد حکومت عباسی ها.

از جمله تمام حکومت های اسلامی، حکومت عباسی از نگاه درآمد و عواید فرصت خوبی داشت که عواید را جمع آوری نماید، زیرا سرزمین زیادی توسط مسلمانان فتح گردید، قلمرو حکومت اسلامی وسعت پیدا کرد، اکثریت مردم سرزمین های مفتوحه مزارعین و دهاقین بودند که علاقه مندی خاص در امورات زراعتی و زمین داری داشتند زمین های ایشان حاصل خیز بود که محصولات خوبی از آن به دست می آمد، اینکه دهاقین و مزارعین حاصلات خوبی داشتند به

1- مناہج جامعہ المدینہ العالمیہ، ج 1 ص 128.

2- مرجع سابق ص 140.

3- اسلام نیا، فریدون، نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام، ناشر: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل، 1394. ص 6.

همین منوال خراج، جزیه و عشر... آنان درآمد خوبی وقابل ملاحظه به حکومت اسلامی بود، خراسان از جمله اقالیم بود که بالاترین خراج را به حکومت اسلامی پرداخت می کرد.¹ در زمان عباسی ها خراج به دو گونه اخذ می گردید:

1- به نسبت مساحت زمین، این خراج در تمام حالات گرفته می شد، اینکه صاحب زمین در آن زراعت کند و یا خیر، مکلف به پرداخت پول بود که بالای آن وضع گردیده شده بود.

2- به گونه مقاسمه، حصه ای از محصولات زراعتی و میوجات به گونه خراج گرفته می شد.² در اواخر دوران حکومت مأمون الرشید که به لحاظ درآمد مالیات بهترین دوران به حساب می آید، مبلغ درآمد مالیات از پنجاه میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تجاوز نکرده است. حال آنکه در زمان فاروق اعظم تنها از سرزمین عراق یکصد میلیون و دوصد و هشتاد هزار درهم آن هم با رضایت مردم وصول می شد. و آنچه که مربوط به املاک شخصی شاهان جاهلیت بود مانند املاک شاه ایران، همه آن ها ملی و به بیت المال پرداخت شدند.³

درآمد و عواید حکومت مأمون فرزند هارون الرشید تنها از نقود (396155000) درهم و (4817000) دینار از سرزمین که خراج، جزیه و دیگر مکلفیت های پولی خود را به دینار پرداخت کردند، بوده است. فقط دینار و درهم عواید حکومت در آن عصر نبوده بلکه دیگر اقلام عواید که جنساً به حکومت پرداخت می شد از قبیل: روغن، لباس، خرما، زعفران، ابریشم، عسل، مواشی و دیگر اموال در بیت المال تحویل می گردید.⁴

در زمان خلافت عباسی های اول جمع آوری جزیه به مانند عصر خلافت خلیفه دوم از هر ثروتمند 48 دهم و از هر فرد که زنده گی اش متوسط می بود 24 دهم و از فقرا 14 دهم سالانه اخذ می گردید.⁵

در زمان خلافت ابوجعفر منصور اگر حاصلات زمین بنا بر آفت طبیعی و یا دیگر اسباب از بین میرفت خراج آن زمین ساقط نگردیده و به سال آینده صاحب زمین خراج سال قبلی را نیز تاجیلاً پرداخت می کرد. جمع آوری مالیات و خراج در زمان مهدی بگونه بود که خراج زمین ها قبل از نضوج و پخته شدن میوه جات و حاصلات غله جات جمع آوری می گردید.⁶

1- زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ص 85.

2- مرجع سابق ص 89.

3- لکنوی، خلفای راشدین، ص 100.

4- زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، ص 58-62.

5- ابراهیم، عمار لیبید ابراهیم، الايرادات المالية لخزينة بيت المال في العهد العباسي، الناشر: مجلة دراسات في التاريخ والآثار، ص 107.

6- ابویوسف، الخراج، ص 28-29.

درآمد و عواید حکومت معتصم بالله خلیفه عباسی در ناحیه مشرق زمین خلافت (311581350) درهم شده بود. و از اقالیم مغرب که تعامل آن ها به دینار بود (5102000) درهم رسیده بود.¹

طبری در تاریخ خود می نویسد: متوکل در جمع آوری جزیه با اهل ذمه به بسیار جدیت تعامل می کرد، به کار گزاران خود هدایت داده بود که از هر خانه اهل ذمه عشر گرفته شود.²

منابع عواید حکومت عباسی عبارت است:

1- صدقات زکات؛ قسمیکه در صدر اسلام زکات و صدقات نیاز های اولی جامعه را تا حدی مرفوع می کرد؛ در زمان خلافت عباسی بنا بر گسترش سرزمین اسلامی و مصارف زیاد حکومتی زکات و درآمد های زیاد حکومتی از دیگر منابع حکومت از مردم زکات مطالبه نمی کرد.

2- جزیه؛ درآمد حکومت از جزیه درین عصر کمتر شده بود زیرا اکثر مردم این سرزمین به اسلام گرویده شده بودند.³

3- خراج. قسمیکه قبلا تذکر داده شد اکثریت درآمد حکومت خلافت عباسی از این منبع مهم خراج بوده است.

4- مستغلات؛ از جمله خانه، بازارها و آسیابها که در ملکیت سلطانی بناء شده بود حکومت عباسی از ایشان مقدار پولی می گرفت. بگونه مثال درآمد حکومت از منطقه سامرا (10000000) ده ملیون درهم در یک سال بوده است.

5- پول عبور کشتی ها از سرزمین اسلامی. در قرن چهارم درآمد حکومت از پول کشتی ها ی که از منطقه عدن که جزء قلمرو خلافت اسلامی بود عبور می کردند (200000) دو صد هزار دینار شده بود.⁴

6- خمس معادن؛ خمس معادن از جمله منابع درآمد بیت المال در زمان عباسی ها بود. معادن طلا که در حدود حبشه موقعیت داشت تا زمان متوکل از آن معدن به بیت المال خمس داده می وهم چنان خمس معادن نقره، مس، زبرجد، فیروزه و خمس رکاز و دفینه های جاهلی و اموات که

1- زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی. ص 64-65.

2- الطبری، تاریخ الرسل والملوک ج 11 ص 15.

3- مرجع سابق ص 96.

4- زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی. ص 94.

ورثه نداشتند از دیگر موارد و درآمد های حکومت عباسی به شمار می رفت که به بیت المال مسلمانان تعلق می گرفت.¹

7- تعرفه گمری و دیگر موارد.²

بعد از خلافت مأمون بعضی ولایات دولت اسلامی در پی استقلال شدند که در نتیجه بعضی آنها به این هدف خود رسید. این ولایات مستقل به خلافت اسلامی اموال را بنام های هدیه، مصالحه و دیگر نام ها پرداخت می کردند؛ و این پرداخت ها بشکل منظم نبود گاهی اوقات در طول سه سال یک بار پرداخت می کردند که همین باعث کاهش درآمد و عواید عباسی ها گردید.³

ج: عواید و درآمد حکومت عثمانی ها.

قلمرو امپراطوری عثمانی سر زمین ها وسیعی از سه قاره آسیا، اروپا و افریقا را در بر می گرفت که حدود پنج قرن بر این منطقه حاکمیت داشت.

عایدات عثمانی غالبا از جزیه و مالیات از امرای غیر مسلمان نظیر عایدات گمرک و خمس غنایم بود. دولت در کنترل و جمع آوری مالیات با موانع و مشکلات متعددی مواجه بود و همواره برای جلوگیری از فرار مالیاتی و دستیابی به نظام صحیح مالی تلاش می کرد.⁴

نظام مقاطعه⁵ یکی از اشکال جمع آوری مالیات دولت عثمانی بود و به عنوان منبع درآمد دولت به شمار می رفت. حکومت تلاش می کرد از طریق این سیستم منابع نقدی را روانه خزانه دولت و از فرار مالیاتی جلوگیری کند.

دولت عثمانی برای برآورد مالیات یک منطقه، با مالکان و متصرفان زمین معاهده ای می بست که بر اساس آن هر سال مبلغ معینی بدون توجه به افزایش یا کاهش درآمد املاک به دولت پرداخت می شد.

در نظام مالی عثمانی نهاد هایی بودند که درآمد سالیانه معینی داشتند مانند معادن زغال و فلزات، اداره گمرک، معدن نمک، و ضرابخانه که محتوای مالی برخی از مالیات های متعلق به خزانه را

¹ - زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی. ص 95.

² - زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی. ص 79-80.

³ - مرجع سابق ص 127.

⁴ - گروه از محصلین مقطع دکتورا تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان ایران، مطالعات تاریخ اسلام ص 195. تاریخ نشر 1400.

⁵ - مقاطعه به معنای مقطوع بودن است. شخص که اقطاع می گیرد. مقاطعه این کلمه یک معنی کلی دارد و می توان به عنوان توافق متقابل در مورد مقدار مشخص تعریف شود. مطالعات تاریخ اسلام. شماره 50.

تشکیل می‌دادند و به عنوان حقوق مستمری به درباریان، سپاهیان و مأموران دولتی پرداخت می‌شدند.¹

امرای صاحب سرمایه در مقابل کمک نقدی به حکومت، امتیاز جمع‌آوری مالیات مناطق را دریافت می‌کردند که متداول‌ترین روش جمع‌آوری مالیات در قرن یازدهم هجری قمری بود با مختصر تغییراتی ادامه یافت. رعایایی که باید خراج ارضیه و عشریه محصولی را به مالکان می‌پرداختند، گاهی از نصف هم می‌گذشت. مقاطعه‌داران و مأموران مستقر در نقاط حساس به ویژه جاده‌ها مالیات ویژه‌ای دریافت می‌کردند آنها برای عبور مسافران و تاجران، مبلغ اضافی می‌گرفتند.²

برای تقویت هرچه بیشتر خزانه، میزان جزیه را بالا برده شد و عواید مقاطعه‌هایی را که ضرابخانه اداره می‌کرد نیز افزایش پیدا کرد از جمله عواید حکومت عثمانی مقاطعه معادن طلا و نقره تعرفه گمرکی بندرهای دریای سیاه بود. و هم چنان مالیات اغنام اخذ جریمه شرب مسکرات، مالیات ابنیه، رسم احتساب و رسم میری.³

در سال 941 هجری معاهده بین فرانسه و خلافت عثمانی به امضاء رسید که بنا بر آن موافقتنامه تعرفه‌های گمرکی را فرانسوی‌ها سالانه یک مرتبه پرداخت می‌کنند و دیگر اینکه مالیات که فرانسوی‌ها در داخل قلمرو حکومت عثمانی پرداخت می‌کنند همان مالیات است که ترک‌ها به دولت خود می‌پردازند.⁴

دهاقین نقش مهمی را در زمان خلافت عثمانی ایفا می‌نمودند. هنگامیکه مسئولین جمع‌آوری مالیات معدل مالیات را بالای این طبقه مزارعین بالا بردند؛ فلاحین مجبور به ترک زمین‌های خود شدند زیرا مالیات وضع شده احياناً نصف حاصلات زمین‌های زراعتی بود.⁵

1- مرجع سابق مطالعات تاریخ اسلام، ص 198.

2- همان مرجع ص 204.

3- همان مرجع، ص 206.

4- صلابی، علی محمد صلابی، الدولة العثمانية عوامل النهوض و اسباب السقوط، ناشر: دار التوزيع والنشر الاسلاميه، ص 202-203.

5- جباره، دكتور نيسير جباره، تاريخ الدولة العثمانية، ص 191.

فصل دوم

عواید و درآمد های دولت در فقه اسلامی.

مبحث اول : انواع عواید دولت اسلامی

مطلب اول : خراج

مطلب دوم : جزیه

مطلب سوم : معادن

مطلب چهارم : رکاز

مبحث دوم : حکم مالیات شرعی

مطلب اول : تعریف، مشروعیت و شروط مالیات شرعی

مطلب دوم : انواع مالیات شرعی

مطلب سوم : مقایسه بین مکوس و مالیات شرعی

مبحث اول : انواع عواید دولت اسلامی

عواید و درآمد های حکومت اسلامی که تمام مصارف حکومت داری از آن تامین می شد انواع مختلف داشت که بارزترین آنها خراج، جزیه معادن و رکاز است که حکومت بگونه مشروع اقدام به جمع آوری آن می نمود و در مصالح عام مسلمانان و هزینه های حکومت داری به مصرف می رسید که در ذیل بگونه جداگانه بحث صورت می گیرد.

مطلب اول : خراج

خراج به دو معنای عام و خاص به کار می رود. معنای عام خراج در برگیرنده تمام درآمد بیت المال به جز صدقه می باشد، اما معنای خاص آن فقط به مالیات عایدات زمینهای اطلاق می گردد که در جنگ به دست مسلمانان افتاده اند و رهبر مسلمانان آن ها را وقف مصالح مسلمین کرده است. کاری که حضرت عمر رضی الله عنه با زمینهای سواد عراق و شام کرد.¹

الف: تعریف خراج

ماوردی² خراج را چنین تعریف نموده : خراج عبارت از مال و یا جزء حاصل زمین می باشد که از زمین های کفار گرفته می شود.³

خراج عبارت از مالی است که بر اوقات معینی از زمین های کفار که تحت تصرف مسلمانان قرار گرفته است اخذ می گردد. و یا اینکه زمین را بعد از مصالحه بدست خودشان قرار می دهند. بر زمین های مملوک افراد غیر مسلمان زکات لازم نمی شود لذا بجای زکات، به خراج اکتفا می شود.

خراج از مهم ترین منابع مالی دولت اسلامی در طول تاریخ بوده است. پیش از اسلام خراج اراضی کشاورزی، در تأمین درآمد دولت های روم و فارس سهم زیاد داشت. گاه از صاحبان زمین سهمی از محصول یک بر دهم تا یک بر دوم اخذ می شد که در آن نظام مقاسمه می نامیدند و گاه به دلیل مشکلات این نظام ، نظام مساحت جایگزین شد که بر اساس مساحت زمین و نوع محصول ، مبلغی به دولت پرداخت می شد. نظام مساحت را نیز خراج می نامیدند.

1- بشار حسین العجل، الخراج والضريبة المعاصرة ص 30.

2- وی ابو حسن، علی بن محمد بن حبیب ، الماوردی ، الشافعی، صاحب تصانیف متعدد منجمه الاحکام السلطانیة و قانون الوزاره و سیاسته ، گفته می شود که ایشان نوشته های خویش را تا وقت که حیات داشت به کسی اظهار نکرد، هنگامیکه وقت مرگ آن فرا رسید به یکی از تلامیذ خود گفت : کتاب های که در فلان جا است همه نوشته های من است و در ربیع الاول سال 450 وفات نمود. (سیر اعلام النبلاء، ج 18، ص 64).

3- الماوردی، الاحکام السلطانیة، ص 227.

با فتح زمینها غیر مسلمانان توسط مسلمانان تمام آن ملکیت ها از نگاه حکم و نحوه جمع آوری خراج تغییر پذیر شده و به قلمرو اسلامی ملحق شدند.

زمین های الحاقی چهار قسم بودند:

1- زمین هایی که اهالی آن با شوق و علاقه و رغبت اسلام آوردند و ملکیت آن ها در دست مالکانشان باقی ماند. این نوع زمین ها را در فقه اسلامی طوع می نامند.

2- زمین هایی که مسلمانان با پیروزی در جنگ به دست آوردند و مالک آن ها شدند. این نوع زمین ها را اراضی مفتوحه العنوه می نامند.

3- زمین هایی که ساکنان آن ها بدون جنگ حاضر به صلح شدند و طبق معاهده، زمین به ملکیت مسلمانان در آمد. این ساکنان باید در مقابل استفاده از زمین ها به دولت خراج می دادند یا زمین ها در ملکیت صاحبان اولیه باقی می ماند و آنان باید به دولت اسلامی خراج می پرداختند. این نوع زمین ها را اراضی صلح می گویند.

4- زمین هایی که اهالی آن بدون جنگ زمین را رها کردند یا آن را به دولت اسلامی سپردند و یا اهالی آن منقرض شدند. این نوع زمین ها در تملک حاکم اسلامی در می آمد. و این نوع زمین ها را اراضی فئ می نامند. در دوره قبل از اسلام خراج مالیات بود که صاحبان زمین به دولت می پرداختند، پرداخت آن باعث افزایش هزینه و درآمد های حکومت می شد، اما در زمان دولت اسلامی خراج را کسانی می پرداختند که صاحب زمین نبودند و در واقع، خراج به نوعی اجاره زمین بود.¹

خراج بالای زمین هایی وضع می گردد که امکان زرع و کشت در آن باشد، خراج از حاصل زمین باشد نه از اصل مال.²

ب : مشروعیت خراج.

1- مشروعیت خراج از کتاب الله.

هنگامیکه حضرت عمر رضی الله عنه تصمیم گرفت که زمین های مفتوحه عراق به حالت خود باقی بماند و بالای فاتحین تقسیم نشود بعضی از صحابه کرام با تصمیم خلیفه اسلام مخالفت کردند، عمر رضی الله عنه گفت: دلیل از کتاب الله دارم و از آیات قرآن کریم استدلال کرد:

¹-دوانی، مجید رضایی، مقدمه بر مالیه عمومی در اسلام ص 118-119.

²-خلاف، عبدالوهاب، السياسة الشرعية في الشؤون الدستورية والخارجية والمالية ص 118

﴿مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾¹ گفت این آیت عام است و مربوط به جریان خاصی نیست بلکه در مورد قریه ها و آبادی های مختلف است که تمام قریه ها را شامل می شود.

﴿الْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾² گفت این آیه در مورد مهاجرین است.

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾³ گفت: این در مورد انصار است.

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾⁴ فرمود: این عام است کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می آیند و این آیه همه کسانی را که تا قیامت خواهند آمد، در بر می گیرد.⁵

2- مشروعیت خراج از سنت

عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم "منعت العراق درهمها وقفيزها. ومنعت الشام مديها ودينارها. ومنعت مصر إردبها ودينارها. وعدتم من حيث بدأت. وعدتم من حيث بدأت. وعدتم من حيث بدأت. شهد على ذلك لحم أبي هريرة ودمه.⁶ از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: عراق از دادن درهم و پیمانہ های غذا خودداری می کند؛ و شام از پرداخت دینار و پیمانہ های طعام خود داری می نماید مصر نیز از پرداخت دینار و پیمانہ های غذا خود داری می کند و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید و شما همان وضعیت نخست را پیدا می کنید. گوشت و خون ابوهریره بر این مطلب گواهی می دهد.

1- الحشر:7.

2- الحشر:8.

3- الحشر:9.

4- الحشر:10.

5- صلابی، سیره امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب، شخصیت و عصره 412.

6- مسلم، صحیح مسلم. ص 1244 رقم الحدیث 2896

رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر می دهد که بزودی این اقالیم در ملکیت مسلمانان در خواهد آمد و بالای آنها جزیه و خراج وضع می کنند.¹

وجه استدلال از حدیث

رسول الله صلى الله عليه وسلم خبر می دهد که مسلمانان عراق و مصر را فتح کرده و بالای زمین های شان جزیه و خراج وضع می نمایند، پس اگر جزیه و خراج غیر مشروع می بود بشکل قطعی وجه حرمت آنرا بیان می داشت.

عن سهل بن أبي حثمة، قال: " قسم رسول الله صلى الله عليه وسلم خيبر نصفين، نصفاً لنوائبه وحاجته، ونصفاً بين المسلمين، قسمها بينهم على ثمانية عشر سهماً ²

از سهل بن ابی حثمه روایت است. فرمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم زمین های خیبر را به دو حصه تقسیم کرد؛ نصف آن به حاجات و ضروریات آن حضرت صلى الله عليه وسلم و نصف باقی آن در بین مسلمان تقسیم گردید؛ که به هجده سهم بین ایشان تقسیم نمود.

رسول الله صلى الله عليه وسلم زمین های خیبر را به یهودی ها واگذار کرد تا اینکه آنان همین زمین ها را آباد کنند درین صورت نصف میوه جات آن از ایشان می باشد.

3- مشروعیت خراج به مصلحت:

مصلحت مسلمانان ایجاب می کرد که زمین های مفتوحه تقسیم نشود فقط بالای آن ها خراج وضع گردد، عدم تقسیم آن یک منبع ثابت عایداتی برای حکومت به میراث گذاشته شد که در آینده دولت اسلامی از حاصلات آن ها در مصالح مسلمانان استفاده نماید.³

ج : انواع خراج.

فقهاء خراج را به دو نوع تقسیم نموده اند: خراج وظیفه (مساحه) و خراج مقاسمه.

خراج وظیفه و یا مساحه آن است که یک مقدار پول بالای زمین وضع شود برابر است که در آن زراعت شده باشد و یاخیر.

1 الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)، الناشر: دار الحديث مصر، الطبعة الأولى، 1413 هجري. ق. نيل الأوطار. ج8 ص20.

2- أبو داود، سليمان السجستاني أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) سنن أبي داود، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت. ج3 ص159.

3- بشار حسين، الخراج والضريبة المعاصرة. ص39.

خراج مقاسمه آن است که خراج وضع شده جزء از حاصل زمین باشد، تا اینکه زمین حقیقتاً حاصل ندهد خراج در آن واجب نمی شود.¹

خراج مقاسمه متعلق به زراعت و حاصل زمین است در صورت عدم زراعت زمین از آن چیزی گرفته نمی شود و حکم آن مانند حکم عشا است²

فرق بین خراج الوظيفه و خراج مقاسمه:

➤ خراج وظیفه در یک سال یک مرتبه اخذ می شود بخلاف خراج مقاسمه که بنا بر حاصل زمین اخذ می گردد.³

➤ حاصلات زمین که در یک سال چند مرتبه می باشد به اصطلاح دهاقین (زمین های چند فصله) این خراج مقاسمه است.

➤ خراج مقاسمه در صورت اخذ می شود که از زمین استفاده صورت گرفته باشد و زمین نیز حاصل داده باشد، در صورتیکه زمین کشت شود از حاصلات آن چیزی گرفته می شود برخلاف زمین های که بالای آن خراج توظیف است و قتیکه به زمین دست پیدا کرد و در آن کشت و زراعت هم صورت نگیرد بنا بر مساحت آن خراج وضع می گردد.⁴

زمین های که شامل خراج می شود.

✓ تمام زمین های که عنوه فتح شده و امام آنرا وقفی گذاشته یعنی تقسیم نکرده، آن زمین ها خراجی است مثال زمین های سواد عراق.

✓ تمام زمین های مشرکین که همراه ایشان صلح صورت گرفته است همان زمین زیر دست آنان قرار داده می شود و از زمین ها خراج اخذ می گردد.

✓ تمام زمین های که مشرکین بالای آن صلح کرده شده باشند بر اینکه زمین ها به مسلمانان تعلق بگیرد و یا در ملکیت مسلمانان باشد و تنها در دست مشرکین قرار می گیرد و بالای زمین ها خراج وضع می گردد.

1- السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج22ص23.

2- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبدالعزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ)، رد المحتار على الدر المختار ج4ص188.

3- الماوردی، الاحكام السلطانية. ص302

4- بشار حسين، الخراج والضريبة المعاصرة. ص48.

✓ زمین های که اهل آن از آن سرزمین جلا وطن شده باشند بالای آن زمین ها خراج وضع شده باشد.¹

زمین های که عنوة فتح شده درین مورد اختلاف نظر وجود دار:

الف : امام مسلمین اختیار دارد که آن زمین ها را بین غانمین تقسیم نماید و زمین عشری شود و یا اینکه زمین ها را به حالت اولی آن باقی بماند که متعلق به تمام مسلمانان باشد و بالای آن خراج وضع می نماید.

در صورت تقسیم نمودن، رسول الله زمین های خیبر را تقسیم نمود. در عدم تقسیم فعل خلیفه دوم اسلام عمر بن الخطاب رضی الله عنه.²

زمین های مفتوحه عنوة مانند سایر اموال است خمس آن به اهل خمس و باقی آن بین غانمین تقسیم می شود مانند دیگر اموال منقوله مگر اینکه امام مسلمین به رضا و رغبت غانمین آن زمین ها را و یا اینکه در بدل عوض بخاطر مصالح مسلمانان تقسیم نکند.³

ب: زمین های که عنوه فتح شده جواز ندارد که کسی آنرا تقسیم نماید، بمجرد استیلاء و غلبه بالای آن زمین ها متعلق به مسلمانان می شود که در مصالح آنان از آن استفاده صورت می گیرد. امام اختیار دارد که برای هر فرد که خواسته باشد از آن بدهد و خراج بالای آن وضع می شود.⁴

1- الماوردی، الاحکام السلطانية، ص 258. ابویعلی، القاضي محمد بن الحسین بن محمد بن خلف ابن الفراء (المتوفی: 458هـ)، الأحکام السلطانية للفراء، ص 163-164.

2- العینی، ابو محمد محمود بن احمد بن موسی بن احمد بن حسین الغیاتی الحنفی، بدرالدین المتوفی 855 هجری، البناية شرح الهدایة، الناشر: دارالمکتبة العلمیة، بیروت- لبنان، ج 7 ص 130.

3- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی الشهیر بالماوردی، المتوفی 450 هجری، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی، الناشر: دارالمکتبة العلمیة بیروت لبنان، ج 14 ص 260.

4- الکتناوی، ابوبکر بن حسن بن عبدالله، اسهل المدارک شرح ارشاد السالک فی مذهب امام الائمة مالک، المتوفی 1397 هجری، الناشر: دارالفکر بیروت-لبنان، ج 2 ص 13.

د : مقدار خراج.

1- مقدار خراج به نزد احناف:

بالای هر جریب¹ زمین که آن قابلیت زراعت را داشته باشد یک دهم و قفیز²، بالای هر جریب زمین رطبه پنج درهم، بالای هر جریب انگور ده درهم، بالای هر جریب زمین زعفران به اندازه توان زمین دار، زیرا در زمین های خراجی زمان عمر بن الخطاب رضی الله عنه زعفران وجود نداشت، خراج وضع می شود.³

2- مقدار خراج به نزد امام مالک⁴ :

امام مسلمین اختیار دارد مقدار خراج را تعیین کند، تعیین کردن مقدار آن مقید به ائمه مذاهب نمی باشد.⁵

3- مقدار خراج به نزد امام شافعی⁶:

خراج هر جریب زمین جو دو درهم، بالای هر جریب گندم چهار درهم، بالای هر جریب زمین درخت دارد و نیشکر شش درهم، از هر جریب زمین نخل زار هشت درهم گرفته می شود، بالای هر جریب زمین انگور ده درهم و بر هر جریب زیتون دوازده درهم وضع می گردد.⁷

1- مساحت هر جریب زمین 1366 متر مربع است، عبدالقدیم زلوم الامول فی دولة الخلافة ص 56.
2- وزن قفیز که حضرت عمر رضی الله عنه با یک درهم بالای هر جریب زمین خراجی وضع نمود 26.112 کیلو گرام گندم بود، زلوم، ص 61.
3- ابن مازة البخاري الحنفي، أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر، (المتوفى: 616هـ) المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان ج 2 ص 343 و ابو يوسف، الخراج ، ص 46
4- او مالک بن انس امام دار الهجرة بنا بر قول صحيح در سال 93 هجری متولد شده است علم را از نافع، سعيد المقبري، عامر بن عبد الله بن الزبير، ابن المنكدر، والزهري، وعبد الله بن دينار، گرفته است. از جمله معاصرین آن معمر، وابن جریج، وأبو حنيفة، وعمرو بن الحارث، والأوزاعي، وشعبة، والثوري، سفیان بن عیینة، عبد الله بن المبارك و محمد بن الحسن بودند در نو جوانی علم را فرا گرفت بعد از تابعین مانند امام مالک کسی دیگر در مدینه عالم و فقیه نبود، مشهور ترین کتاب آن موطأ است در سال 179 هجری وفات نموده است (سیر اعلام النبلاء، الناشر: مؤسسة الرسالة ج 8 ص 48-130).
5- الدسوقي، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي المالكي، (المتوفى: 1230هـ)، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، الناشر: دارالفکر ج 2 ص 501.
6- وي محمد بن ادريس بن عباس بن عثمان بن شافع فقيه وعالم عصر خود در غزه متولد گردیده پدر آن در جوانی وفات نموده است و او علم را از مسلم بن خالد زنجی مفتی مکه، داود بن عبدالرحمن العطار، از کاکایش محمد بن علی بن شافع، سفیان بن عیینة، عبدالرحمن بن ابی بکر الملیکی، سعید بن سالم و فضیل بن عیاض آموخته است. کتاب های تصنیف نمود و در اصول و فروع اصول فقه تصنیف نمود، قرآن کریم را در سن هفت سالگی و موطأ را در ده سالگی حفظ نموده است. در سال 204 هجری به عمر پنجاه و چند سالگی وفات نموده است. (سیر اعلام النبلاء ج 10 ص 5-76).
7- الشيرازي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، الناشر: دار الكتب العلمية ج 3 ص 332.

4- مقدار خراج به نزد حنابله:

بالای هر جریب زمین یک درهم و یک قفیز، بالای هر جریب نخل زار هشت درهم، و بالای هر جریب زمین انگور ده درهم خراج وضع می گردد.¹

ه: حکم مال خراج و وجوه مصرف آن.

خراج بخاطر مصالح عمومی مسلمانان تخصیص داده می شود که تحت اصلاح وضعیت مسلمانان، پرداخت معاشات کارمندان و موظفین حکومتی که شامل حکام، قضات، اهل فتوا، نظامیان (رجال جیش)، ساخت مساجد، پل های عبوری و دیگر موارد...² که نحوه استفاده و مصارف آن به اجتهاد امام و مصالح مسلمانان بستگی دارد، در پروژه های عام المنفعه که برای مردم حیاتی است به مصرف میرسد.³

بمنظور قانونمند سازی، جمع آوری و نحوه مصرف خراج دیوان مختص امور مالی ترتیب داده شد، این دیوان بخاطر اداره امور درآمد های خاص اقلیم عراق در عصر اموی و عباسی ترتیب شده بود زیرا اقلیم سواد از جمله غنی ترین اقلیم دولت اسلامی به شمار می رفت.

این دواوین دارای ویژگی های خاص بود:

- ✓ وضع حدود هر شهر و تفصیل تمام نواحی آن.
 - ✓ بیان وضع و حال شهر و یا بلد، آیا بگونه صلح آمیز فتح شده و یا به قتال و جنگ آیا زمین های آن عشری است و یا خراجی.
 - ✓ بیان حکم خراج تطبیق شده آیا خراج به گونه مقاسمه است (نصف و یا ربع) و یا به اندازه معلوم.
 - ✓ بیان شهرت اهل ذمه که درین شهر زنده گی می کنند .
 - ✓ بیان و ذکر معادن اقلیم و بیان انواع آن و حصه که به بیت المال پرداخت می شود.
 - ✓ بیان اموال غیر مسلمانان که داخل شهر ها می شود.⁴
- دیوان خراج در عراق به زبان فارسی و در شام به زبان رومی و در مصر به زبان قبطی بود. کارمندان آن دواوین نیز از همین سه گروه بود. در زمان عبدالملک بن مروان دواوین به زبان

1- ابن رجب الحنبلي، الاستخراج لأحكام الخراج ص83.

2- بیسونی، الدكتور سعید ابو الفتوح محمد، الحرية الاقتصادية في الاسلام واثرا في التنمية، الناشر: دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزيع. الطبعة الاولى 1408هـ- 1988م. ص136. و الكاساني، بدائع الصنائع. ج2 ص69.

3- بشار حسین، الخراج والضريبة المعاصرة، ص179.

4- البدوی، اسماعیل البدوی، السياسة الشرعية و تطبيقاتها في الحقة المثالية للدولة الإسلامية، الناشر: مكتبة المنار الإسلامية- الكويت، الطبعة الاولى 1421 هجری. ص242-244.

عربی ترجمه گردید هنگامیکه حجاج بن یوسف والی عراق شد کاتب خود را امر کرد که دواوین را از فارسی به عربی نقل کند.¹

و : مقایسه بین خراج و عواید معاصر در افغانستان.

خراج و عواید معاصر (مالیات) وجوه مشترک و اختلاف دارد:

1- وجوه مشترك خراج و مالیات:

- ✓ خراج و مالیات را امام مسلمین وضع می نماید.
- ✓ خراج و مالیات هر کدام آن التزامات مالی است.
- ✓ خراج و مالیات هر دو عواید دولت است که به منظور مصارف حکومتی و مصالح عامه مسلمانان وضع می گردد.
- ✓ خراج و مالیات، سالانه یک مرتبه اخذ می گردد.
- ✓ امام مسلمین بنا بر مصلحت خراج وضع شده را ساقط کرده می تواند هم چنان گاهی اوقات مالیات معاصر هم بخاطر مصلحت معاف می گردد.
- ✓ خراج و مالیات معاصر در مصالح مسلمانان به مصرف میرسد.²

2- اوجه اختلاف :

- ✓ خراج بالای زمین وضع می شود و مالیات معاصر بالای اجناس و کالا های تجاری وضع می گردد.
- ✓ خراج در ابتداء بالای غیر مسلمین وضع می گردد، مالیات معاصر بالای تمام اتباع یک کشور وضع می گردد، مسلمان بودن و کافر بودن در وضع مالیات تأثیر ندارد.
- ✓ اساس وضع خراج به دلیل شرعی ثابت است بر خلاف مالیات معاصر که وضع آن اجتهادی می باشد.
- ✓ مقدار خراج معین است بر خلاف مالیات معاصر که بنا بر ضرورت دولت ها وضع می گردد.
- ✓ خراج مقاسمه بالای زمین ها وضع می گردد که در آن زراعت شده باشد بر خلاف مالیات معاصر که بالای ملکیت ها وضع می شود اینکه از آن ملکیت ها استفاده صورت بگیرد و یا خیر مالکان ملزم به پرداخت مالیات می باشند.

1- همان مرجع ص 261.

2- بشار حسین العجل، الخراج والضريبة المعاصرة ص 319-320.

✓ در وضع خراج توانمندی رعایت می شود بر خلاف مالیات معاصر که بالای تمام مردم یکسان است.

✓ در وضع خراج عدالت رعایت می شود بر خلاف مالیات معاصر، گاهی اوقات در وضع مالیات عدالت رعایت نمی شود.¹

مقایسه بین خراج و مالیه معاصر بنا بر قانون مالیات بر عایدات افغانستان در ماده اول فقره سوم قانون مالیات بر عایدات افغانستان چنین آمده است هر نوع مالیات که توسط ادارات دولتی و یا غیر دولتی مطابق این احکام قانون وضع و یا تحصیل می گردد، به حساب معینه دولت (وزارت مالیه) تحویل بانک می گردد. مسئول در یافت و یا جمع آوری در حکومت اسلامی خزانه دار و یا مسئول بیت المال که نماینده حکومت است می باشد بنا بر قانون در افغانستان نیز مسئول جمع آوری مالیات وزارت مالیه است که آنرا به خزانه دولت واگذار می نماید.

مطلب دوم : جزیه

جزیه از جمله منابع درآمد ثابت دولت محسوب می شود که جنبه اقتصادی دارد؛ همان طور که جنبه سیاسی نیز دارد. چرا که پرداخت جزیه توسط زمین دلیلی بر اطاعت و تسلیم آنان در مقابل دولت اسلامی است. جزیه بیش از آن که جنبه اقتصادی آن مطرح باشد جنبه سیاسی آن مطرح می باشد. ولی حقیقت این است که در جزیه همزمان، جوانب سیاسی و اقتصادی مد نظر می باشند.²

الف : تعریف جزیه :

جزیه نوعی مالیات است که سالانه از کفار بخاطر اقامت در دار اسلام از ایشان گرفته می شود.³ و بعضی گفته اند: جزیه خراجی است که از کفار جهت خوار نمودن آن ها وصول می شود.⁴

1- بشار حسین، الخراج والضريبة المعاصرة ص321.

2- صلابی، عمر بن الخطاب شخصيته وعصره، ص376.

3- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، المغني لابن قدامة، الناشر: مكتبة القاهرة ج9 ص328.

4- ابن القيم، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزرعي الدمشقي، أبو عبد الله، شمس الدين، احكام اهل الذمة، الناشر: رمادي للنشر - الدمام ج1 ص34.

جزیه از اهل کتاب اعم از یهود و نصاری، وصول می شود و در این مورد کسی اختلافی ندارد. اما در مورد گرفتن جزیه از مجوسیان شبهه وجود داشت. چنان که عمر بن خطاب خلیفه دوم اسلام در این مورد شک داشت تا این که عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه برای او بیان کرد که رسول خدا صلی الله علیه وسلم جزیه را از مجوسیان هجر دریافت می کرد.¹

جزیه در بدل امنیتی که برای زندگی کفار در سرزمین اسلامی فراهم شده بود باید هزینه ای بپردازند. جزیه بر بالای غیر مسلمین واجب گردانیده شده قسمیکه زکات بر مسلمانان واجب شده است، در مقابل بهره گیری ایشان از حقوق و امان دادن نفس های آن ها و هم چنان در امان بودن اموال شان، علاوه بر آن هم چنان در مقابل امنیتی که برای زندگی آنها فراهم شده هزینه ای بپردازند زیرا اهل کتاب از مرافق عامه و یا چیز های عام المنفعه استفاده می کنند قسمیکه مسلمانان از آن استفاده می کنند، بالای غیر مسلمان زکات فرض نیست بخاطر اینکه کفار غیر مخاطب به فروع شریعت هستند، پس جزیه هم معادل زکات مسلمان ها می باشد و هم مبلغی به عنوان معافیت از جنگ و به جهاد رفتن، جزیه بالای آن ها در بدل زکات است که بر مسلمانان واجب است بنا بر این اگر فردی از کفار در سرزمین اسلامی ایمان می آورد جزیه از او ساقط گردیده و در صورتیکه صاحب مال باشد زکات بالای آن واجب می شود.²

ب : مشروعیت جزیه.

مشروعیت جزیه به نص قرآنی ثابت شده است که هدف از وضع آن بالای اهل کتاب حمایت آنان در مقابل تمام تهدیدات و هم چنان دفاع از ایشان در تمام حالات، تا هنگامیکه به عهد خود پایبند باشند. الله متعال در سوره توبه چنین می فرماید { قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ }³

امام شافعی در مورد کلمه (صَاغِرُونَ) نوشته است صاغرون بمعنی اینکه بالای ایشان حکم اسلام جاری شود و آنان خاضعانه به آن پایبند باشند.⁴

و هم چنان جزیه به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده است .

¹ - صلابی، عمر بن الخطاب شخصيته وعصره ص 400.

² - خلاف، السياسة الشرعية في الشئون الدستورية والخارجية والمالية ص 112.

³ - التوبة: 29.

⁴ - الشافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبی القرشي المكي (المتوفى: 204هـ) كتاب الام، الناشر: دار المعرفة - بيروت ج 2 ص 176.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَمَرَ أَمِيرًا عَلَى جَيْشٍ، أَوْ سَرِيَّةٍ، أَوْ صَاهُ فِي خَاصَّتِهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا، ثُمَّ قَالَ: "اغْزُوا بِاسْمِ اللَّهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ، اغْزُوا وَلَا تَعْلُوا، وَلَا تَعْدِرُوا، وَلَا تَمْتَلُوا، وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا، وَإِذَا لَقِيتَ عَدُوَّكَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَادْعُهُمْ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ - أَوْ خِلَالٍ - فَأَيُّهُنَّ مَا أَجَابُوكَ فَأَقْبَلْ مِنْهُمْ، وَكُفَّ عَنْهُمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، فَإِنْ أَجَابُوكَ، فَأَقْبَلْ مِنْهُمْ، وَكُفَّ عَنْهُمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى التَّحْوِيلِ مِنْ دَارِهِمْ إِلَى دَارِ الْمُهَاجِرِينَ، وَأَخْبِرْهُمْ أَنَّهُمْ إِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ فَلَهُمْ مَا لِلْمُهَاجِرِينَ، وَعَلَيْهِمْ مَا عَلَى الْمُهَاجِرِينَ، فَإِنْ أَبَوْا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْهَا، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّهُمْ يَكُونُونَ كَأَعْرَابِ الْمُسْلِمِينَ، يَجْرِي عَلَيْهِمْ حُكْمُ اللَّهِ الَّذِي يَجْرِي عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ فِي الْعِغِيمَةِ وَالْفَيْءِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُجَاهِدُوا مَعَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنْ هُمْ أَبَوْا فَسَلِّطْهُمْ الْجَزِيَّةَ، فَإِنْ هُمْ أَجَابُوكَ فَأَقْبَلْ مِنْهُمْ، وَكُفَّ عَنْهُمْ، فَإِنْ هُمْ أَبَوْا فَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَقَاتِلْهُمْ، وَإِذَا حَاصَرْتَ أَهْلَ حِصْنٍ فَأَرَادُوكَ أَنْ تَجْعَلَ لَهُمْ ذِمَّةَ اللَّهِ، وَذِمَّةَ نَبِيِّهِ، فَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ ذِمَّةَ اللَّهِ، وَلَا ذِمَّةَ نَبِيِّهِ، وَلَكِنْ اجْعَلْ لَهُمْ ذِمَّتَكَ وَذِمَّةَ أَصْحَابِكَ، فَإِنَّكُمْ أَنْ تُخَوِّرُوا ذِمَّتَكُمْ وَذِمَّةَ أَصْحَابِكُمْ أَهْوَنُ مِنْ أَنْ تُخَوِّرُوا ذِمَّةَ اللَّهِ وَذِمَّةَ رَسُولِهِ، وَإِذَا حَاصَرْتَ أَهْلَ حِصْنٍ فَأَرَادُوكَ أَنْ تُنْزِلَهُمْ عَلَى حُكْمِ اللَّهِ، فَلَا تُنْزِلَهُمْ عَلَى حُكْمِ اللَّهِ، وَلَكِنْ أَنْزِلْهُمْ عَلَى حُكْمِكَ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي أَنْتَ صِيبُ حُكْمِ اللَّهِ فِيهِمْ أَمْ لَا"¹

از سلیمان بن بریده از پدر خود روایت می کند، فرمود: هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم سپاه یا سربیه ای را به نبرد با کافران می فرستاد، امیری را بر آنها می گماشت تا از وحدت آنها مراقبت کرده و امور آنها را اصلاح کند؛ سپس او را به تقوای الهی و رفتار خوب با همراهانش توصیه می کرد و آنها را به انجام رفتاری که باید با دشمنان در پیش بگیرند، راهنمایی می کرد؛ و اینکه باید از خیانت و فریب و مثله کردن دشمن و کشتار افراد غیر مکلف خود داری کنند؛ و اینکه ابتدا مشرکان را به اسلام دعوت دهند؛ اگر پذیرفتند، آنها را به هجرت به مدینه منوره تشویق نمایند و به آنها بیاموزند که همان حقوق و تکالیفی را خواهند داشت که مهاجرین سابقین دارند. اما چنانچه از هجرت کردن ابا و ورزیدند، همان رفتاری با ایشان خواهد شد که با بادیه نشینان مسلمان می شود. اما چنانچه از اسلام آوردن امتناع نمودند، باید از آنها جزیه طلب کنند؛ و اگر از پرداخت آن ابا و ورزیدند، باید از الله مدد گرفته و با آنها بجنگند. و چون مردمانی را به محاصره در آوردند، عهد و پیمان الله و رسولش را به آنها ندهند، بلکه پیمان خودشان را به آنها بدهند؛ زیرا اینکه عهد و پیمان آنها در معرض نقض و شکستن قرار بگیرد گناهش بسیار کمتر است از اینکه عهد و پیمان الله و رسولش در معرض نقض قرار بگیرد. و اگر از آنان خواستند

1- صحیح مسلم، ج3 ص1357، شماره حدیث 1731.

که در میان آنها بنا بر حکم الله قضاوت نمایند، مبدا به حکم و دستوری حکم نموده و آن را حکم الله قلمداد کنند؛ زیرا ممکن است اجتهاد آنها واقعا موافق با حکم الله نباشد؛ پس بنا بر حکم و قضاوت و اجتهاد خود با آنها تعامل نمایند.

مشروعیت جزیه به اجماع:

مسلمانان به جواز جزیه اجماع نموده اند، خلیفه اول و دوم و دیگر خلفاء و امراء مسلمانان جزیه را اخذ نمودند بدون اینکه کسی در مورد اعتراض نماید، این دلیل اجماع بر اخذ جزیه می باشد.¹ جزیه در مقابل التزامات گرفته می شود که مسلمانان به آن متعهد می باشند. اگر دولت از حمایت ذمیان عاجز آید، حق پرداخت جزیه ساقط می گردد. چرا که جزیه در مقابل خدمات دولت به مردمان آن دیار واجب می گردد و برای آن است که دولت از مال و جان پرداخت کنندگان آن حفاظت به عمل آورد، چنان که وقتی رومیان جمع کثیری را برای حمله بر مسلمانان دیار شام گرد آورده بودند و جنگ تمام عیاری تدارک دیده بودند ابو عبیده به فرماندهان تحت فرمان خود دستور داد تا آنچه از ذمیان به عنوان جزیه وصول نموده اند به آنها برگردانند و بگویند چون ما نمی توانیم در شرایط کنونی امنیت شما را فراهم سازیم، بر اساس قراردادی که با هم امضاء نموده ایم مالهای شما را به شما باز می گردانیم. ذمیان گفتند: خدا شما را بر دشمنانتان پیروز و به سوی ما بازگرداند، چرا که اگر رومیان به جای شما می بودند در چنین شرایطی نه تنها اموال ما را بر نمی گردانیدند بلکه دست به غارت و تجاوز می زدند و چیزی برای ما باقی نمی گذاشتند. همچنین اگر ذمیان به دستور حکومت اسلامی به مقابله با دشمن پرداختند، جزیه از عهده آنان ساقط می گردد. چنان که سراقه بن عمرو با ساکنان طبرستان چنین کرد و عمر بن الخطاب نیز با او موافقت نمود.²

ج : انواع جزیه.

جزیه به دو نوع است³: جزیه صلحی و قهری و یا عنوی:

1- جزیه صلحی آن است که در صورت صلح به رضایت جانبین وضع می گردد.⁴

1- ابن القدامه، المغنی ج 10 ص 567.

2- جمیل المصری، تاریخ الدعوة الاسلامیة، الناشر: مکتبة الدار للنشر والتوزیع ص 327.

3- العینی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی، بدر الدین العینی (المتوفی: 855هـ)، البناية شرح الهدایة، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت- لبنان. ج 7 ص 238.

4- مرجع سابق ص 238.

عن ابن عباس، قال: صَلَّحَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَهْلَ نَجْرَانَ عَلَى أَلْفِي حُلَّةٍ: النَّصْفِ فِي صَفَرٍ وَالنَّصْفِ فِي رَجَبٍ، يُؤْتُونَهَا إِلَى الْمُسْلِمِينَ، وَعَارِيَّةٌ ثَلَاثِينَ دَرَعًا، وَثَلَاثِينَ فَرَسًا، وَثَلَاثِينَ بَعِيرًا، وَثَلَاثِينَ مِنْ كُلِّ صَنْفٍ مِنْ أَصْنَافِ السَّلَاحِ، يَعْزُونَ بِهَا، وَالْمُسْلِمُونَ ضَامِنُونَ لَهَا حَتَّى يَرُدُّوَهَا عَلَيْهِمْ.¹ ترجمه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است فرمودند: رسول الله صلی الله علیه وسلم در بدل دو هزار حله با اهل نجران صلح کرد که نصف آن در ماه صفر و نصف دیگر آن را در ماه رجب برای مسلمانان پرداخت کنند و سی دست زره، سی رأس اسب، سی رأس شتر و سی عدد از تمام اسلحه که توسط آن می جنگند برای مسلمین به عاریت بدهند، مسلمانان ضامن این عاریت ها خواهد بود، تا آن را بازگردانند.

فلسفه جزیه این است، باز کردن راه دعوت به سوی اسلام و نشان دادن رفتار مسلمانان به دیگران و آشنا کردن شان با دین اسلام که چگونه دینی ساده، بی آرایش و شایسته پیروی برای سعادت دنیا و آخرت است.²

سلیمان قلعه های فارس را محاصره نمود، گفت: همان طوریکه رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه شما رفتار می کرد من هم مثل آن حضرت همراه شما برخورد می کنم؛ نزد ایشان آمد و گفت: من مردی از جمله شما هستم که ایمان آوردم، می بینید چگونه عرب مرا اکرام و عزت می کنند، اگر شما ایمان بیاورید آنچه بر مسلمان است برای شما نیز می باشد و هم چنان آن واجبات که بالای آن ها است بالا شما نیز می باشد یعنی احکام اسلام بالای تمام پیروان آن بدون استثناء یک سان است. اگر اسلام را قبول نکردید و ابا و ورزیدید؛ بالای شما جزیه وضع می شود، پس آنرا بپردازید و اگر سرکشی کنید و جزیه را پرداخت نکنید در مقابل تان می جنگیم و خاک بر سر تان.³

2- جزیه قهری و عنوی: آن است که بعد از غلبه و پیروزی مسلمانان علیه کفار، بالای آنان وضع می گردد، به گونه ای که ملکیت های ایشان تحت تصرف آنان می باشد.⁴

فرق میان جزیه صلحی و قهری:

✓ جزیه صلحی به رضایت جانبین امیر مسلمانان و کفار به خواست آنان بدون غلبه و قهر وضع می گردد. اما جزیه قهری بدون رضای کفار و به قهر و غلبه وضع می گردد.

1- أبو داود، سنن أبي داود، كتاب الخراج والفيء والإمارة، باب في أخذ الجزية ج4ص648.

2- خالدی، شیخ محمد علی خالدی، احکام و فلسفه جهاد در اسلام، ناشر: سایت کتاب خانه عقیده، تاریخ نشر 1437 هجری ق. ص 18.

3- ابو عبید، القاسم بن سلام، کتاب الاموال، الناشر: دار الشروق، ص96.

4- العینی، البنایه شرح الهدایة، ج7ص239.

- ✓ مقدار جزیه صلحی غیر محدد است به مبلغ که طرفین اتفاق نمایند اهل ذمه همان مبلغ معین را پرداخت می نمایند، اما جزیه عنوی وقهری مقدار آن محدد و معین است.
- ✓ در وضع جزیه صلحی شروط خاص و معین وجود ندارد مگر آنچه که طرفین بالای آن اتفاق کرده باشند، مگر در جزیه قهری و عنوی شروط معین وضع می گردد مانند شرط بالغ بودن، ذکوریت، غنی بودن و دیگر شروط معتبر.
- ✓ جزیه از فرد گرفته می شود که توان آن را داشته باشد، در گرفتن جزیه حاصل زمین و توان صاحبان آن مراعات میشود.¹
- ✓ جزیه صلحی گاهی اوقات بالای اموال و اشخاص وضع می گردد بر خلاف جزیه قهری و عنوی که فقط بالای اشخاص وضع می شود.²

د : مقدار جزیه.

جزیه در حکومت های روم و فارس هم وجود داشت که مقدار مشخص از مردم آن سرزمین گرفته می شد. جزیه وضع شده در حکومت اسلامی نسبت به مالیات و جزیه های حکومت های روم و فارس بسیار اندک و ناچیز است که در سرزمین اسلامی وضع می گردید، همین امر باعث شد که مردمان و ساکنین سرزمین ها به فتوحات اسلامی خوش آمدید گفته و با پرداخت کمترین جزیه دین، مال و آبروی شان در امان باشد. یونان در قرن پنجم قبل از میلاد بالای ساکنین ساحل آسیای صغرا هنگامیکه سکان این منطقه از آن مطالبه کمک نموده بودند جزیه وضع کرد و از آنان حمایت می کرد که در مقابل حمایت جزیه پرداخت می کردند. و در امپراطوری روم بالای افراد که زیر حاکمیت آن زندگی می کردند جزیه وضع نموده بود. و مقدار آن از یک اقلیم تا دیگر متفاوت بود. در قرن اول میلادی حکام بیزانس بالای مردمان سرزمین حاکمیت خود جزیه وضع نموده بودند که مقدار آن 16 درهم بالای هر شخص بود پس از آن در قرن دوم میلادی تا به 20 درهم رسد. مردم مصر در آن زمان از سن 14 سالگی الی 60 سالگی به پرداخت جزیه ملزم بودند.³

1- البدوی، لسیاسة الشرعية و تطبیقاتها فی الحقبة المثالیة للدولة الاسلامیة، ص 118.

2- بشار حسین العجل، الخراج والضریبة المعاصرة، ص 422.

3- جمعان السعدی، سیاسة المال فی الاسلام فی عهد عمر بن الخطاب، ص 60-62.

فارس بالای جمع بزرگی از مردم جزیه وضع می نمودند افراد که عمر آن ها از 20 الی 50 سال می بود شامل پرداخت جزیه می گردیدند. هر فرد بنا بر توانمندی خود از 12 درهم 8 درهم و چهار درهم پرداخت می کردند.¹

مقدار جزیه در ابتدای اسلام مقدار معین و دائمی نبود، پس از اینکه مسلمانان سرزمین های زیادی را فتح نمودند و قلمرو حکومت اسلامی گسترش پیدا کرد اندازه جزیه مشخص و معین گردید و در اخذ جزیه وضعیت اقتصادی فقیر و غنی رعایت می گردید.

✓ از هر فقیر کاسب 12 درهم گرفته می شد.

✓ از افراد که دخل آنها متوسط بود 24 درهم اخذ می گردید.

✓ و از ثروتمندان 48 درهم مطالبه و گرفته شده است.²

رسول الله صلی الله علیه وسلم معاذ را به یمن فرستاد و برای آن دستور داد که از هر 30 گاو یک گوساله یک ساله و از هر 40 گاو یک گوساله دو ساله و از هر حالم و جوان یک دینار بگیرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم نامه ای به معاذ بن فرستاد گفت: بالای آن کشت زار هایی که توسط باران سیراب می شود و یا بدون آله آبیاری می شود عشر یعنی یک بر دهم و آن زمین هایی که توسط دلو و یا آله آبیاری می شود نصف عشر است؛ هم چنان آن حضرت به اهل یمن نامه فرستاد بالای هر یهودی و نصرانی جزیه است و بالای هر حالم مذکر باشد و یا مونث غلام باشد و یا کنیز یک دینار. هر کس که آن را پرداخت کرد او در ذمه خدا و رسولش است و کسی که آنرا پرداخت نکند او دشمن خدا و رسول و هم چنان دشمن مومنان نیز می باشد.³

حضرت ابوبکر صدیق از اهل حیره جزیه را قبول کرد، هنگامیکه خالد بن ولید حیره را صلح آمیز فتح نمود جزیه جمع آوری شده آن را به خلیفه اول فرستاد ابوبکر صدیق آنرا قبول کرد.⁴ زرعه بن نعمان یا نعمان به زرعه در مورد نصارای بنی تغلب همراه خلیفه دوم صحبت نعمان گفت این قوم عرب هستند، حضرت عمر تصمیم گرفته بود که بالای ایشان جزیه وضع نماید، بعد از سخنان نعمان خلیفه دوم همراه شان بنا بر شروط صلح نمود، گفت که اولاد های خود را به نصرانی تربیه نکنند و دیگر اینکه صدقه را دو چند بدهند یعنی از هر 20 درهم یک درهم بدهند

¹- همان مرجع ص 62.

²- ابو یوسف، الخراج ص 123. و جمعان السعدی، سیاسه المال فی الاسلام فی عهد عمر بن الخطاب، ص 71

³- ابو عبید، القاسم بن سلام، کتاب الاموال ص 100

⁴- مرجع سابق ص 101.

در حالیکه از مسلمانان از هر 40 درهم یک درهم صدقه فرضی گرفته می شود. و هم چنان از مواشی و حاصلات زراعت همین قسم صدقه مضاعف اخذ می شود مال های زنان و کودکان نیز هم مانند اموال مردهای ایشان می باشد که شامل همین شروط می شوند.¹

شریعت اسلامی بعض افراد را از پرداخت جزیه معاف کرده است، مساکین که از جمله مستحقین جزیه اند، شخص نابینا که دارای حرفه و کار نیست ، راهبان که تنگ دست باشند اگر غنی باشند از آنان نیز جزیه گرفته می شود، اهل صوامع ، از مسلمان که جزیه آن باقی مانده باشد یعنی قبل از اتمام سال که جزیه پرداخت می شود ایمان آورده باشد و از شیخ فانی که توان کار کردن را ندارد و چیزی در دست هم ندارد و شخص که خلل دماغ دارد نیز از آن جزیه اخذ نمی گردد.² فقهای اسلام از روند کاری خلفای راشدین مجموعه شرایطی در مورد اهل جزیه استنباط نموده اند که به شرح ذیل است:

- - اهل جزیه حق ندارند به کتاب خدا توهین کرده و یا آن را تحریف کنند.
- - نسبت به رسول خدا کلمات توهین آمیز بر زبان نیاورند و ایشان را به صراحت تکذیب نکنند.
- - به دین اسلام توهین نکرده و آنرا مورد نکوهش قرار ندهند.
- - با زن مسلمان نکاح نمی کنند و با آنان مرتکب زنا نشوند.
- - باعث برگرداندن فرد مسلمانی از دینش نشوند و به مال و دین مسلمانان تعرض ننمایند.
- - به دشمنان اسلام کمک نکنند.³

حکومت اسلامی اینکه از اهل ذمه و افراد سرزمین خود جزیه اخذ می نماید خود را مکلف به تمام حقوق آنان می داند. امیر تتر قطلوشاه در اوئل قرن هشتم هجری ناگهان به دمشق حمله ور شد که در نتیجه تعدادی از مسلمانان و اهل ذمه (یهود و نصارا) را با خود برده اسیر نمود، ابن تیمیه همراه با جمع از علماء بخاطر رهایی آن ها نزد امیر تتر رفتند و از امیر خواستند که اسیران را آزاد کند، امیر اسیر های مسلمانان را از بند رها نمود و اسرای یهود و نصارا را به خود نگهداشت، ابن تیمیه برایش گفت: باید تمام کسانی که به اسارت گرفته شده اند رها شوند زیرا

1- ابو عبید، کتاب الاموال ص 102.

2- ابو یوسف، کتاب الخراج ص 135-136.

3- الماوردی، الاحکام السلطانیة ص 164.

آن ها اهل ذمه ما هستند، تمام حقوق و وجایب در سرزمین اسلامی بالای ما و ایشان یک سان است امیر تمام اسیران را از حبس آزاد نمود.¹

ه: مقایسه بین جزیه و عواید معاصر در افغانستان.

مقایسه بین جزیه و عواید (مالیات) معاصر:

وجوه اتفاق بین جزیه و عواید معاصر (مالیات)

✓ وضع جزیه و مالیات بیانگر استقلالیت یک کشور می باشد، جزیه و مالیات کشورهای اسلامی بالای ساکنین سرزمین خود وضع می کنند که این ثابت کننده استقلالیت و تصمیم گیری های ایشان می باشد.

✓ جزیه دهنده و مالیه دهنده هر کدام ایشان در بالا بردن عواید حکومت سهم گیر می باشند.

✓ در حکومت اسلامی جزیه سالانه گرفته می شود و تقویم هجری قمری در پرداخت آن معتبر است.

✓ در قانون مالیات بر عایدات افغانستان ماده سوم فقره اول چنین صراحت دارد (سال مالی به منظور این قانون عبارت از سال هجری شمسی بوده...)

وجوه اختلاف:

✓ جزیه به نص قرآن کریم ثابت شده که در آیه 29 سوره توبه ذکر گردیده است. مالیات بنا بر قوانین وضعی وضع می گردد و مردمان سرزمین به پرداخت آن طبق قانون مکلف اند.

✓ جزیه بنا بر صلح بالای اهل ذمه وضع می گردد که در مقابل از امنیت و حمایت وهم چنان از

نعمت اقامت در سرزمین اسلامی مستفید می گردند. اما مالیات بالای تمام افراد سرزمین

اسلامی اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان که در این سرزمین مسکن گزین هستند وضع می

گردد.²

1- البدوی، السياسة الشرعية و تطبیقاتها فی الحقبة المثالیة للدولة الاسلامیة، البدوی ص114.

2- بشار حسین العجل، الخراج والضریبة المعاصرة، ص958-959.

مطلب سوم : معادن

الف : تعریف معادن.

تعریف معدن: معدن عبارت از مالی است که الله متعال آن را روزی که زمین را پیدا کرد آن را در داخل زمین خلق کرده است.¹

معدن عبارت از آن چیزی است که از زمین بیرون می شود از قبیل طلا، نقره که به انجام کار و تصفیه به دست می آید معدن است.²

هر آنچه که بدون از جنس زمین که از آن متولد باشد و نبات نباشد معدن نامیده می شود.³ در کل معادن عبارت از مواد است که الله متعال آنها در زمین خلق کرده است که شامل آهن، مس، مواد سوختی، نمک، طلا، نقره و غیره می باشد.

تعریف معدن از نگاه قانون: معدن محلی است که منرال ها در آن تثبیت گردیده و فعالیت های منزالی⁴ یا سایر فعالیت های مرتبط در آن صورت می گیرد.⁵

ب : مشروعیت استفاده از معادن.

دلیل مشروعیت ویا استفاده کردن از معدن ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ﴾⁶ معدن از جمله غنیمت شمرده می شود⁷، یعنی وجوه مصرف آن مانند اموال غنیمت است که خمس آن به الله و رسول گرامی اش تعلق می گیرد.

تسلط و سیطره بر روی زمین که الله متعال انسان را در آن تمکین داد، تقاضا می کند که از تمام چیز های زمین به طریقه مشروع استفاده نماید و زمین را آباد نماید.⁸ معادن از جمله عطیه الهی است که بشریت از آن بمنظور آبادی و عمران زمین استفاده نماید.

1- کاسانی، بدائع الصنائع ج2ص65.

2- ابن جزى الكلبي الغرناطي، أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزى الكلبي الغرناطي (المتوفى: 741هـ)، القوانين الفقهية، الناشر: دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزيع ج1ص70.

3- البهوتي الحنبلي، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي الحنبلي (المتوفى: 1051هـ)، كشاف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية ج2ص222.

4- منرال: مرکباتی است که بشکل جامد، مایع یا گاز بصورت طبیعی در سطح زمین و زیر زمین، آب ها یا در ذخایر باقیمانده معدن که در نتیجه عملیه جیولوجیکی تجمع نموده و شامل عناصر و ترکیبات فلزات و سنگ های فلزات و قیمتیف ریگف سنگ، جغل، خاک رس و ذغال سنگ می باشد. قانون معدن. ص3. ماده سوم فقره دوم.

5- قانون معدن افغانستان، صفحه 2، ماده سوم، سال نشر 1393.

6- التوبة: 41.

7- الزُّخَلِي، وَهْبَةُ بن مصطفى الزُّخَلِي، الفقه الإسلامي وأدلته، الناشر: دار الفكر-سوريّة -دمشق ج3ص1855.

8 مرجع سابق. ج8ص 638.

اینکه معادن دارای اهمیت و ارزش و هم چنان وسیله آبادی زمین می باشد بعضی آن ها را الله متعال در قرآن کریم ذکر نموده است. در سوره حدید می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ﴾¹ و آهن را که در آن هم سختی و هم منافع بسیار بر مردم است آفریدیم.

امام مجاهد در تفسیر این آیه می گوید: در آن سپر و سلاح است (یعنی توسط آن سپر و سلاح ساخته می شود)²

{وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ} امام نسفی درین مورد چنین می فرماید: به نفع انسان ها است در مصالح آن ها و زندگی ایشان و هم چنان در صنائع آنان، هیچ صنعتی نیست مگر اینکه آهن یا آله آن است و یا اینکه چیزی است که توسط آن کار می کند.³

و هم چنان الله متعال در مورد دیگر از معادن با اهمیت در قرآن کریم یاد آوری می کند، در سوره سبأ آیه 12 می فرماید: ﴿وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَاطِرِ﴾⁴ و چشمه مس مذاب را برای او روان ساختیم. الله متعال چشمه مس ذوب شده را که مانند آب روان شده بود دلالت بر نبوت سلیمان علیه السلام گردانیده بود.⁵

امام قرطبی در تفسیر آیه 267 سوره بقره چنین می فرماید: مراد از {مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ} نباتات، معادن و رکاز است.⁶

در جهان امروزی معادن از اهمیت ویژه بر خوردار است که اقتصاد کشورها بستگی به معادن دارد. کشورهای اسلامی از غنی ترین سرزمین بوده که دارای ذخایر و معادن سرشار طبیعی می باشد، چنانکه اقتصاد شان از قویترین اقتصادهای جهان بشمار می رود چون از موارد طبیعی دست ناخورده و نا استفاده برخوردار اند.

افغانستان از جمله کشورهای است که دارای معادن با ارزش می باشد که تا هنوز حکومت های از آن منابع طبیعی و عطیه الهی بگونه درست استفاده کرده نتوانسته اند. اگر حکومت بگونه

1- الحدید: 25.

2- أبو الحجاج، مجاهد بن جبر التابعی المکی القرشی المخزومی (المتوفی: 104هـ)، تفسیر مجاهد، الناشر: دار الفکر الإسلامی الحدیثی، مصر، ج1 ص649.

3- النسفی، أبو البرکات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدین النسفی، (المتوفی: 710هـ)، تفسیر النسفی (مدارک التنزیل وحقائق التأویل)، الناشر: دار الکلم الطیب، بیروت ج3 ص441.

4- سبأ: 12.

5- القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج14 ص270.

6- القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج3 ص321.

درست و قانونمند اقدام به استخراج معادن کشور نماید این امر سبب رشد اقتصاد ملی و باعث کاهش فقر در افغانستان می شود.

بنا بر قانون تمام معادن در افغانستان از مالکیت دولت است، افراد و اشخاص حکمی و حقیقی بدون قرار دارد و یا دریافت اجازه نامه برای استخراج آن حق تصرف در معادن را ندارند. تمام منرال ها در منابع آن در حالت طبیعی ملکیت دولت می باشد.¹ دولت، منابع منرالی و فعالیت های مربوط به آنرا اداره، کنترول و تنظیم می نماید.² وزارت معادن و پطورلیم، مطابق احکام قانون مرجع با صلاحیت تنظیم فعالیت های منرالی در کشور می باشد.³

ج : انواع معادن.

به نزد احناف معادن به سه قسم تقسیم شده است:

- 1- معادن که جامد است و قابلیت ذوب شدن را دارد مانند: طلا، نقره، آهن و غیره.
- 2- معادن که جامد است و قابلیت ذوب شدن را ندارد، مانند: کچ، چونه، زرنیخ یا قوت و غیره.
- 3- معادن که مائع است مانند: آب، نفت و قیر.⁴

انواع معادن افغانستان:

افغانستان از نگاه داشتن معادن و ذخایر با کیفیت و عالی ثروت مند بوده و شهره جهان می باشد. استفاده از منابع طبیعی و استخراج معادن باعث خود کفایی کشور شده و در رشد چشم گیر اقتصاد کشور سهم برارنده ای دارد، معادن افغانستان منبع درآمد پولی خوبی را برای کشور تشکیل میدهد چنانچه معدن مس عینک در جهان از شهرت بالای برخوردار است. افغانستان کشور پهناوری است با منابع و معادن عالی و بزرگ که با استفاده از آن میتوان به رشد انکشافی کشور دست یافت. از جمله معادن کشف شده کشور تعداد آن استخراج گردیده و مورد بهره برداری قرار گرفته است که منبع درآمد خوبی برای کشور می باشد. یک تعداد آن هنوز هم بکر و دست نخورده باقی مانده است. معادن مهم کشور که ارزش آنها با معادن جهان برابری میتواند شامل: طلا، نقره، پلوتونیم و در کنار اینها به پیمانانه زیادی یورانیم،

1- قانون معادن، صفحه 12 ماده پنجم فقره اول.

2- قانون معادن، صفحه 12 ماده پنجم، فقره دوم.

3- قانون معادن، ص 12 ماده ششم، فقره اول.

4- البابرٹی، محمد بن محمد بن محمود، اکمل الدین أبو عبد الله ابن الشیخ شمس الدین ابن الشیخ جمال الدین الرومی البابرٹی (المتوفی: 786هـ)، العناية شرح الهدایة، الناشر: دار الفکر، ج2 ص233.

جست، تانتالیوم، بوکسیت، گاز طبیعی، نمک، سنگ آهن، مس، کروم، فلئور، باریت، سلفر، خصوص زغال سنگ که به دلیل کمبود و کم کیفیت بودن معادن آن در کشور های همجوار و بیرون قاره ای این معدن توجه تمام جهان را به خود جلب نموده است.¹

مهمترین ذخایر معدنی شناخته شده در افغانستان:

۱- **الماس:** الماس دارای سختی، شفافیت و مقاومت زیادتر بوده و رنگ آن شفاف میباشد. به عقیده جیولوژیست ها الماس در افغانستان در ولایات چون بدخشان، مناطق مرکزی، منطقه لوگر و غوربند افغانستان امکان کشف دارد.

۲- **زمرد:** معدن زمرد در دره پنجشیر، در منطقه بادیل دره کنر، خنج، بزمال و مکنی وجود دارد.

۳- **لاجورد:** از جمله سنگ های نیمه قیمتی بوده و از زمانه های بسیار قدیم، در افغانستان استخراج گردیده است.

۴- **نقره:** ذخایر نقره (طلای سفید) افغانستان در بعضی مناطق کشور مشخص گردیده است. که در قدیم به صورت غیر فنی توسط مردم استخراج میگردید.

۵- **طلا:** طلا در افغانستان در نواحی متفرقه در دو طرف هندوکش وجود دارد، این ساحه وسیع از شمال فیض آباد الی کندهار در جنوب غرب کشور توسعه می یابد، معادن مهم طلا در یفتل، ویکادور، راغ بدخشان و مقر غزنی قرار دارد.

۶- **گاز طبیعی:** نفت و گاز از جمله مواد محروقاتی، تولید انرژی و حرارت است که در نقاط مختلف کشور ذخایر آن تثبیت شده است.

۷- **معدن زغال سنگ:** زغال سنگ از جمله منابع عمده تولید انرژی بوده، که از قدیم الایام مورد استفاده قرار میگیرد که از این جمله معادن انبوه از زغال سنگ الی فالحال فقط از دره صوف، آشپشته، سبزک هرات، کرکر و دوکش هرات استخراج گردیده و مورد بهره برداری قرار گرفته اند.

<https://pajhwok.com/fa/opinion/improving-afghanistans-economy-using-natural-resources--1/mines>

۸- **معادن مس:** معادن مس عینک که از جمله بهترین معادن مس در جهان شمرده شده است در جنوب شرق شهر کابل موقعیت دارد. ذخایر تخمینی آن در حدود ۴ میلیون تن و اندازه مس در آن از ۱/۲ تا ۱/۵ فیصد محاسبه شده است.

۹- **معادن آهن:** آهن از جمله فلزات قوی بوده که نیاز بیشتر مردم بر آن است. معادن آهن در مناطق مختلف کشور موقعیت داشته که از نگاه جنیست و کیفیت متفاوت میباشد و نظر به کیفیت خود در جهان جایگاه مهم را کسب نموده است.

۱۰- **یورانیوم (اورانیم):** یورانیوم از جمله منابع با ارزش طبیعی میباشد که در جهان استفاده موثر دارد، یکی از مهمترین منرال های کشف شده یورانیوم بوده افغانستان فیصدی قابل تعمق از یورانیوم را در معادن خویش دارا میباشد¹.

معادن افغانستان به این چند معدن محدود نگردیده بلکه تعداد آنها زیاد است به گونه مثال مهمترین آن ها ذکر گردید. افغانستان را از نگاه داشتن معادن میتوان ثروتمندترین کشور جهان دانست در صورت استفاده درست و استخراج قانونی این معادن افغانستان به یک کشور خود کفا و مقتدر مبدل خواهد شد.

د : وجوه مصارف معادن.

وجوه مصارف آن مانند زکات است، معادن مانند زکات در وجوه مشخص به مصرف میرسد. معادن به مانند غنیمت است که در مصالح مسلمانان به مصرف میرسد. مصرف معادن مانند مصرف زکات است بعضی گفته اند مصرف آن مثل مصرف فی است.²

ه: مقایسه بین معادن و عواید معاصر در افغانستان.

- ✓ خمس معادن در مصالح مسلمانان ویا پروژه های عام المنفعه به مصرف میرسد، مالیات نیز در مصالح مردم و پروژه های عام المنفعه به مصرف میرسد.
- ✓ خمس معادن حکومت اخذ می کند هم چنان مالیات را حکومت از مردم اخذ می کند.

¹--<https://pajhwok.com/fa/opinion/improving-afghanistans-economy-using-natural-resources--1>

/mines

²-الماوردي، الحاوي الكبير. ج3ص345. الزحيلي، الفقّه الإسلامي وأدلّته ج3ص1854.

✓ حکومت از خمس معادن مصارف حکومت داری خود را تأمین می کند هم چنان از مالیات معاصر در افغانستان مصارف حکومت داری تأمین می گردد.

مطلب چهارم : رکاز

الف : تعریف رکاز.

به نزد مذاهب سه گانه غیر از احناف : رکاز عبارت از اشیای دفن شده دوران جاهلیت می باشد.¹

احناف: (کنز) آن مال است که انسان ها او را در زمین دفن کرده باشند.² رکاز اسم مشترک برای معدن و کنز است.³

رکاز آن است که انسان ها آنرا در زمین دفن کرده باشند و معدن آن است که الله متعال آنرا در زمین خلق کرده است. اما احناف بین معدن و رکاز فرق قایل نشده اند، و معدن را جزء از رکاز می دانند.⁴

ب : مشروعیت رکاز.

حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: "الْعَجْمَاءُ عَقْلَهَا جُبَارٌ، وَالْبَيْرُ جُبَارٌ، وَالْمَعْدِنُ جُبَارٌ، وَفِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ"⁵ آنچه حیوانی تلف کند، صاحب حیوان ضامن آن نیست. و کارگر چاه که در آن بیفتد و جان خود را از دست بدهد، کسی در قبال آن ضامن نیست و کسی که در معدن کار می کند و جان خود را در آن از دست می دهد، کسی ضامن آن نیست. و در گنج هایی که پیدا می شود، خمس وجود دارد.

دلیل شخص گنج را پیدا کرد علی بن ابی طالب بر او امر کرد که خمس آنرا بالای فقراء و مساکین صدقه کند. یک شخص در منطقه خارج از مدینه یک هزار دینار دفن شده ار پیدا کرد، آن را پیش عمر بن الخطاب خلیفه دوم اسلام آورد، امیر المؤمنین دوصد دینار آنرا گرفت و در بین کسانی که در همان وقت حضور داشتند تقسیم نمود چند دینار ویا چیز از آن دوصد دینار باقی

1- اللخمي، علي بن محمد الربيعي، أبو الحسن، المعروف باللخمي (المتوفى: 478 هـ)، التبصرة، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية-قطر ج3ص961..المغني.ج3ص48.

2- كاساني، بدائع الصنائع ج2ص65.

3- الشيباني، أبو عبد الله محمد بن الحسن الشيباني (المتوفى: 189 هـ)، الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير، الناشر: عالم الكتب-بيروت، ج1ص133.

4- بشار حسين العجل، الخراج والضريبة المعاصرة. ص540.

5- صحيح البخاري ج9ص12. شماره حدیث 6913.

مانند، حضرت فرمودند چه شد صاحب دنانیر این مرد از جای خود برخاست امیر المؤمنین گفت: بگیر این دینار ها از تو.¹

اگر وجه مصرف خمس مثل وجه مصرف زکات می بود، باقی مانده دینارها را به واجد و پیدا کننده ان نمیداد و دیگر اینکه خمس رکاز بالای ذمی نیز لازم است در صورتیکه زکات بالای آن واجب نیست.

ج : شروط استفاده از رکاز.

در جای که رکاز و یا گنج پیدا می شود:

1- در زمین موات " زمین بوره بدون وارث و خارج از اختصاص و ملکیت" و یا زمین که صاحب آن معلوم نیست و یا در راه که از آن استفاده صورت نمی گیرد و یا در قریه ای که ویران شده، رکاز پیدا شده به یابنده و واجد آن تعلق می گیرد بنا بر حدیث رسول الله . در آن گنج و رکاز خمس است.²

2- رکاز در ملک پیدا می شود که برای فرد دومی انتقال کرده است آن گنج از صاحب اولی همان ملکیت می باشد. زیرا گنج را کسی مالک نمی شود به مالک شدن خانه و یا زمین بخاطر اینکه آن گنج از اجزای زمین شمرده نمی شود. اگر مالک اولی ادعا کرد که این مال پیدا شده از من است قول آن پذیرفته می شود بخاطر اینکه همان ملکیت تحت تصرف او قرار داشت.³

3- گنج از یابنده است و تعلق به زمین ندارد، زیرا آن تابع زمین و از اجزای آن نمی باشد، رکاز پیدا شده مانند شکار و گیاه خود رو است، هر کس که به آن دست پیدا کرد او مالک همان است.

4- اگر شخص مسلمان در دارحرب به رکاز دست پیدا می کند آن متعلق به واجد او می باشد در صورتیکه از دیگران بخاطر حصول رکاز کمک نخواهد و به تنهایی آنرا بدست آورد، و اگر به کمک دیگران آنرا حاصل نمود حکم آن مانند مال غنیمت است.⁴

1- ابو عبید، الاموال ص 351.

2- النووي أبو زكريا محبي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ) روضة الطالبين وعمدة المفتين. ج 2 ص 287. وابن قدامة، المغني ج 2 ص 613.

3- الموصلي، الاختيار لتعليل المختار، ج 1 ص 117. السعدي المالكي، عقد الجواهر الثمين، ج 2 ص 335.

4- ابن القدامة المقدسي، ابو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الكافي في فقه الامام احمد ج 1 ص 409.

د : فرق بین رکاز و لقطه. لقطه یا یافته های قیمتی

1- تعریف لقطه :

لقطه آن مال است که در روی زمین پیدا شود و مالک آن غیر معلوم باشد.¹
گرفتن مال لقطه از سه حالت خارج نیست : مستحب ، مباح و حرام می باشد.
حالت اول: واجد لقطه خوف ضایع شدن آنرا حس کند و یا در عدم اخذ لقطه آن مال ضایع شود
درین صورت گرفتن و رساندن آن به صاحبش بهتر از ترک او می باشد.
حالت دوم: خوف ضایع شدن آن نباشد آنرا می گیرد و به صاحبش تسلیم می دهد .
حالت سوم : اخذ نمودن لقطه و تصرف کردن در آن حرام است. این چین گرفتن مال غیر به
وجه غیر مشروع می باشد.²

2- فرق میان لقطه و رکاز:

- ✓ مال رکاز دارای علامت جاهلیت می باشد مانند نام پادشاه، عکس پادشاه اسم بت و یا عکس بت در آن باشد آن رکاز است.
- ✓ مال لقطه دارای علامات اسلامی می باشد مانند: اسم الله و یا هم آیه از قرآن کریم و یا است رسول الله و هم چنان اسما خلفاء راشدین در آن حک شده باشد آن لقطه است.
- ✓ رکاز آن است که صاحب آن بخاطر حفاظت از او آنرا دفن کرده باشد.
- ✓ لقطه آن است که از نزد صاحب آن مفقود شده باشد.

ه : مقدار واجب در رکاز.

علماء اتفاق نظر دارند براینکه در رکاز خمس واجب است، کسی که رکاز را درمیابد و یا پیدا می کند خمس آنرا دولت اسلامی می گیرد و چهار حصه دیگر آن از واجد او می باشد.
قول اول : رکاز که در آن خمس واجب می شود از جمله طلا ، نقره، مس و ظروف که این این ها باشد باید باشد.³ دلیل وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ. ترجمه: و در گنج هایی که پیدا می شود، خمس وجود دارد.

1- الجرجانی، علی بن محمد بن علی الزین الشریف الجرجانی (المتوفی: 816هـ)، کتاب التعریفات، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان، ص193.

2- الکاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج5 ص295.

3- النووی، المجموع، ج6 ص102. ابن قدامه ج2 ص615.

قول دوم: گنج و رکاز که در آن خمس واجب می شود فقط طلا و نقره است.¹
اکثریت علماء به این نظر اند که در گنج نصاب و حول شرط نیست، حین بدست آوردن آوردن آن خمس واجب می شود.²

جمهور علماء بر این نظر اند که خمس رکاز بالای هر فرد که آنرا میابد واجب است، فرق نمی کند که واجد آن ذمی و یا مسلمان باشد غلام و یا آزاد باشد، بزرگ سال و یا طفل در پرداخت خمس آن عاقل و مجنون نیز در آن یکسان اند.³ دلیل: وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ. ترجمه: و در گنج هایی که پیدا می شود، خمس وجود دارد. امام مالک می گوید: در مورد که اختلاف در بین مانعست و از اهل علم شنیدیم که می گویند: رکاز آن چیزی است که از دفن جاهلیت باشد که در بدست آوردن آن به مال نیاز نشود و جهد زیاد نیز در حصول آن صورت نگیرد اگر بخاطر حصول آن نیاز به مصرف پول و کار بشری باشد آن رکاز نیست.⁴
اما خمس رکاز وجه مصرف آن مانند وجه مصرف زکات نیست، و آن مانند خمس غنائم است که برای اغنیاء و دیگر مردمان جواز دارد.⁵

خمس رکاز برای ثروتمندان و اغنیاء حلال است مانند خمس غنائم، در قدم نخست در پرداخت آن از فقراء شروع شده یعنی در توزیع آن اولویت به فقراء داده می شد پس از آن به دیگران نیز داده میشود.⁶

و: مقایسه بین رکاز و عواید معاصر در افغانستان.

- ✓ مقدار واجب (خمس) در رکاز را شریعت تعیین نموده بر خلاف مالیات معاصر که مقدار آن طبق قوانین هر کشور تعیین می شود.
- ✓ مالیات معاصر از تمام ساکنین یک کشور گرفته می شود بر خلاف رکاز که خمس او از واجد آن اخذ می گردد.

1- السعدي المالكي، أبو محمد جلال الدين عبد الله بن نجم بن شاس بن نزار الجذامي السعدي المالكي (المتوفى: 616هـ)، عقد الجواهر الثمينة في مذهب عالم المدينة ج1 ص237.
2- بن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379. ج3 ص364.
3- الكاساني، بدائع الصنائع ج2 ص65. النووي، المجموع ج6 ص91. ابن قدامة، المغني ج2 ص616.
4- ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ)، الاستذكار. المتوفى 463 هجری، الناشر: دارالكتب العلمية- بيروت - الطبعة الاولى 1421 هجری. ج3 ص147.
5- العبدري الغرناطي، محمد بن يوسف بن ابی قاسم بن يوسف العبدري الغرناطي المالكي، المتوفى 897 هجری، التاج والاكلیل لمختصر خليل، الناشر: دارالكتب العلمية- الطبعة الاولى 1416 هجری. ج3 ص215.
6- اللخمي، علي بن محمد الربيعي، ابو حسن المعروف بالخمى، المتوفى 478 هجری، دراسة وتحقیق: الدكتور احمد عبدالكريم نجيب- الناشر: وزارة الاوقاف والشئون الاسلاميه. قطر. الطبعة الاولى 1432. التبصره ج3 ص993.

مبحث دوم : حکم مالیات شرعی

شریعت اسلامی از ابتدای تأسیس حکومت اسلامی بر پرداخت مال به نیازمندان به عنوان یکی از عبادات مهم تأکید کرده است. زکات اموال غنائم، جزیه ، خراج، عشور، صدقات نفلی از منابع مالی حکومت اسلامی اند. تعدادی از این اقلام همانند مالیات بدون آنکه در مقابل خدمت خاص باشند، سالیانه یا در زمان خاص پرداخت می شوند، مانند زکات، جزیه، عشو... دریافت می شوند. همچنین برخی به سبب وقوع خطا یا گناه بر شخص واجب می شوند، مانند نذر و یا کفارات.¹

درآمد های دولت اسلامی در زمان آن حضرت صلی الله علیه وسلم غنائم، صدقات و جزیه که در مقابل صلح از اهل کتاب اخذ می گردید بود. غنائم به خمس تقسیم می گردید چهارم حصه خمس بین غنمین و خمس آن به رسول الله تعلق می گرفت. اموال بدست آمده از جزیه در جهاد و آمادگی های جنگ و دیگر مصالح عامه مسلمانان به مصرف می رسید. در زمان خلیفه اول حکومت داری به همین منوال به پیش میرفت ، وقتیکه دایره اسلام وسعت پیدا کرد در عهد عمر بن الخطاب مسلمانان به کمک الله متعال سرزمین شام، مصر، و فارس را فتح نمودند، درآمد های دولت اسلامی رو به افزون گردید، درین وقت امیر المؤمنین با ابتکار و نوآوری دیوان مخارج دولت را تهیه و ترتیب نمود که بدین ترتیب مستحقین و اندازه مال که مستحق میشوند وهم چنان وقت پرداخت مال برای آنها در دیوان ثبت نمود.²

بعد از حکومت خلفای راشدین حالت مردم تغییر کرد، مردم از زنده گی صحرا نشینی و بدوی به شهر نشینی و مدنیت روی آوردند، خلافت به ملوکیت تغییر کرد، مصارف خلفاء، حکام و سایر مسئولین درجه اول زیاد شد، جنگ های داخلی زیادی دامن گیر مسلمانان شد (اموی ها، هاشمی ها و خوارج) درین صورت حکام از روش جمع آوری درآمد های شرعی بیرون شده دست ها به جور و ستم به جمع آوری مال به گونه غیر مشروع دراز گردید که باعث ناخشنودی و خستگی مردم گردید. جزیه و خراج را نیز درین حکومت ها بالای اهل آن زیاد کردند که این با عهد و پیمان بسته شده در تناقض قرار داشت ، اضافه بر این بالای زمین های مخروبه که از آن سود برده می شود مالیات وضع گردید وهم چنان هدیه نروزی بالای اهل ذمه وضع شد.³

1- رضایی، مقدمه ای بر مالیات عمومی ص 72.

2- مصدر سابق ص 148.

3- خلاف، السیاسة الشرعية في الشئون الدستورية والخارجية والمالية ص 151.

با توجه به اهداف بسیار متنوع اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب های دیگر، دولت برای تأمین مخارج مالی خود، به درآمدهای گوناگونی نیاز دارد که مالیات به عنوان یکی از مهم ترین راه های درآمد دولت، در رسیدن به این اهداف، اهمیت خاصی دارد.

مطلب اول تعریف، مشروعیت و شروط مالیات شرعی

الف : تعریف مالیات شرعی.

اسم ضریبه و مالیه که امروز علماء تعریف نموده اند به این اسم و تعریف در عصر اولی اسلام معروف نبود بلکه بنام های مختلف که نزدیک به این مفهوم بوده آورده اند. وظائف، نوائب، جبايه، خراج و غیر این ها.

در تاریخ این خلدون از مالیات به نام های وظائف و زرائع نام برده شده است. هنگامیکه زرائع و وظائف (مالیات) بالای اتباع کشور کم شود مردم برای کار فعال می شوند و رغبت به آن پیدا می کنند، پس عمران و آبادی زیاد می شود¹

ابن عابدین² به نام نوائب یاد نموده (بسیاری از نوائب در زمان ما بطریقه ظلم است).³

در زمان ما اکثر نوائب به ظلم گرفته می شود.⁴

عبدالقیوم زلوم مالیات را چنین تعریف نموده است : مالیات عبارت از اموال است که الله متعال بالای مسلمانان واجب گردانیده که آن را در نیاز ها و ضرورت ها به مصرف برسانند در صورتیکه در بیت المال مسلمانان مال وجود نداشته باشد.⁵

ب : مشروعیت مالیات شرعی.

بنا بر ضرورت و مصلحت دولت اسلامی و مسلمانان وضع مالیات مشروع گردیده است. علماء امت اسلامی وضع نمودن مالیات را از اختصاصات امام مسلمین دانسته اند که اقوال بعضی از ایشان در مورد بیان می گردد.

1 - ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن محمد، ابن خلدون أبو زید، ولی الدین الحضرمی الإشبیلی (المتوفی: 808هـ)، تاریخ بن خلدون، الناشر: دار الفكر، بیروت ج1ص344.

2 - سوي فقيه حنفی احمد بن عبدالغنی بن عمر مشهور به ابن عابدین در سال 1238 هجری ق در دمشق متولد شده مسند قضاء را در بعضی شهرهای کوچک بدوش داشته، تصنیفات آن در حدود 20 کتاب و رساله است. وی در سال 1307 در مکان تولد خود دمشق وفات کرده است. (الاعلام للزرکلی، ج1ص152)

3- ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار ج2ص336.

4- مرجع سابق، ج5ص332.

5- زلوم. عبدالقیوم زلوم، الاموال فی دولة الخلافة ص135.

اگر در خزانه دولت مال وجود نداشت که کفایت مصرف عسکر را بکند و خوف نفوذ دشمن و داخل شدن آن در سرزمین اسلامی بود و یا احتمال خیزش داخلی از اهل شر بود درین صورت جواز دارد که امام مسلمین بالای ثروتمندان مقدار مال که کفایت مصارف جنود، و نظام امور نیز محفوظ بماند مالیه وضع می کند.¹

امام مسلمانان در صورتیکه نیاز به تجهیزات نظامیان غرض مقابله با مشرکین و آزاد سازی اسیران نیار به مال داشت و در بیت المال مالی وجود نداشت طاعت امام درین امر که بالای مردم مقدار پول وضع می کند واجب است.²

معمولا دولتها برای تأمین درآمد مورد نیازشان، مالیاتهای گوناگونی وضع می کنند. نیز بر حسب مقدار هزینه های دولت، مبنای مالیات و مقدار آن تغییر می کند. مالیاتها افزون بر تأمین درآمد برای دولت، وسیله مناسبی برای سیاست گذاران در توزیع درآمد است. دولت اسلامی هم با در دست داشتن انواع مالیاتهای متغیر و ثابت، ضمن تأمین درآمد مناسب، می تواند سیاست گذاری مناسب انجام دهد؛ البته یگانه راه توزیع مجدد درآمد، اخذ مالیات و صرف آن در موارد لازم نیست. دولت اسلامی با بهره مندی از مالکیت یا در اختیار داشتن منابع طبیعی می تواند برای بر طرف کردن مشکلات توزیع درآمد از آن منابع استفاده یا واگذار کند یا بفروشد و یا اجاره دهد؛ از این رو ابزار های توزیع درآمد مجدد متعددی در اختیار دولت اسلامی است که در اختیار دیگر دولتها سرمایه داری نیست.³

پس هدف از وضع مالیات استفاده سوء از دارائی های ثروتمندان و قضا بر ممتلكات آن ها باشد بلکه غرض آن شریک ساختن آن ها در تحمل تکالیف مالی عام مردم است تا اینکه آن ها فقط از نعمت های فراوانی بهره مند شوند در حالیکه گروه دیگر از مردم به سبب گرسنگی هلاک شوند.⁴

حکومت اسلامی بخاطر مصارف و نفقات حکومت داری به منابع و اموال نیاز دارد، در صورت عدم منابع ثابت حکومت به چالش های جدی مواجه خواهد شد، درین حالت وضع مالیات بخاطر مصارف حکومتی نیاز و ضرورت جدی می باشد که امام مسلمین بالای طبقه ثروتمند مقدار از مال وضع نماید.

1- غزالی، المستصفی ج 1 ص 436.

2- همان مرجع ج 2 ص 222.

3- رضایی، مقدمه ای بر مالیات عمومی ص 67.

4- حسن ابراهیم حسن، کتاب النظم الاسلامیة مكتبة النهضة المصرية، تاریخ النشر 1939 هجری. ق. ص 152-153.

مطلب دوم انواع مالیات شرعی

الف : مالیات اصلی.

مراد از مالیات اصلی آن عواید است که در شریعت اسلامی اصل و اساس داشته باشد، بالاخص در عصور اولی اسلام مانند: جزیه خراج و عشور...¹

ب: مالیات استثنائی.

مالیات استثنائی آن است که ولی امر مسلمین غرض رفع مشکلات اضطراری دولت مبلغ معین را بالای اغنیاء وضع می نماید، با برطرف شدن چالش ها و مشکلات حکومت این مالیات نیز بر داشته می شود.²

نظریات علماء درین مورد:

1- حدیث "إن في المال حقاً سوى الزكاة". بسیاری از علماء به این نظر اند که در مال مسلمان بدون از زکات حق دیگری نیز ثابت می شود.³

گروه از صحابه کرام مانند ابوذر غفاری به این باور اند که بدون از زکات در اموال مسلمانان حق دیگری نیز وجود دارد.⁴

گفته شده که حق دو نوع است، حق که الله متعال آنرا بالای بنده گان واجب گردانیده است و حق دیگری که بنده گان نفس خود را به آن ملزم می دانند.⁵

مالیات از جمله حق دومی است که انسان خود را به پرداخت آن ملزم می داند.

2- ابن حزم⁶ در محلی چنین تحریر داشته است ضحاک بن مزاحم این نوع مالیات را جائز نمی داند و می گوید: زکات تمام حقوق که در مال بود نسخ کرده است.¹ یعنی با فرضیت زکات همه حقوق های که در اموال ثابت شده بود جنبه الزامیت و وجوبیت آن برداشته شده است.

1- مصطفی خلیل احمد، سن الضرائب فی الشریعة الاسلامیة ص199.

2- همان مرجع ص199.

3- البرزماوی، شمس الدین البرزماوی، أبو عبد الله محمد بن عبد الدائم بن موسی النعمی العسقلانی المصری الشافعی، (المتوفی: 831 هـ)، اللامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح، الناشر: دار النوادر، سوریا، الطبعة الأولى، 1433 هـ ج3 ص430.

4- بن العربی المعافری، القاضی محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربی المعافری الاشبیلی المالکی (المتوفی: 543 هـ) المسالك فی شرح مؤطاً مالك، الناشر: دار الغرب الإسلامی ج4 ص53.

5 المبارکفوری، أبو العلاء محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری (المتوفی: 1353 هـ)، تحفة الأحمدي بشرح جامع الترمذی، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت ج3 ص263.

6- أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم، اصلاً از فارس است، از پدر کلان در اندلس آمدند، روز چهارشنبه قبل از طلوع 384 در قرطبه چشم به جهان گشود، حافظ و عالم به علوم حدیث بود، احکام را از کتاب و سنت اخراج می کرد، ابتداء شافعی المذهب بود، سپس مذهب ظاهریه را اختیار نمود، دارای تصنیفات زیادی است، که تعداد آن 400 جلد می رسد، برخی کتاب های وی قرار ذیل است، "الإحكام لأصول الأحكام" الفصل في الملل في الاهواء والنحل، در سال 456 وفات نموده است. (وفیات الاعیانف ج3 ص325)

بعد از ملاحظه دیده می شود که وضع مالیات استثنائی جواز دارد و در صورتیکه دیگر موارد و عائدات خلاء اقتصادی دولت را تامین کند و نیاز به وضع مالیات استثنائی نباشد وضع چنین مالیات حرام می باشد.

قیود ضرائب استثنائی :

1- حقیقتاً نیاز و ضرورت به وضع آن باشد، مثال دفاع از سرزمین اسلامی و دور کردن گرسنگی از مسلمانان، و عقب زدن تجاوز گران در سرزمین اسلامی.

2- بیت المال مسلمین از پول خالی شده باشد.

3- این مالیات فقط بالای اغنیاء وضع می شود. وضع مالیات بالای توانمندان و اغنیاء باشد، قسمیکه زکات بالای افراد قادر و توانمند واجب می شود همین قسم مالیات نیز بالای توانمند ها وضع گردد.

4- وضع مالیات بعد از مشوره فقهاء و اهل اختصاص صورت می گیرد. اقتصاد دانان و اهل شورا بعد از دقت و نظر در مورد حاجت و نیاز حکومت و هم بررسی احوال و توانمندی و عدم توانمندی مردم در پرداخت مالیات علاوه بر آن بیان وجه شرعی آن از جانب اهل شورا و فقهاء تصمیم به وضع مالیات اتخاذ می گردد.²

امام قرطبی می فرماید : در آن مواردیکه حکام نمی دانند و یا آگاهی ندارند واجب است بر ایشان که از علماء مشوره بگیرند.³

5- عدالت در وضع مالیات استثنائی مراعت شود. باید در وضع مالیات اصل عدالت مراعت گردد، بحیث که بالای تمام افراد و اشخاص بدون استثناء یکسان وضع گردد؛ و مالیات که وضع می شود توان مالی افراد که اصل پرداخت کننده هستند مراعات شود⁴ الله متعال می فرماید: { لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا }⁵ تمام تکالیف شرع بنا بر توانمندی و مسئولیت پذیری می باشد.

1- ابن حزم الظاهری، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم الأندلسی القرطبی الظاهری (المتوفی: 456هـ)، المحلی بالآثار، الناشر: دار الفکر-بیروت ج4 ص283.

2- بشار حسین، لضربية المعاصرة ص244.

3- القرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج4 ص250.

4- بشار حسین، الخراج والضريبة المعاصرة ص215.

5- البقرة: 286.

6- در صورتیکه معضله و مشکل زائل شود مالیه وضع شده هم برداشته میشود. مالیات وضع شده موقت باشد هنگامیکه ضرورت و نیاز حکومت مرفوع گردد، التزامات مالی وضع شده برداشته شود.¹

7- ولی امر مسلمانان آن را وضع نماید، هر شخص نمی تواند که به تصمیم و اراده خود بالای مردم مالیات وضع نماید، وضع مالیات از صلاحیت های امیر مسلمانان است زیرا آن بنا بر مصلحت و حین ضرورت بالای افراد التزامات مالی وضع می نماید.²

مطلب سوم: مقایسه بین مکوس و مالیات شرعی

تعریف مکس: مکس بمعنی نقص است زیرا پول که از مردم گرفته می شود نه قانونی بوده و شرعی نیز نمی باشد پس در صورت اخذ آن از اصل سرمایه مردم کاسته می شود. صاحب مکس آن است که از مردم چیزی را می گیرد که شرعاً به پرداخت آن ملزم نیستند.³ جای شک نیست که این از جمله بزرگترین گناه به شمار میرود بخاطر اینکه این عمل غصب، ظلم، زیاده روی و اشاعه منکر است. مکس همان مالیه است که ماکس و یا اعوان ظلمه در وقت خرید و فروش از مردم اکراهاً و جبراً از مردم می گیرند. ماکس (باج گیر) در شرایط فعلی که زورمندان از هر صاحب حرفه باج گیری می کردند همین معنی را افاده می کند. مکس جمع کردن مال بدون وجه حق کار ظالمانه است.

در مورد ماکس و عید شدید آمده است. عن عقبه بن عامر (رضی الله عنه) قال: سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول: "لا یدخل الجنة صاحب مکس" ⁴ صاحب مکس داخل جنت نمی شود.

مکس از جمله قبیح ترین معاصی و گناه کبیره و هلاک کننده به شمار میرود.⁵ از جمله عادات جاهلیت گرفتن دراهم از فروشنده های کالا ها در بازار های جاهلیت بود که بنام مکس گرفته می شد.¹

1-القره داغي،بحوث في فقه المعاملات المالية المعاصرة ص58.

2-ابو الفتوح، الحرية الاقتصادية واثرها في التنمية الاقتصادية ص149.

3- الايتوبي الولوي، محمد بن علي بن آدم بن موسى، البحر المحيط الشجاع في شرح صحيح الامام مسلم بن الحجاج، الناشر: دار ابن الجوزي، الطبعة الاولى، ص510.

4 سنن ابي داود.ج4ص562.

5- النووي،ابو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف المتوفى 676 هجري، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج،الناشر: دار احياء التراث العربي- بيروت، الطبعة الثانية 1392 هجري قمرى.ج11ص203.

هنگامیکه مسلمانان به قصد تجارت به بازار های کفار می رفتند از اموال مسلمانان نسبت به مال نصرانی اضافه تر مکس گرفته می شد، اکثریت تاجران مسلمان از خوف اینکه از ایشان اضافه ستانی در اخذ مکس نشود، مال خود را به اسم تاجر نصرانی عرضه می کردند.² در مصر قدیم نیز مکس رایج بود از هر 100 دینار 45 دینار گرفته می شود.³ ملوک عرب از بازار ها و از تجار های که از طریق بحر و یا خشکه تجارت می کردند مکس می گرفتند.⁴

مردم در عراق از هر آنچه که به فروش می رساندند مکس پرداخت می کردند و پرداخت مکس بستگی به قیمت مال داشت مکس اضافه و کم می شد بنا بر فروش و دارم فروشنده گان.⁵

مقایسه بین مکوس و مالیات.

✓ مکس نوع مال است که از مردم گرفته می شود مالیات نیز مال است که بالای مردم وضع می گردد.

✓ مکس نوع مال است بدون وجه حق بطور ظلم گرفته می شود. مالیات مال است که در وضع واخذ آن از ظلم اجتناب ورزیده می شود

✓ مکس را افراد بالای اموال تجار وضع می کنند بر خلاف مالیات، مالیات را ولی امر مسلمانان وضع می کند.

✓ شریعت اسلامی اخذ مکس را ممنوع اعلام داشته. برخلاف مالیات که شریعت بنا مصلحت اخذ آن را جواز پنداشته است.

1- الافغانی، سعید بن محمد بن احمد المتوفی 141، اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام ج1ص56.
2- ابن حجر العسقلانی، انباء الغمر بابناء العمر، محقق: د. حسن حبشی، الناشر: لجنة احياء التراث الاسلامی مصر، ج3ص403.
3- دمشقی المعروف بابی شاحه، ابوالقاسم شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراهم المقدسی المتوفی 665هجری، الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، محقق ابراهم الزبیبی، الناشر: موسسه الرساله - بیروت الطبعه الاولى ج1ص38.
4- علی جواد، المتوفی 1408، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، الناشر: دار الساقی، ج9ص312.
5مصدر سابق ج14 ص161.

فصل سوم

مالیات معاصر و تطبیق آن با قوانین افغانستان و بیان حکم آن از دیدگاه شرع.

مبحث اول: نظام مالیاتی معاصر

مطلب اول : تعریف مالیات معاصر

مطلب دوم : اهداف مالیات معاصر

مطلب سوم : شروط مالیات معاصر

مطلب چهارم : تاثیرات عواید مالیاتی بر اقتصاد

مطلب پنجم : تطبیق مالیات و محدودیت های آن

مبحث دوم: نظام مالیاتی در افغانستان

مطلب اول : تاریخچه مالیات در افغانستان

مطلب دوم : انواع مالیات در افغانستان

مطلب سوم : نقش مالیات در اقتصاد افغانستان

مطلب چهارم : معافیت مالیاتی و بیان موقف شریعت اسلامی از آن

مطلب پنجم : تخلفات مالیاتی " فرار مالیاتی " و بیان موقف شریعت اسلامی از آن

مطلب ششم : موانع فرا راه نظام مالیاتی افغانستان

مبحث اول : نظام مالیاتی معاصر

یکی از مهم ترین طرق تامین مخارج دولت جمع آوری انواع مختلف مالیات است، با توجه به مقایسه این منبع مهم تامین مالی با سایر منابع می توان گفت، هرچند سهم مالیات ها در تامین مخارج دولت بیشتر باشد از آثار نا مطلوب اقتصادی کاسته می شود. در کشور های پیشرفته بر خلاف کشور های در حال توسعه که مالیات ها نقش ناچیزی دارند. تقریباً تمامی مخارج دولت از این طریق تامین می شود.¹

مالیات قبل از شریعت اسلامی وجود داشت، مگر به گونه دیگر، بالای فقراء وضع می گردید و هدف آن مصالح قشر ثروتمند و صاحب رسوخ بود، اگر فقراء از پرداخت مالیات عاجز می بودند در عقب میله های زندان می افتیدند، ویا اینکه مباح الدم می گردیدند تا اینکه برای دیگران عبرت شوند.² در زمان حکومت اسلامی بر عکس آن شد؛ پول از ثروتمندان گرفته شود و به فقراء و مستحقین داده شود، یعنی بخاطر مصالح فقراء از اغنیاء ضریبه و مالیه گرفته می شود. که این شیوه معنی تعبدی را در خود دارد. اسلام بنا بر گرفتن زکات، مالیات و دیگر وجوه مالی عدالت اجتماعی را اساس گذاشت.³

مالیات نتیجه انکشاف تاریخی طولانی جوامع بشری بوده، مراحل مختلف تاریخی را پیموده است. مالیات هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی تابع تحولات گردیده است. مالیات به شکل ابتدایی آن همزمان با دولت ها ایجاد گردیده و در حقیقت منبع مهم عواید دولت ها بوده است.⁴

مطلب اول : تعریف مالیات معاصر

مالیات به حیث منبع اصلی در آمد دولت محسوب می گردد که توسط آن وظایف محوله خویش را انجام می دهد. معمولاً سهم عایدات مالیاتی در جمله کل عواید دولت در کشور های مختلف جهان به طور اغلب بیشتر از سایر در آمد های آن است. از آنجائیکه مالیات به حیث ابزار خیلی مهم در اجرای سیاست های اقتصادی کشور ها شناخته شده و از جمله متحولین است که استفاده از آن نه تنها بالای رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و غیره اثر می گذارد، بلکه در تخصیص منابع و

1- عارف، عبدالقیوم، اساسات امور مالی عامه، ص 83

2- مصدر سابق، ص 67.

3- همان مصدر، ص 68.

4- عارف، اساسات امور مالی عامه، ص 88.

توزیع در آمد نیز تاثیرات بسیار عمده و مهم را به بار می آورد. سهم مالیات از تولیدات ناخالص ملی را می توان مثال خوبی در رابطه به اثر بخشی سیاست های مالیاتی در اقتصاد نام برد.¹ هر چند برای مالیات هم مانند سایر پدیده های اجتماعی، دانشمندان متعدد تعاریف مختلف را متکی بر دلایل خودشان ارائه داشته اند؛ در جمع تعریف ارائه شده به آن پرداخته می شود:

الف : تعریف کلمه مالیه.

مالیه واژه عربی است که در زبان دری به معنای مختلفی نظیر، باج، خراج به کار رفته است. منظور از مالیات تقسیم مخارج عمومی بین افراد کشور و تعیین سهم هریک از افراد برای تأمین آن است.²

ب: تعریف مالیات در اصطلاح :

مالیات عبارت از پرداخت های انفرادی و اجباری بدون پاداش متقابل است که از اشخاص حقوقی و حقیقی بشکل یک بخش از ملکیت آن ها، فعالیت اقتصادی شان ویا از رهبری و سایل پولی شان جهت تأمین مالی فعالیت های دولت صورت می گیرد.³ نقطه اول درین تعریف معلوم می شود که مالیات در قدم اول جهت رفع نیازمندی های دولت ها اخذ می گردد.

نقطه دوم درین تعریف عبارت از تادیه اجباری مالیات است که همه افراد مکلف به تادیه مالیه باید آنرا مطابق مقررات دولت تادیه نمایند.

نقطه سوم خصوصیت مهم دیگر مالیات درین تعریف عبارت از بدون پاداش بودن آن است.

نقطه چهارم درین تعریف عبارت از موجودیت کنترل دولت از صورت پرداخت آن می باشد.⁴

ج : تعریف مالیات در قانون مالیات افغانستان

مالیه تادیه الزامی است که به منظور تقویه بنیه مالی دولت و رفاه عامه بدون انجام خدمت متقابل یا ارائه جنس از اشخاص حقیقی و حکمی طبق احکام این قانون اخذ می گردد.⁵

1- کریمی، عبدالکبیر کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان ص 13.

2- رحمانی، حقوق مالی ص 12.

3- عارف، عبدالقیوم عارف، اساسات امور مالی عامه ص 88.

4- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 27. عارف، اساسات امور مالی عامه ص 89.

5- قانون مالیات بر عایدات، ص. اول. ماده اول، فقره دوم.

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت یا بخشی از سود فعالیت های اقتصادی است که نصیب دولت می شود، زیرا ابزار و امکانات دست یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

مطلب دوم: اهداف مالیات معاصر

گاهی اوقات وضع مالیات اهداف سیاسی دارد. که این اهداف دو جنبه دارد: داخلی و خارجی
الف: جنبه داخلی؛ مالیات وسیله است که توسط آن نفوذ سیاسی خود را بالای مردم حاکم می سازد.

ب: جنبه خارجی؛ مالیات یک وسیله است که آنرا حاکم بخاطر اغراض سیاسی استفاده می کند، مانند معافیت بعضی اقلام تجاری را از کشور های خاص و یا اینکه بالا بردن تعرفه های گمرکی بالای واردات بعضی کشور ها.¹

مالیات که در کنار سایر افزارهای بودیجوی یکی از عمده ترین منابع درآمد دولت ها بشمار میرود در واقع یک رکن اساسی حکومت نیز بشمار رفته و در تدوین امور جامعه نقش مهم دارد. چنانچه بدون مالیات بحیث یک منبع اساسی درآمد، دولت یا حکومت نمی توان وظایف بنیادی اش را بشکل درست انجام دهد و حتی کافی نبودن درآمد، دستگاه حکومت از وظایفش باز میدارد و حتی می توان گفت در نهایت آن را فلج می نماید، یعنی حکومت یا دولت برای انجام وظایفی که به عهده دارد نیازمند منابع لازم عایداتی است که مالیات از جایگاه خاص برخوردار است. پس می بینیم که حکومت یا دولت برای بقاء و انجام وظایف اش نیازمند منابع لازم عایداتی است که مالیات در این زمینه از جایگاه خاص برخوردار است. در شرایط امروزی مالیات صرفا بمنظور اهداف و مقاصد مالی یعنی تأمین مخارج عامه وضع و حصول نمی گردد، بلکه بحیث یک تخنیک و وسیله مؤثر مداخلوی در اختیار دولت ها قرار داشته و در واقع با همین مالیات است که دولت ها بر علاوه اهداف مالی میتوانند اهداف سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی خویش را تطبیق و عملی نمایند.²

¹ - نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 26

² - رحمانی، حقوق مالی ص 8.

مطلب سوم: شروط مالیات معاصر

از نظر حقوقی نیز مالیات دارای شروط و اصولی هستند که امروزه همه کشورها به آن احترام می گذارند. این اصول برای حفظ حقوق مالیات دهندگان و دفاع از آنان در برابر اقدامات غیر قانونی است.

مهمترین این اصول عبارت اند:

- ✓ اصل لزوم مجوز قانونی برای اخذ مالیات
- ✓ اصل تساوی یا عدم تبعیض بین مؤدیان
- ✓ اصل محرمانه بودن اطلاعات
- ✓ اصل شخصی ساختن مالیات
- ✓ اصل دخالت

الف: اصل لزوم مجوز قانونی برای اخذ مالیات

به توجه به سوابق تاریخی زورگویی حکام و مامورین دولت به مردم برای دریافت مالیات اضافی اصل این است که مقدار مالیات وصولی باید بر مبنای قانون و روشن باشد. در افغانستان ماده 42 قانون اساسی چنین صراحت دارد هیچ نوع مالیه و محصول بدون حکم قانون وضع نمی شود. اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می گردد. قوانین اساسی و عادی کشورها ناظر بر آن است که هیچ مامور یا دستگاه دولتی حق ندارد درخواست مالیات غیر قانونی از مردم داشته باشد. در قوانین مختلف برای چنین ماموریتی مجازات پیش بینی شده است.¹

ب: اصل تساوی و عدم تبعیض بین افراد

از آنجا که در دورانهای مختلف بر مبنای میل حکام، افراد و گروه هایی از مالیات معاف می شدند لذا در قوانین اساسی و عادی کشورها این موضوع تصریح می شود که همه افراد در مقابل قانون و از جمله قانون مالیات برابرند. در قانون اساسی افغانستان نیز ماده 22 چنین صراحت دارد: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی میباشند. معافیهای مالیاتی نیز باید بر مبنای قانون باشد.²

¹- رحمانی، حقوق مالی ص 49.

²- رحمانی، حقوق مالی ص 50.

ج: اصل محرمانه بودن اطلاعات مالیاتی

حق تحقیق و تفحص مامورین مالیاتی آنها را بر اسرار حرفه و مالی موذیان مالیاتی آگاه می سازد. از آنجا که از افشای این اطلاعات ممکن است ضرر و زیانی متوجه مؤذیان شود، لذا قانونگذاران مامورین مالیاتی را از افشای اسرار مؤذیان بشدت منع کرده است و متخلفین به مجازات محکوم خواهند شد.¹

فقره دوم ماده نود و یکم قانون مالیات بر عایدات چنین صراحت دارد (معلومات مندرج فقره 1) این ماده و معلومات حاصله در رابطه به اظهارنامه محرم بوده و از طرف مؤظفین مربوط وزارت مالیه افشا نمی گردد. مگر به حکم قانون.²

د: اصل شخصی ساختن مالیات

این اصل به این معنی است که برای محاسبه و وصول مالیات از هر شخصی، وضعیت خاص وی از نظر هزینه ها مورد توجه قرار گیرد و فقط درآمد او ملاک تعیین مالیات واقع نشود. به عبارت دیگر دارندگان درآمد مساوی لزوما نباید مالیات مساوی پرداخت کنند؛ چون ممکن است دارای مصارف متفاوت باشند. در این اصل نوع درآمد و مخارج و ویژگیهای هر مالیه دهنده نیز باید در نظر گرفته شود. به عنوان مثال در اکثر نظامهای مالیاتی بین درآمد حاصله از سرمایه و درآمد ناشی از کار برقرار می سازند. مخارج افراد نیز علاوه بر مقدار درآمد آنان در تعیین مالیات آنان نقش دارد مثلا: افراد متأهل و دارای فرزند، مالیات کمتری از افراد مجرد که دارای همان مقدار درآمد هستند، می پردازند. بنابر این در نظر گرفتن ویژگی های شخص مالیات دهنده و مخارج وی در نظامهای جدید روشی است که از طریق معافیتهای مالیاتی برقرار می شود.

ه: اصل دخالت

امروز نظام مالیاتی یکی از بهترین ابزارهای دولت برای هدایت و رهبری اقتصاد است به این معنی که دولت با برقراری مالیات ها علاوه بر کسب درآمد، در امور اقتصادی نیز برای رسیدن به اهداف اقتصادی مداخله می کند. به عبارت دیگر با استفاده از روش های مالیاتی نظیر **بر** قراری مالیات، معافیت مالیاتی، کاهش یا افزایش نرخهای مالیاتی و امثال آن، می توان اقتصاد کشور را به مسیر مطلوب هدایت و به آن جهت داد. هدف از مالیات همیشه افزایش درآمد نیست

¹ - مرجع سابق. ص 51.

² - قانون مالیات بر عایدات، ماده نود و یکم.

بلکه دولتها در مواردی برای جلوگیری از برخی امور مثلا برای حفظ محیط زیست، اقدام به اخذ مالیات می کنند.¹

بمنظور تامین عدالت در مجتمعات اسلامی باید در وضع مالیات و اخذ آن شروط ذیل رعایت گردد.

1- گرفتن مالیه عادلانه باشد

باید مالیات بالای تمام مردم یکسان باشد، و حالات اقتصادی مردم رعایت گردد قسمی نباشد که بالای بعضی از مردم وضع شود و عده ای دیگر آنان از پرداخت مالیه مستثنی باشند و هم چنان باید در حد توان باشد که ملت توان پرداخت آنرا داشته باشد.

2- مالیات وضع شده در مصالح امت به مصرف برسد

از جمله شرط اساسی مالیات اسلامی این است که در پروژه های عام المنفعه به مصرف برسد که تمام مسلمانان از آن مستفید شوند. اما اگر مالیات بخاطر اهداف شخصی مسئولین دولت و یا مصارف افراد خاص وضع گردد، درین صورت جواز ندارد.² درحکومت های معاصر اکثریت اموال دولت را گروه خاص و افراد معین بطریقه غیر عادلانه به خرج می رساند که هیچ عدالت در آن مراعات نمی شود.

3- حاکم و یا امیر مسلمانان آنرا وضع نماید:

وضع نمودن مالیات از صلاحیت های امیر مسلمانان است هیچ فردی به تصمیم فردی خود نمی تواند که بالای مردم مالیه وضع نماید. در موارد مهم حاکم مسلمانان با اهل اختصاص مشوره می کند و یا هم درین موارد به اجتهاد نیاز است بنا براین حین وضع مالیات باید چندین موارد مدنظر گرفته شود:

- آیا نیاز است که مالیات وضع شود و یا خیر؟
- مقدار و وقت پرداخت مالیات مشخص شود، در تعیین مقدار وضعیت اقتصادی مردم رعایت شود.
- اصل عدالت رعایت شود.

¹- همان مرجع. ص 47

²-بشارحسین،الخراج والضریبة المعاصرة. ص 218

4- اهل شورا در مورد موافقه نمایند:

در مورد وضع مالیات علماء اقتصاد و اهل اجتهاد ابراز نظر نمایند، اقتصاد دانان به نیاز های حکومتی از دیگر مردم کرده خوب تراگاه اند، اهل اجتهاد و فقهاء کرام بخاطر وضع نمودن مالیات ابراز نظر نمایند. قسمیکه حضرت عمر رضی الله عنه در مورد زمین های سواد عراق با صحابه کرام مشوره نمود.¹

در ماده دوم قانون مالیات بر عایدات چنین آمده است (از کلیه عواید اشخاص حقیقی و حکمی در داخل و خارج کشور که از منابع افغانی بدست میاید و عوایدیکه مقیم افغانستان از منابع غیر افغانی و از خارج حاصل می نماید، طبق احکام این قانون اخذ میگردد).²

مالیات در کشور بدون در نظر گرفتن شروط معتبر اسلامی وضع گردیده که از تمام مردم بگونه یکسان اخذ می گردد، عدالت و مصلحت رعایت نشده وهم چنان موافقه اهل علم درین مورد گرفته نشده است.

هنگامیکه حاکم و یا ولی امر مسلمانان اقدام به وضع مالیات می نماید باید موضوع را با اهل اختصاص و علماء در میان بگذارد تا در مورد تکلیف شرعی و ضرورت کشور به جمع آوری مالیات و فق شریعت اسلامی ابراز نظر نمایند، بعد از موافقه ایشان به جمع آوری مالیات اقدام صورت گیرد.

مطلب چهارم: تاثیرات عواید مالیاتی بر اقتصاد.

دولت اسلامی به توجه به اینکه از منابع ثروت بر خوردار است اصلی ترین وظیفه اش در اقتصاد تامین عدالت اجتماعی است. از اهداف اصلی وظایف عمده دولت رفع فقر اقتصادی است.³

رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بهره مندی بیشتر از نعمتهای الهی و برخورداری از رفاه و آسایش و ایجاد رشد و توسعه اقتصادی در کنار دیگر اهداف می توان هدف تصمیم گیری و سیاست گذاری دولت باشد. جامعه اسلامی در ابتدای تشکیل روز به روز وضعیت بهتری برای مردم ایجاد می کرد. اموال عمومی به هر مقدار افزوده می شد، در بین افراد جامعه تقسیم می شد. در واقع، دوام دولت بدون وجود درآمدهای زیاد و سرمایه گذاری فراوان و تحقق رفاه عمومی صورت نمی گیرد. داشتن قدرت دفاعی در حدی که دشمن از حمله به کشور مایوس باشد، داشتن

1- بشار حسین ص 118.

2 - قانون مالیات بر عایدات، ماده دوم.

3- رضایی دوانی، مقدمه ای بر مالیات عمومی در اسلام ص 60.

مالیتهای زیاد برای توزیع بین نیازمندان و تحقق عدالت اقتصادی، گسترش امور زیر بنایی، تحقیقات و علوم و فنون که همه از اهداف اصلی تشکیل نهاد دولت است، بدون توسعه اقتصادی و افزایش رفاه عمومی و درآمدهای جامعه میسر نیست.¹

یکی از جنبه های این مفهوم و برداشت جدید در مالیات این است که مقدار مالیات جمع آوری شده باید با توجه به شرایط اقتصادی و نه بر اساس نیازهای مالی دولت تعیین شود.²

مطلب پنجم : تطبیق مالیات و محدودیت های آن

تکتیک های مالیاتی هر قدر هم کامل و بی عیب و نقص باشد باز هم به مواردی بر میخوریم که بشکلی از اشکال امکانات گریز اشخاص را که مکلف به پرداخت مالیات هستند فراهم میسازد. فرار از مالیات به مفهوم دقیق بیانگر آن است که شخص ملزم به پرداخت مالیات است ولی از تادیه آن سرباز زده و ابا می ورزد که در نتیجه ادارات مسئول را به اندازه میزان مالیه که باید پرداخت می شد به کسر و کاهش مواجه می گرداند. البته فرار از مالیات می تواند دو شکل عمده را احراز نماید یعنی می توان مطلق باشد و یا نسبی. با وجود مشابهتی که میان فرار از مالیات و جعلکاری و تقلب در مالیات وجود دارد این دو می توان از همدیگی تفاوت نیز داشته باشد یعنی اینکه در واقع مفهوم فرار از مالیات نسبت به تقلب و جعلکاری گسترده و وسیعتر را احتوا می کند. فرار از مالیات اشکال متفاوت را می توان احراز نماید مانند: فرار توام با تقلب، فرار بدون تقلب، فرار از طریق خلاء قانون و حتی فرار های قانوناً تنظیم شده و هم چنان قاچاق نیز یکی از اشکال خاص فرار مالیاتی را تشکیل می دهد.³

فرار توام با تقلب زمانی مطرح است که فرار و گریز از مالیات با نقض قانون، جعلکاری و تقلب توام باشد. دلیل مهم فرار و جعلکاری عدم کارایی نظام اجرایی مالیات و هم چنان عدم رعایت عدالت در قانون مالیاتی است.⁴

فرار بدون تقلب شخص مودی با قانون در فضای صلح و آشتی بسر میبرد و مسئولین جرمی را ببار نیآورده، زیرا چنان فرض می شود که قانون خودش زمینه فرار از مالیات را مساعد گردانیده است. فرار از طریق خلاء قانونی زمان مطرح می گردد که مؤدی از خلاء قانون جهت

1- رضایی دوانی، مجید مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام ص 48.

2- عارف و هژیر، پوهاند دکتور عبدالقیوم و پوهنیار عبدالولی. سیاست های مالی ص 71

3- رحمانی، حقوق مالی ص 63.

4 - پژوهان، دکتر جمشید پژوهان، اقتصاد بخش عمومی (مالیات ها)، ناشر: انتشارات جنگل، چاپ هشتم سال 1391. ص 123

فرار از تادیه مالیات استفاده نموده و باز هم مناقض هیچ مقررہ یا قانون مالیاتی عمل ننموده بناءً همانند فرار غیر قاچاقی هیچگونه مجازاتی او را تهدید نمی نماید. البته باید خاطر نشان ساخت که در اینجا فرار مالیاتی محصول اراده قانونگذار تلقی نمی شود، اما می توان گفت که اہمال آنرا بار میاورد.¹

قانون اساساً آرزومند است تا مانع فرار از مالیات گردد اما اینکه به این هدفش نایل نمی گردد مسئولیت را برای اشخاص در قبال ندارد. البته فرارهای قانوناً تنظیم شده این مفهوم را افادہ می نماید کہ مقنن در ارتباط پرداخت یک مالیه قسمی تجویز نموده باشد کہ تعددی از مالیه دهندگان یا ہم بخشی از عواید آنها از پرداخت مالیات بشکلی از اشکال شانه خالی نمایند.²

الف: تخنیک مالیه گذاری

تخنیک مالیه گذاری عبارت از یک نوع هنری است کہ توسط آن یک مفکرہ مالیاتی در ساحہ عمل به صورت موفقانہ تطبیق و عملی شده می تواند. تخنیک مالیه گذاری تمام تدابیری را احتوا می نمایند کہ برای تثبیت مکلفیت های مالیاتی حصول مالیه و کنترول مالیه اتخاذ می شوند. از نظر تخنیک مالیه باید سیاست مداران مالی قبل از وضع نمودن یک مالیه جدید خصوصاً در مواقع احتجاجات مالی فوق العادہ مثلاً در اوقات جنگ یا دورہ بعد از جنگ در مورد انتخاب نام مالیه سعی و دقت نمایند یا مالیه یک نام خوش آیند و مطلوب را دارا بوده واز نظر روانی تأثیرات مثبت را بالای ذهنیت مردم وارد نماید.³

ب: حدود مالیه گذاری:

حدود مالیه گذاری به این معنی کہ چه اندازہ مردم قابلیت تحمل پرداخت مالیات را دارا می باشد. حدود مالیه گذاری ہمیشہ یک کمیت ثابت نبوده بلکه نظر به شرایط زمان و مکان فرق می نماید. حدود تخنیکی و اقتصادی مالیه گذاری: حدود تخنیکی و اقتصادی مالیه گذاری به این معنی کہ مالیاتی را کہ دولت در یافت می نماید باید به یک تناسب معقول به عاید ملی و دارایی ملی قرار داشته باشد چون این تناسب نظر به شرایط اقتصادی، اجتماعی و طبیعی خاص هر مملکت فرق می نماید.⁴

1- رحمانی، حقوق مالی ص 63.

2- رحمانی، حقوق مالی ص 64.

3- عارف، اساسات امور مالی عامہ ص 98.

4- عارف، اساسات امور مالی عامہ ص 100.

از نقطه نظر تحلیل اقتصاد کل مالیه گذاری دریک مملکت نباید به پیمان صورت گیرد که تشکل سرمایه گذاری ها را محدود و ممانعت نماید. زیرا سرمایه گذاری ها امروز به حیث یک عامل مهم انکشاف اقتصادی بوده و با محدودیت یا ممانعت آن طبعاً رشد اقتصادی نیز نا ممکن می شود.¹

1- عارف، ساسات امور مالی عامه ص 103

مبحث دوم : نظام مالیاتی در افغانستان

سابقه اخذ مالیات توسط دولت ها، فیودالان و حکام محلی تاریخ طولانی دارد. انواع و طبقه بندی آن در عصر های مختلف و در کشور های مختلف از هم فرق داشته است. آغاز مالیات گیری را از قرون وسطی در ایتالیا میدانند که از آن جا به فرانسه و بعدا به آلمان نشات کرده است. در کشور ما افغانستان که یک کشور کهن سال است اخذ مالیات تاریخ طولانی دارد، حکام شاهان امراء و دولت ها و خوانین وملاکان چه عربی و عجمی وچه از خود و چه بیگانه برای تامین و تحکیم حاکمیت خویش انواع و اقسام مالیات را بر مردم تحمیل و اخذ نموده اند.¹

مطلب اول : تاریخچه مالیات در افغانستان

تاریخچه مالیات در افغانستان از قدیم الایام مروج بوده که توسط حکومت های وقت از مردم جمع آوری می گردید و اتباع کشور بنا بر عقاید دینی ، مذهبی و ملی شان این وجبیه اجتماعی را به شکل جنس یا نقد به هر نامی که بوده می پرداختند. از ایجاد وزارت مالیه و یا اداره مالیه در افغانستان در حدود 265 سال می گذرد. اولین وزارت مالیه در افغانستان سال 1125 هجری شمسی در وقت سلطنت احمد شاه بابا که در آن وقت وزیر مالیه بنام دیوانبگی یا مستوفی یاد می شد در تشکیل دولت ایجاد گردید.²

مالیه که از مدرک مهم عواید دولت محسوب می گردد در طول تاریخ نام های مختلفی را بخود اختیار نموده است ودر افغانستان برای اولین بار در عصر سلطنت احمد شاه درانی به امور مالی اهمیت بیشتری قایل شدند. چنانچه در همین زمان درجمله سایر تشکیلات دولتی شعبه بنام دیوان همایون اعلی " وزارت مالیه امروزی" تأسیس و اولین متصدی آن دیوان بیگی یاد می شد، لقب دیوان بیگی به مرور زمان به مستوفی الممالک تبدیل وصلاحیت وی بصلاحیت وزیرمالیه امروزی مشابه بود، امور مالی درمراکز از طرف مستوفی الممالک ودر ولایات توسط سرشته داران، بولکداران و تحصیلداران اجرا و تنظیم میشد. مستوفی الممالک با قدرت آمره خود سایر امور مالی حسابی مالی ولایات را توحید و انجام داده ومراقبت و نظارت عمومی را بدوش داشت. عواید دولت هم بصورت مختلفه بوده وبه ترتیب مختلف مالیات اخذ می شد که بعضی از

1- نظری، سیستم مالیاتی جدید در افغانستان ص 40.

2- رحمانی، حقوق مالی ص 21 و عارف، اساسات امور مالی عامه ص 91.

این نوع مالیات شکل اجباری داشت و بعضی از آنها شکل اختیاری را داشت. مالیات از سال 1165 الی 1298 هجری تماماً بصورت جنس بود.¹

در همه ادوار تاریخی میتوان مالیه را جزء از عمده ترین منابع تمویلی مصارف دولت تلقی کرد. اهمیت و ویژگی مالیه و مالیه دهی و شکل آن تا اندازه پیشرفته آن در تاریخ معاصر کشور در زمان امپراطوری درانی که مؤسس آن احمد شاه درانی بود فزونی گرفت، درین زمان تمامی مالیات کشور از راه دیوان های مالیاتی جمع آوری می گردید. در زمان درانی ها معمولاً مالیات را به شکل جنسی جمع آوری می نمودند و آن را به صورت نقد و جنس به تحویل خانه ها و گدام های دولت می سپردند. بطور مثال در جلال آباد از قسمت جنوبی آن که نیم از این ولایت را تشکیل می داد در هر سال مبلغ 221 هزار روپیه به شکل مالیه جمع آوری می گردید. از مرکز جلال آباد به صورت نقدی به سه هزار روپیه می رسید. این مقدار پول به تناسب تمامی مالیه این ولایت تا 20% هم نمی رسید. نباید فراموش کرد که در این زمان تجارت رو به زوال و محصولات گمرکی هم قابل ملاحظه نبود.²

میتوان گفت مالیات بر اراضی که بخش عمده و اساسی عواید آن زمان را تشکیل می داد اراضی و ملکیت ها به سه دسته تقسیم می شدند:

- 1- زمین های احمد شاه بابا و زمین های که به خویشاوندان او تقسیم شده بود.
 - 2- زمین های وقفی و یا اوقاف: عبارت از زمین های اند که به دسته های مختلف مذهبی و روحانی کشور به مثابه ملکیت به آنان تعلق داشت و از جانب شاه مورد قبولی قرار گرفته بود.
 - 3- زمین های خاص عبارت از زمین های بودند که با داشتن آن، صاحبان زمین مسئولیت اجرای وظایف خاص را به دولت نداشتند و مالکین می توانستند از آن ها به اختیار خویش استفاده برند. مالکین این زمین ها می توانستند این زمین ها را مورد استفاده قرار دهند به فروش رسانند و یا هم بخشش دهند. امپراطوری درانی ها بر مناسبات فیودالی حاکم بر تولید، پایه های قدرت خود را بنا نهاد، درانی ها اساس عواید دولت را مالکیت بر زمین را اولویت دادند.³
- با وجود آنکه در این دوره مالیات دیگری نیز در دست اجرا بود ولی مالیات بر زمین در این دوره محور مالیه دهی و محور عواید دولت را تشکیل می داد و از همین رو خوانین در این

1- رحمانی، عبدالطیف، حقوق مالی ص 21.

2- سید مسعود، نگاهی گزرا بر تاریخ مالیات در افغانستان (1774-2010) باداده های از قوانین مالیاتی کشور های همسایه، ص 1-2. سال چاپ 1389، چاپ اول، انتشارات فرهنگ کابل.

3- مرجع سابق سید مسعود. ص 2.

دوره دارای منابع عواید تا اندازه ای مستقل بودند که در بسا موارد شاهان درانی را کمک می کردند. مسئله جالب که در این دوره قابل توجه است معافیت مقداری زیادی از زمین ها از مالیات است که تعلق به شاه و خانواده شاهی می گرفت. این رسم تا دیر زمانی یعنی تا انجام سلطنت در افغانستان تا سال 1352 هجری شمسی زمان آغاز جمهوریت توسط محمد داود ادامه یافت و جالب تر آنکه در قوانین کشور باز تاب یافت و شکل قانونی را به خود گرفت.

در این زمان دولت درانی ها مالیات بر اراضی را به صورت وسیع از شرق تا دهلی مرکز هندوستان، از جنوب تا بحر هند و از غرب تا مناطق مرکزی ایران جمع آوری می کردند. این زمان طبقات بالائی امپراطوری از مالیه دهی معاف بودند و طبقات پائین و متوسط از مودیان مالیه به شمار می رفتند.

زمین های که در دوران درانی ها از مالیه معاف بودند:

1- زمین های شاه

2- اکثر از قبایل به بهانه انجام خدمت عسکری از مالیه دادن معاف بودند.

3- اراضی وقفی و یا اوقاف.

در این زمان پایه مالیه با شرایط موجودیت زمین وابستگی داشت. مالیات به شکل جنسی اخذ می گردید و این امر تا استقلال کشور از انگلیسی 1919 میلادی ادامه یافت.

معافیت مالیات در این زمان بر اساس احتیاج خانواده ها سنجش می گردید، اندازه احتیاج خانواده را سنجش می نمودند و به همان مقدار از مجموع غله بدست آمده جدا ساخته و بقیه را در تحت مالیه قرار می دادند.¹

مقدار مالیه وضع شده در زمان درانی ها

طریقه ثلث: یک بر سوم حصه محصول منحصیث مالیه از جانب دولت اخذ می گردید. مامور مؤظف جمع آوری مالیات را به نام مامور ثلث یاد می کردند. و این شیوه بالای تمام اراضی بدون در نظر داشت وسعت و حدود زمین قابل تطبیق بود و زمینداران کوچک در مالیه دهی روز تا رزو توان خود را از دست می دادند و به افراد فقیر مبدل می گردیدند. در زمان درانی ها به صورت متفاوت از اراضی که دائما تحت آبیاری قرار داشتند و زمین های للمی مالیات جدا گانه اخذ می گردید.

1- سید مسعود، نگاهی گزرا بر تاریخ مالیات در افغانستان (1774-2010) باداده های از قوانین مالیاتی کشور های همسایه. ص.3.

از زمین های آبی یک بر سوم حصه حاصلات به گونه مالیات گرفته می شد و از زمین های للمی یک بر دهم یعنی حصه حاصلات مالیات تعیین شده بود¹.

در زمان اخیر سلطنت تیمور شاه در لغمان از زمین های که توسط چشمه آبیاری می گردید از چهارم حصه تا نصف حاصلات در تحت مالیه قرار می گرفت، بیشترین مالیه را در این زمان ولایت کابل می پرداخت. در ولایت کابل از معیار تعیین شده هم زیاد تر حتی تا اندازه دو بر سوم حصه حاصلات به قسم مالیه اخذ می گردید.

در پهلوی مالیات بر اراضی مالیات بر آب نیز در زمان درانی ها شکل گرفت و صاحبان چشمه ها که مالک این چشمه ها بودند، مکلفیت داشتند که مایه چشمه را به گونه نقدی به دولت بپردازند. مالیه باغ ها به گونه بود که از هر درخت میوه دار و یا هر تاک انگور بصورت جداگانه مالیه گرفته می شد. علاوه از مالیات بر اراضی در این زمان مالیات دیگر هم وجود داشت.

1- خانه دودی یا خانه واری: تا جائیکه معلومات است در ولایت کندهار از هر خانه 2 روپیه مالیه اخذ می گردید.

2- مالیات بر گله مواشی: مالیات بر مواشی گاه به صورت نقد و گاه بصورت جنس می بود.

3- مالیات بر آسیاب: معمولاً جنسی بود و در سال نیم خروار غله در بدل مالیه اخذ می گردید.² مالیات در زمام حکومت امیر عبدالرحمن خان امیر به منظور احتیاجات روز افزون دولت توجه مزید را برسیستم مالیاتی معطوف داشت. او در عرصه مالیات بر اراضی تکس های جدید مالیاتی وضع کرد. مالیه بالای اراضی که از مالیه معاف بود و در مجموع سیستم قبلی مالیاتی را تغییر داد و علاوه از آن مالیات بر مواشی، مسکن، دوکان ها و انواع دیگر مالیات را اضافه نمود و بالای کالا های دیگر محصولات وضع نمود. در مورد تحصیل عواید طرح های زیادی را به وجود آورد و در همان سیستم به میان آمد که به اساس آن تادیه کنندگان ذمت مالیاتی خویش را در یک وقت معین که قبلاً تعیین شده بود خودشان می پرداختند. در این حالت نیز مالیات و محصولات توسط اجاره داران جمع آوری می گردید.

امیر به منظور تغییر دادن سیستم های مالیاتی کشور، جمع آوری مالیات را شکل مذهبی داد و وانمود ساخت که الله متعال به مسلمانان امر می فرماید که مالیات خویش را که به بیت المال تعلق دارد باید از روی ارشادات قرآنکریم تادیه نمایند.

1- سید مسعود، ص 4-6.

2- عارف، اساسات امور مالی عامه ص 92

به اساس این نظر امیر این بیت المال را به منظور خدمت سرحدات کشور، دین و عزت به کار می اندازد و به همین منظور امیر خود را محصل عواید و مالیات می دانست و اظهار نمود که سرپیچی از مالیات در واقع نافرمانی از حکم خداوند است.

او به صفت یک حاکم مسلمان موظف است که چنین واقع نشود و این را هم تذکر داد که آن طوریکه برای هر مسلمان فرض است حکم خداوند ج را به جا نماید آنان تماماً مالیات را که آن هم حکم خداوند است بدون تفاوت کسب و شغل و موقف اجتماعی به یک صورت تادیه نمایند. مردم بنا بر عقاید دینی، مذهبی و ملی مالیات را پرداخت می کردند.¹

مقصد اصلی امیر از اینکه تادیه مالیات حکم خداوندی است این بود که سیستم جمع بست و قدرت بزرگان قوم را که از آن مالیات دریافت داشته بودند از بین بردارد. جمع بست منحصراً یک سیستم مالیاتی مروج، نمی توانست که به یک باره گی از میان برداشته شود و حتی بعد از اصلاح سیستم مالیاتی هم در تعداد از ولایات و مناطق کشور مروج بود.²

تا عصر سلطنت امیر حبیب الله خان و تشکیلات حسابداری واضح تر و عصری تر وجود نداشت و اصلاً تا این زمان واردات و صادرات دولت و مصارف آن شکل پیش بینی را نداشت بلکه مالیات و تمام عواید دولت دارای سرجمع و بست معین بود که عموماً در دفاتر جنسی حسابداری بولکداران واضح و به اساس آن در دفتر خلاصه "دفتر قطعی" موازنه میگردید.

تحولات اساسی که در قسمت امور مالی و حسابداری رخ داد همانا تبدیل مالیات جنسی به مالیات نقدی بود که در زمان سلطنت امان الله خان صورت پذیرفت. و درکنار آن یک عده مالیات های که شکل جبری و یا به قسم تحفه اخذ میگردید نیز در همین زمان معاف گردید. در همین زمان چنانکه تذکر دادیم مالیه جنسی از قرار نرخ روز به پول نقد تبدیل گردید. بعد از سالهای 1295 هجری حکومت وقت افغانستان لازم دید تا در عواید و مصارف دولت سیستم پیشرفته و جدید محاسبوی را روی کار نماید. نظر به روابط دوستانه که افغانستان با کشور ترکیه داشت یک نفر کارشناس و متخصص امور مالی و حسابداری ترک را استخدام نمود ابتدا چند نفر از اتباع افغانی جهت آموزش سیستم محاسباتی جدید تحت آموزش قرار گرفتند و در سال 1298 هجری امور حسابداری ادارات از سیاق حساب جمع و خرج عواید و مصارف بولکداران به سیستم جدول تعویض

1- عارف، اساسات امور مالی عامه ص 92

2- سعید مسعود ص 13-15.

و تسعیر گردید. تبدیل شکل مالیات از جنس به نقد از اقدامات مؤثر دیگر بود که در این زمان صورت پذیرفت.¹

سیستم منظم و معاصر مالیات گیری در افغانستان در دوران امیر امان الله خان بعد از ثبت و سجل زمین ها و محاسبه مواشی با تصویب اصول نامه مالیات آغاز گردید. این کار با تصویب قانون مالیات بر عایدات مصوب ماه ثور سال 1344 هجری شمسی تکمیل شد در قانون مالیات بر عایدات که تا هنوز مرعی الاجراء است تغییرات اخیر که در سال های 1384 و 1387 هجری شمی رونما گردید، واقعیت های موجود جامعه در آن در نظر گرفته شده و در آن در پهلوی تعیین و تشخیص اقلام مالیه دهی مقدار مالیات و وظایف ارگان های مالیاتی دولت روشن و معین شده است. چنانچه در ماده اول این قانون آمده است که (از عواید کلیه اشخاص، شرکت های سهامی، شرکت های محدود المسئولیت و سایر شخصیت های حقوقی در داخل افغانستان از عواید تبعه افغانستان مقیم خارج و از عواید یکه اجنبی ها و شرکت های خارجی از منابع داخل افغانستان بدست میاورند طبق مقررات این قانون مالیه اخذ می شود.²

برای در یافت عواید مالیاتی از دو طریق استفاده به عمل آمده است.

1- اجاره داری: اجاره داری مالیه یکی از طریق های خیلی قدیمی تحصیل مالیات است که در این صورت عواید مالیاتی یک منطقه یا ایالت برای یک مدت معین در بدل یک مبلغ پولی معین یا مقدار حبوبات معین به اجاره داده می شود. این شکل اجاره داری مالیه معمولاً مروج بود که تشکیلات حکومت ها از نظر مالی آنقدر وسیع و با کفایت نبود تا حکومت ها خود شان از طریق کارگران خود مالیات را تحصیل نمایند. بنا بر آن مجبور و ناگزیر بودند تا عواید مالیاتی دولت را به اشخاص متنفذ که قدرت جمع آوری مالیات را دارا می بودند به اجاره بدهند.³

جمع آوری مالیه زیاد تر به اجاره داران داده می شد و علت اساسی آن این بود که ماموران دولت خود نمی توانستند از بعض قسمت های کشور در وقت معین آن مالیه را جمع آوری کنند. اجاره دار مالیاتی می توانست منطقه تحت اجاره خود را به کسی دیگری به اجاره مالیاتی دهد. جمع آوری مالیه توسط اجاره داران برای مودیان مالیه حالت مرگ را معنی داشت، برای آنان ازدیاد تولیدات و قدرت تولیدات و استطاعت مالیاتی اهمیت نداشت تنها چیزی که برای اجاره

1- رحمانی، حقوق مالی ص 21-22 .

2- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان، ص 42.

3- عارف، اساسات امور مالی عامه، ص 93.

داران مالیه قابل اهمیت بود سود وفائده از طریق اجاره داری بود. این روش مردم را تحت فشار و اقتصاد کشور را به بحران مواجه ساخته بود.¹

این شکل اجاره داری مالیه در افغانستان نیز تا زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان معمول و مروج بود که عواید مالیات بر اراضی به خوانین و متنفذین منطقه اجاره داده می شد. نقص اساسی اجاره داری مالیه عبارت از این بود که مالیات توسط اجاره داران به صورت حسب الخوا و بدون موجودیت نورم های معین و مشخص قانون دریافت می گردید.²

2-تحصیل مالیه توسط دوایر حکومتی: صلاحیت وضع مالیات و تدوین قوانین و مقررات مالیاتی امروز در تمام کشور های جهان مربوط به قوه مقننه بوده و حکومت ها بر طبق قوانین و مقررات فوق از طریق دوایر مالیاتی مربوط عواید مالیاتی را مستقیماً از مکلفین مالیه دریافت می نمایند.³

مطلب دوم : انواع مالیات در افغانستان

در افغانستان سیستم مالیاتی عمدتاً متشکل از دو بخش می باشد که عبارت از مالیات مستقیم و غیر مستقیم.

الف : مالیات مستقیم و موقف شریعت اسلامی از آن.

مالیات مستقیم عبارت از آن مالیات است که به صورت مداوم و برطبق لست دریافت میشود، از قبیل مالیات بر عائدات، مالیات بر اراضی و غیره.⁴ به عبارت دیگر مالیات مستقیم، مالیاتی است که مودی یا تادیه کننده آنرا مستقیماً به دولت می پردازد که در این صورت متحمل مالیه و مودی مالیه عین شخص می باشد⁵

از نقطه نظر نوعیت موضوع مالیه، مالیات مستقیم عبارت از مالیاتی اند که قدرت مالی یا استطاعت مالی مکلف مالیه مستقیماً درک شده بتواند از قبیل مالیات بر عایدات و مالیات بر دارائی. از نقطه نظر اقتصادی یعنی قابلیت انتقال مالیات بالای قیمت ها است. مودی مالیه و منظوری مالیه عین شخص پیشبینی نموده قانون گذار، مودی مالیه و منظور مالیه عین شخص

¹ سید مسعود ص 8-9.

² - عارف، اساسات امور مالی عامه، ص 94.

³ - عارف، اساسات امور مالی عامه، ص 94.

⁴ - کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات در افغانستان ص 15-16

⁵ - نظری، سیتم مالیاتی جدید افغانستان، ص 45.

پیشبینی نموده یا به عباره دیگر مالیه غیر قابل انتقال باشد از قبیل مالیات بر عایدات منظور مالیه عبارت از شخصی است که بر طبق قصد قانون گذار باید بار مالیه را متحمل گردد.¹

مزایای مالیات مستقیم

1- مالیات مستقیم از کسانی اخذ می شود که قدرت پرداخت آن را دارند روی این اصل عدالت مالیاتی در آن به خوبی قابل تطبیق است.

2- مالیات مستقیم قابلیت انعطاف پذیری را دارا می باشد به این مفهوم که پرداخت آن به دولت در صورت وقوع تغییرات در عاید و یا دارایی بطور مشخص قابل تغییر می باشد.

3- اندازه مالیه برای شخص تادیه کننده به صورت دقیق تثبیت و سنجش شده می تواند.

نواقص مالیات مستقیم

1- بعضا دیده می شود که زمینه امکانات گریز از تادیه مالیه مستقیم میسر می گردد.

2- از آن جایکه پرداخت های مالیات مستقیم در یک وقت قابل اجرا می باشد بنابر آن تادیه مالیه یک مبلغ درشت بوده که در اینصورت ثقلت آن بالای تادیه کننده گان فشار وارد نموده و موجب فرار از مالیه می گردد.²

انواع مالیات مستقیم در افغانستان

1- مالیات بر دارایی

انواع مالیات بر دارایی:

- ✓ مالیه اراضی
- ✓ مالیه بر شخصیت حکمی و حقیقی
- ✓ مالیه بر فروش ملکیت های غیر منقول
- ✓ مالیه بر فروش ملکیت های منقول
- ✓ محصولات زمین
- ✓ مالیه حفظ جاده ها

مالیه بر اراضی : مالیه بر اراضی در افغانستان از زمانهای قدیم معمول و مروج بود. که این مالیه یک قسمت از مجموع عواید مالیاتی دولت را تشکیل می داد. فعلا در سیستم مالیاتی افغانستان این

1- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 29-30.

2- کریمی، عبدالکبیر، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان، ناشر: انتشارات یوسف زاد. چاپ اول 1394 هجری ش. ص 17.

نوع مالیه کدام سهم را در عواید مالیاتی دارا نبوده و صرف به شکل اسمی در سیستم مالیاتی افغانستان شامل بوده ولی بشکل حقیقی وجود ندارد.¹

ب: مالیه بر اشخاص حکمی: این نوع مالیات شرکت ها مانند شرکت های محدود المسئولیت، شرکت های سهامی و سایر شخصیت های حکمی بیست فیصد مالیه در سال از جانب دولت اخذ می گردد.²

ج: مالیه بر فروش ملکیت های غیر منقول: خرید و فروش ملکیت ها تابع مالیه می شود که نظر به قانون مالیه بر عایدات افغانستان شخص فروشنده تابع به مالیه شمرده می شود.³

قانون در مورد چنین صراحت دارد(اموالیکه از طریق فروش یا انتقال اموال منقول و غیر منقول توسط شخص حقیقی حاصل می گردد، به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت یک فیصد مالیه هنگام انتقال ملکیت قرار می گیرد).⁴

د: مالیه بر فروش ملکیت های منقول: مطابق به بند دوم ماده 30 قانون مالیات بر عایدات قیمت اموال که از طریق فروش یا انتقال اموال منقول و انواع وسایط نقلیه بدست می آید به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت دو فیصد مالیه ثابت هنگام انتقال ملکیت قرار می گیرد.⁵ قانون در مورد چنین صراحت دارد(قیمت اموالیکه از طریق فروش یا انتقال اموال منقول توسط شخص حکمی حاصل می گردد، به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت دو فیصد مالیه هنگام انتقال قرار می گیرد).⁶

2- مالیات بر میراث و تحایف :

قبلاً در افغانستان یک نوع مالیه بر میراث بوده، اما اکنون در کشور ما هیچ نوع مالیه بالای میراث در قانون فعلی مالیاتی وجود ندارد، قانون مالیات بر عایدات این نوع مالیات را ممنوع قرار داده است. قانون چنین صراحت دارد(مبالغ حاصله ذیل تابع مالیات بر عایدات نبوده، شامل اظهار نامه اشخاص حقیقی و حکمی نمی گردد، بخششی ها، تحایف، انعامات، جوایز و مکافاتیکه از طرف دول خارجی، مؤسسات بین المللی یا مؤسسات غیر انتفاعی ایکه به منظور

1- نظری، احسان الله نظری. سیستم مالیاتی جدید افغانستان، ناشر: انتشارات یوسف زاد. چاپ اول 1390. هجری شمسی. ص 47.

2- کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان. ص 18.

3- عارف و هژیر، سیاست های مالی، ناشر: انتشارات تمدن شرق، چاپ اول 1396 هجری شمسی. ص 139.

4- قانون مالیات بر عایدات، فقره اول ماده 30.

5- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 49.

6- قانون مالیات بر عایدات، فقره دوم. ماده 30.

تقدیر از فعالیت‌های علمی، هنری، ادبی، پیشرفت اجتماعی و تفاهم بین المللی، اعطا می‌گردد).¹ و هم چنان در مورد میراث قانون چنین بیان داشته است (مفاد حاصله از انتقال دارائی منقول و غیر منقول ناشی از میراث از حکم مندرج فقره (1)² این ماده مستثنی است).³

3- مالیات بر عایدات:

مالیات بر درآمد: مالیات بر درآمد جزء قدیمی ترین مالیات است و در اغلب کشورها پردرآمدترین بخش مالیات برای دولت ها محسوب می شود و از وسایل مهم اجرای سیاستهای مالی، اقتصادی و اجتماعی دولت ها محسوب می آید.⁴

با در نظر داشت اهمیت که مالیات بر عایدات دارد و با در نظر داشت مزایایی که از آن برخوردار است و هم چنان نظر به اینکه دولت بخاطر پیشرفت و انکشاف امور مملکت و بلند بردن سطح درآمد و تمویل مخارج رو به ازدیاد؛ لازم دید تا مالیات بر عایدات روی کار آید. فلذا در سال 1320 به کمک اشخاص با تجربه مالی، متخصصین داخلی و خارجی در روشنائی تجارب سایر کشورها نخستین اصولنامه مالیات بر عایدات در کشور را در طی 20 ماده وضع و تصویب گردید.⁵

مالیات بر عایدات در کشور عزیز ما افغانستان مانند سایر کشور های جهان به منظور تامین مصارف عامه تحصیل می‌گردد.⁶

عایدات تابع مالیه :

- معاش، مزد، فیس و کمیشن.
- مجموع عواید معاملات تجاری، صنعتی، ساختمانی و سایر فعالیت های اقتصادی.
- عواید حاصله از فروش ملکیت منقول و غیر منقول.
- تکت پولی، مفاد سهم، کرایه، حق الامتیاز، جوایز، مکافات، عواید از درک قرعه و بخششی ها.
- سهم شریک از عاید شرکت های تضامنی.

¹-قانون مالیات بر عایدات فقره دوم ماده 14.

²- مفاد حاصله از درک فروش، تبادل یا سایر انواع انتقال ملکیت دارائی های ذیل، مفاد قابل مالیه شناخته میشود. قانون مالیات بر عایدات. ماده 23.

³-مرجع سابق فقره دوم، ماده 23.

⁴-رحمانی، حقوق مالی. ص 75.

⁵ - نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 51.

⁶- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 50.

➤ سایر عواید حاصله از کار، سرمایه، یا فعالیت اقتصادی.¹

4- مالیات موضوعی:

مالیه موضوعی؛ مالیه است که بر عواید در منبع آن وضع می گردد این نوع مالیه توسط یک جناح سومی که مسئول وضع مالیه از انواع مختلف تادیات می باشد صورت می گیرد و تسلیم خزانه دولت می گردد. منظور از مالیات موضوعی این است که ما باید مکلف مالیه و تادیه کننده مالیه را بشناسیم یعنی وضع مالیه بالای یک شخص یا تادیه کننده مالیه فرد و مکلفیت مالیه بالای فرد دیگر است.²

مانند کرایه منازل یا ساختمان ها که در این جا مکلف مالیه شخص کرایه نشین بوده و تادیه کننده مالیه شخص صاحب خانه می باشد و یا همچنان مالیه بر معاشات شرکت های حقوقی و غیره که مکلف مالیه شخص متصدی یا صاحب شرکت بوده و تادیه کننده مالیه کارکنان همان شرکت می باشد که باید شخص مکلف مالیه از معاشات کارکنان خود مطابق به نورم که داده شده مالیه را وضع نموده و به شکل دسته جمعی پول آن را به نهاد مسئول اخذ مالیه تحویل نماید.³

5- مالیات ثابت:

مالیات ثابت درمطابقت با قانون مالیات بر عایدات اخذ می گردد و به اقسام ذیل تقسیم می گردد.

- ✓ مالیه ثابت اموال وارداتی
- ✓ مالیه ثابت صادراتی
- ✓ مالیه ثابت عراده جات
- ✓ مالیه ثابت قرار دادی
- ✓ مالیه ثابت آسیاب و ماشین های دیگر
- ✓ مالیه ثابت محل کار و فعالیت
- ✓ مالیه ثابت دکتوران
- ✓ مالیه ثابت اشخاص بدون محل کار و فعالیت
- ✓ مالیه ثابت کمشن کاران و دلالان.⁴

¹- قانون مالیات بر عایدات، ماده سیزدهم.

²- عارف و هژیر، سیاست های مالی ص 140

³- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 52.

⁴- عارف و هژیر، سیاست های مالی ص 141.

موقف شریعت اسلامی از مالیات مستقیم.

در این نوع مالیات عدالت نسبی تامین می شود، این مالیات بالای سرمایه وضع می گردد قسمیکه زکات بالای نقود و اموال تجاری وضع می گردد. همچنان این سالانه اخذ می گردد زکات و جزیه هم در شریعت اسلامی سالانه گرفته می شود.¹

پس باید گفت که شریعت اسلامی مصالح فردی و عمومی را در کل رعایت نموده است. بنا بر مصالح از افراد سرزمین اسلامی مالیات اخذ میگردد.

ب: مالیات غیر مستقیم و موقف شریعت اسلامی از آن.

مالیات غیر مستقیم عبارت از آن مالیات است که بر طبق تعرفه حصول می شود، مانند محصولات گمرکی، مالیات بر تولیدات، مالیات بر فروشات و غیره.²

مالیات غیر مستقیم مالیات است که بالای قیمت ها و سایر عاملین که فعالیت های اقتصادی دارند اکثر اوقات قابل انتقال می باشد. البته زمانی مالیات غیر مستقیم قابل تادیه می باشد که مستهلک یا مصرف کننده اجناس و خدمات را به مصرف برساند به طور مثال وقتیکه یک شخص یک جوره لباس خریداری می نماید، یا در رستوران نان می خورد در حقیقت شخص موصوف مالیه غیر مستقیم پرداخته است. پس مالیه غیر مستقیم عبارت از مالیاتی است که به اشخاص دیگر منتقل می شود، یعنی پرداخت کننده مالیه غیر مستقیم مشخص و معین نبوده و تحقق آن وابسته به فعالیت های اقتصادی و عملیات افراد بوده و قابلیت انتقال آن ممکن می باشد. به عبارت دیگر مالیه غیر مستقیم بالای کالاهای مصرفی اشخاص وضع می گردیده و از نزد مصرف کننده گان تحصیل می شود.³

انواع مالیات غیر مستقیم در افغانستان:

مالیات غیر مستقیم به انواع ذیل دسته بندی می گردد.

1- محصولات گمرکی.

2- مالیه بر فروشات.

3- مالیات بر ارزش افزوده.

محصولات گمرکی:

1- مصطفی خلیل احمد، سن الضرائب فی الشریعه الاسلامیه ص 175.

2- عارف وهریژ، سیاست های مالی ص 16.

3- کرمی، مشکلات جمع آور مالیات و راه های حل آن در افغانستان ص 27-28.

عبارت از اداره دولتی است که امور گمرکی اموال صادراتی، وارداتی، ترانزیتی، محموله مسافری، محموله موظفین، و پارسل های پوستی را مطابق اسناد تقنینی گمرکی اجرا و کنترل می نماید. گمرک به منظور کنترل واردات، صادرات و انحصارات هر کشور به حیث دستگاه نظارت و حصول درآمد دولت در تجارت خارجی منبع مهم پنداشته می شود. در حقیقت مبلغی که بالای صادرات و واردات به اساس طبقه بندی یا اندازه های مندرج در تعرفه گمرکی وضع می گردد محصول گمرکی نامیده می شود، که حین عبور اشیاء از سرحد یک کشور تادیه می گردد. در عصر حاضر محصول گمرکی بحیث یکی از وسایل مهم سیاست تجارت خارجی بکار برده می شود زیرا گمرکات اقتصاد خارجی یک کشور را میتوان تحت تاثیر در آورد.¹

مالیه بر فروشات:

مالیات بر دوران فروش اشیاء و خدمات تصدی ها و فعالیت ها دریافت می گردد. مودی یا تادیه کننده مالیه در این جا تصدی های دولتی و خصوصی در تمام مراحل و عملیه اقتصادی است.²

انواع مالیات بر فروشات در افغانستان:

- ✓ مالیه معاملات انتفاعی دو فیصد
- ✓ مالیه معاملات انتفاعی پنج فیصد
- ✓ مالیه معاملات انتفاعی ده فیصد
- ✓ مالیه انتفاعی دوفیصد بر واردات
- ✓ مالیات جواز سیر وسیله نقلیه
- ✓ مالیه تکت های ترانزیت
- ✓ مالیه تادیه نشده عایدات
- ✓ جریمه ها و مجازات مالیاتی
- ✓ جریمه های مالیات عواید نا خالص
- ✓ سایر جریمه های مالیاتی³

1- کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان ص 27.

2- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 73.

3- نظری، سیستم مالیاتی جدید افغانستان ص 75.

مالیات بر ارزش افزوده:

مالیه بر ارزش افزوده به معنی اضافه نمودن آن ارزش یا قیمتی است که در پروسه تولید و توزیع اموال و خدمات بوجود می آید.¹

تعریف مالیه بر ارزش افزوده در قانون: مالیه بر ارزش افزوده مالیه غیر مستقیم است که بالای عرضه اجناس و خدمات و واردات تابع مالیه وضع می گردد.²

مالیه بر ارزش افزوده مهمترین نو آوری قرن بیستم می باشد که حایز اهمیت بسزا پنداشته می شود. این نوع مالیه در سال 1881 میلادی توسط فون زیمنس طراحی گردیده و در سال 1954 میلادی فرانسه اولین کشوری بود که این مالیات را به عنوان (مالیات بر کالا های مصرفی در مرحله تولید) بکار گرفته و تا سال 1959 میلادی در محدوده فرانسه باقی ماند. بعدا در سال 1970 میلادی مالیه بر ارزش افزوده به جهانی تبدیل شدن آغاز نمود که اکنون در بسیاری از کشور های جهان در حال اجرا می باشد.³

موقف شریعت اسلامی از مالیات غیر مستقیم.

مالیات غیر مستقیم در تاریخ اسلامی در یک محدوده مشخص وضع گردیده:

الف: اسلام بالای معادن که از زمین استخراج می شود وهم چیز های قابل ارزش که از بحر بیرون کرده می شود مالیات وضع نموده که علماء در مقدار آن اختلاف نظر هم دارند. این نوع مالیات از جمله مالیات غیر مستقیم شمرده می شود.

ب: مالیات معاصر که در جهان امروزی رایج است، مشابه به این در عصر اولی اسلامی که بنام عشور (تعرفه های گمرکی) بالای کالا ها واجناس تجارتي، تجار خارج از قلمرو اسلامی که غرض تجارت به سرزمین اسلامی وارد می شدند وضع می گردید.⁴

علی الرغم تطبیق این نوع مالیات بنا بر نظام مالی وضعی، تطبیق آن با عدالت منافات دارد، بالای تمام اقشار جامعه یک سان بوده که فقراء زیاد تر متضرر می شوند زیرا درآمد و توانمندی ایشان ایجاب پرداخت این مالیات را نمی کند.⁵

¹ کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان ص 29.

² - قانون مالیه بر ارزش افزوده، ماده دوم ، فقره اول.

³ - کریمی، مشکلات جمع آوری مالیات و راه های حل آن در افغانستان ص 28

⁴ - مصطفی خلیل احمد، سن الضرائب فی الشریعة الاسلامیه ص 193.

⁵ - مرجع سابق. ص 191.

مطلب سوم : نقش مالیات در اقتصاد افغانستان

در هر نظام اقتصادی مالیات یکی از مهم ترین ارکان آن نظام محسوب می شود، گسترش و تنوع فعالیت های اقتصادی از یک سو و نقش رو به افزایش دولت ها از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی ، تأمین اجتماعی و گسترش تعهد های دولت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله مهم و تأثیر گذار تبدیل کرده است. مالیات به علت اثری که بر بازده سرمایه گذاری دارند، می توانند بر تصمیم گیری های اقتصادی و در نهایت بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. مالیات بردارائی و دارائی سرمایه بر رشد اقتصادی دولت تأثیر مثبت قابل توجهی دارد. نوع هزینه منابع حاصل از اخذ مالیات نیز نقش مهم در تأثیر گذاری مالیات بر رشد اقتصادی ایفا می نماید.¹

مالیات به عنوان یکی از بازوهای مهم توسعه اقتصادی و پرداخت هزینه های دولت ها به شمار می رود.

در شرایط کنونی افغانستان، بخشی بزرگ از عواید دولت را مالیات تشکیل میدهد.

یکی از مهم ترین بخش های هر دولت و کشوری اقتصاد آن کشور است. اقتصاد یک کشور نشان از قدرت آن کشور در پیشبرد مسائل مختلف است.²

افزایش میزان اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای مالیاتی، یکی از محورهای اصلی و مهم سیاست دولتمردان در یک سال اخیر است که تلاشهای زیادی برای انتخاب راهکارهای مناسب برای تحقق این هدف از سوی دستگاه مالیاتی به کار گرفته شده است.

افغانستان از رهگذر اقتصادی نسبت به سایر کشور مشکلات و چالش هایی را تجربه نموده است که با سقوط حکومت جمهورییت کشور با مشکلات اقتصادی مواجه شد، بعد از به قدرت رسیدن امارت اسلامی افغانستان، سکتور های اقتصادی کشور راه کار هایی را به پیش گرفتند که در نتیجه کشور را از بحران اقتصادی نجات دادند، پرداخت مالیات یکی از مهم ترین عناصر در رشد و توسعه اقتصادی می باشد که وزارت مالیه در گردآوری مالیات اقدام جدی و لازم نموده که

¹ <https://mieaoi.ir/article-1-1264-fa.pdf> . مقاله تحقیقاتی-تأثیر درآمد های مالیاتی بر رشد اقتصاد.

² <https://www.nikansoft.com/blog/%D9%86%D9%82%D8%B4--%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C-%D9%88-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C>

در تاریخ کشور جمع آوری مالیات بی پیشینه است. حکومت امارت اسلامی افغانستان متکی به عواید داخلی بودجه ملی کشور را تنظیم نموده که مالیات بخش اعظمی از آن را تشکیل می دهد.

مطلب چهارم : معافیت مالیاتی. و بیان موقف شریعت اسلامی از آن

دولت به منظور ایجاد زمینه برای توسعه سرمایه گذاری در بخش های مورد نظر، حمایت از صنایع داخلی و صنایع نوپا و نیز حمایت از اqtشار آسیب پذیر، برخی معافیت ها را در نظر می گیرد. معافیت های مالیاتی برای برخی از فعالیت های اقتصادی در واقع عامل تشویق و جلب سرمایه گذاری به آن فعالیتهاست، مانند معافیت مالیاتی سرمایه گذاری در مناطق محروم، که موجب افزایش سرمایه گذاری و اشتغال در آن مناطق می شود.

در مقابل افزایش مالیات در برخی زمینه های که با منافع عمومی سازگار نیست ، به هدف محدود ساختن آن فعالیتهایی صورت می گیرد. مانند افزایش مالیات شرکتهای تولید دخانیات که می تواند موجب افزایش قیمت این اقلام و کاهش مصرف آنها شود.

حکومت ها احيانا تصمیم به معافیت مالیاتی می گیرند، گاهی اوقات این معافیت جزئی و یا هم کلی و بعضی اوقات معافیت دائمی و گاهی هم بگونه مؤقت می باشد.¹

احيانا معافیت مالیات جنبه سیاسی داشته و یا هم معامله بالمثل میباشد در ماده ششم قانون عایدات بر مالیات کشور چنین تحریر گردیده است(اشخاص غیر مقیم در صورتی از معافیت پرداخت مالیات بر عایدات مندرج فقره³) ماده چهارم این قانون مستفید میگردد که این معافیت ها از طرف دولت متبوع آنها بصورت بالمثل برای اشخاص افغانی غیر مقیم آن کشور پیشبینی گردیده باشد)². در زمان خلیفه دوم عمر بن الخطاب نیز چنین معامله بالمثل بین خلافت اسلامی و مردمان سرزمین های غیر اسلامی انجام صورت گرفت که موجب آن از افراد که وارد قلمرو اسلامی می شدند به پرداخت مبلغ معین مکلف بودند.

در کشور ما افغانستان در زمان حکومت درانی های طبقات زیادی از مردم بنام اشراف و روحانیون از پرداخت مالیه معاف دانسته می شدند. بنابر آن اجاره داران مالیه مجبور بودند تا تمام مکلفیت های مالیاتی را بالای مستضعفین تحمیل نمایند که به این ترتیب به سوی بی عدالتی های بزرگ اجتماعی رهنمونی می شد. چون در تحت شرایط فوق فشار مالیه بالای مکلفین مالیه

1- بشار حسین العجل، الخراج والضريبة المعاصرة ص255.

2- قانون مالیات بر عایدات ، ماده ششم.

خیلی زیاد می گردید که اکثر از زارعین کم زمین قدرت پرداخت آنرا نمی داشتند بنا برآن مجبور می شدند تا در عوض پرداخت مکلفیت مالیاتی زمین های خود را به اجاره داران مالیه واگذار کند که به این ترتیب یکی از جمله عوامل مهم که باعث و بوجود آوردن نظام فیودالی یا ملکیت های بزرگ گردیده است که آن عبارت از اجاره داری مالیه بوده است.¹

معافیت مالیاتی در شریعت اسلامی.

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسْنِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَقْرُبُوهَا، وَتَرَكَ أَشْيَاءَ غَيْرَ نَسِيَانٍ؛ رَحْمَةً لَكُمْ، فَلَا تَبْحَثُوهَا".²

از ابو ثعلبه خشنی روایت است رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله متعال اموری را فرض گردانیده، آنها را ضایع نگردانید. و حدودی را تعیین فرموده، از آنها تجاوز نکنید و چیزهایی را حرام کرده، پس مرتکب حرام نشوید. و از روی مهربانی و نه فراموشی، درباره ی برخی از چیزها سکوت نموده، پس درباره ی آن بحث و کنجکاو بی مورد نکنید.

وجه استدلال از حدیث :

وجه دلالت حدیث این است از بیان آن اشیای که شریعت اسلامی سکوت کرده اصل در آن معافیت و عدم تکلیف است.

حضرت عمر رضی الله عنه از قافله نبطی ها که روغن و گندم به مدینه می آوردند نصف عشر می گرفت.³

بخاطر تشویق و رونق تجارت و پوره کردن نیاز های مردم خلیفه دوم این کار را انجام می داد. عمر فاروق خلیفه عادل یک اساس مهم مالیات را وضع نمود که دولت های معاصر طبق آن عمل می کنند، حکومت ها سیاست پایین آوردن تعرفه های گمرکی بالای آن کالا های که در بازار نیاز است به پیش می گیرند که این سیاست به گونه تشویقی به وارد کنندگان بعضی اقلام کالا می باشد.⁴

1- عارف، اساسات امور مالی عامه ص 94.

2- أبو نعیم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی (المتوفی: 430هـ)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفياء، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت ج7 ص18

3- ابو عبید، کتاب الاموال ص639.

4- ابوالفتح، الحریة الاقتصادية فی الاسلام ص 605.

این سیاست در زمین های خراجی نیز قابل تطبیق می باشد، در صورتیکه مصلحت مسلمانان ایجاب کند که خراج وضع شده بالای زمین های خراجی به حالت تعلیق درآید و یا هم بشکل نهایی ساقط شود امام مسلمین در مورد اقدام لازم می نماید. قاعده فقیه در مورد چنین صراحت دارد (التصرف علی الرعیة منوط بالمصلحة) تصرف و اختیار بالای رعیت وابسته و مربوط با مصلحت است. امام و پیشوای مسلمانان بالای عموم رعیت در امور عمومی ولایت و نظارت دارد تصرف و اختیارش برای مردم وابسته به مصلحت ها است از این جهت لازم است اوامر و منهیات وی موافق به مصالح رعیت باشد چون سلطان این است تسلط را بر مصلحت بندگان داده شده است تا خون مال و آبروی شان محفوظ ماند¹.

مطلب پنجم : تخلفات مالیاتی " فرار مالیاتی" و بیان موقف شریعت اسلامی از آن

تمایل مردم برای پرداخت مالیات کمتر کاملاً قابل درک است. از آن جا که مردم با پرداخت مالیات بخشی از درآمد های خود را از دست میدهند، چون کاهش هرگونه درآمد بالآخره در مطلوبیت اشخاص مؤثر است، می توان انتظار داشت که مردم پرداخت مالیات را امری خوشایند تلقی نکنند در نتیجه تمایل و انگیزه برای پرداخت کمتر مالیات معقول است. گاهی اشخاص حقیقی و حقوقی مبادرت به فرار مالیاتی می کنند، اگر شخص بخشی از درآمد خود را که باید از بابت مالیات بپردازد پنهان نموده و اظهار نکند به یک عمل غیر قانونی مبادرت نموده و قابل تعقیب است زیرا آن شخص از پرداخت مالیات فرار نموده است.

دلایلی را برای فرار و اجتناب از پرداخت مالیات می توان مطرح کرد که شاید از مهمترین آنها، عدم کارایی نظام اجرایی مالیات و عدم رعایت عدالت در قانون مالیاتی است. از سوی دیگر هر زمان نرخ ها افزایش یابد و نرخ های تصاعدی وجود داشته باشند تمایل برای فرار و اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر میشود. یک نظام مالیاتی که از مجموعه پایه ها، نرخ ها، قوانین حاکم بر اجرای مالیات و معافیت های مالیاتی است باید به صورتی طراحی شده باشد که عدالت در آثار توزیعی آن مشاهده شود. انتظار از یک نظام مالیاتی خوب این است که در ضمن حفظ کارایی در تعیین پایه های و نرخ های مالیاتی، در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد. حال اگر در یک نظام مالیاتی عکس هدف صورت گیرد، نتیجه آن منتهی خراب شدن توزیع درآمد شده و سهم مالیات

1- زیدان، عبدالکریم، الوجیز فی شرح القواعد الفقهیه، ترجمه ابو عاصم عبدالناصر زاهدی ص 105- 107

گروه های کم درآمد و متوسط بیشتر از سهم درآمد آنها می شود. درین صورت بدیهی است که بی عدالتی مالیاتی وجود داشته و فرار گروه های کم درآمد از پرداخت مالیات که امری غیر قانونی است، قابل درک می باشد. هرچند که معمولاً صاحبان درآمد بالا انگیزه بیشتر در فرار مالیاتی دارند، ولی انتظار فرار مالیاتی در کل با افزایش بی عدالتی مالیاتی افزایش خواهد یافت.¹

در فقره دوم ماده یکصد و دوم قانون مالیات بر عایدات نگاشته شده است (شخصیکه به قصد فرار از پرداخت مالیه اظهارنامه مربوط را مطابق احکام این قانون در خلال مدت معینه ارائه ننماید، علاوه بر پرداخت مالیه اضافی مندرج فقره (1) این ماده، به خاړنوالی معرفی می گردد)² این مواد قانون مالیات بر عایدات با شریعت اسلامی در تضاد قرارده، شریعت اسلامی مصالح تمام ساکنین سرزمین اسلامی را رعایت نموده و به پرداخت چیزی آن ها را مکلف نمی کند که توان آنرا نداشته باشند، در افغانستان بنا بر قانون مالیات بر عایدات حکومت از تمام اتباع کشور مالیات را دریافت می کند.

موقف شریعت اسلامی از فرار مالیاتی.

مالیات از آن اموال انسان وضع می شود که محبت آن برای انسان ها زینت داده شده {زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ}³ ترجمه) زینت داده شده برای مردم محبت چیزهای مرغوب از زنان و فرزندان و خزانه های جمع شده از طلا و نقره و اسپان داغ نهاده شده و چارپایان و زراعت، این است فایده زندگانی دنیا، و خداوند نزدیک اوست نیکو جای بازگشت) {وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا}⁴ و مال را دوست دارید دوست داشتنی بسیار اکثریت مردمان از پرداخت مالیات به شیوه های مختلف فرار می کنند.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ}⁵ ترجمه (ای کسانی که ایمان آوردید اطاعت خداوند و پیغمبر را کنید و هم چنان اطاعت و پیروی از ولی امر خود کنید)

1- پژوهان، دکتر جمشید پژوهان، اقتصاد بخش عمومی (مالیات ها) ص 123-124.

2 - ماده 101 و 102 قانون مالیات بر عایدات.

3- آل عمران: 14.

4- الفجر: 20.

5- النساء: 59.

اگر مالیات وضع شده بنا بر عدالت بوده و ولی امر مسلمانان به پرداخت آن حکم کرده باشد پس واجب است بر مسلمان که آن بپردازند.¹ از نگاه شریعت اسلامی فرار مالیاتی یک نوع از فریب کاری و فرار از بار مسئولیت عمومی است که مسلمان از این منع کرده شده است.

ضرر های فرار مالیاتی :

- 1- فرار مالیات خزانه عامه را متضرر می سازد.
 - 2- به دیگر پرداخت کنندگان ضرر می رسد، آنان می توانند که از پرداخت مالیات فرار کنند و یا هم نمی خواهند این کار را انجام بدهند، درین صورت عدالت تأمین نشده و بار مسئولیت مالیاتی بدوش افراد که راه های مختلف را بخاطر عدم پرداخت مالیه به پیش می گیرند نخواهد بود.
 - 3- گاهی اوقات فرار مالیاتی باعث می شود که دولت نرخ مالیات را بالا ببرد زیرا فرار مالیاتی باعث نقص عواید و درآمد های حکومت می شود.
 - 4- فرار مالیاتی به مصالح عام آسیب می رساند، عدم پرداخت مالیه به خزانه دولت باعث تعطیل پروژه های عام المنفعه می گردد که حکومت قادر به تطبیق سیاستهای مالی و پیشرفت اقتصادی نخواهد بود.
 - 5- فرار مالیات یک نوع ضرر اخلاقی است که فریب و تحایل را به بار آورده و امانت و اعتماد را از مجتمع برداشته و روابط اجتماعی را صدمه می زند.²
- بر اساس قانون اشخاص حقیقی و حقوقی که مکلف به پرداخت مالیات هستند، وظیفه دارند تکالیف مالیاتی خود را طبق قانون در موعد مقرر انجام دهند، این افراد در صورت تخطی از این قوانین مشمول پرداخت جریمه های مالیاتی می شوند.

مطلب ششم : موانع فرا راه نظام مالیاتی افغانستان

اداره جمع کننده عواید دولت در افغانستان که همان وزارت مالیه است به منظور افزایش عواید کشور در رابطه به اصلاح سیستم مالیات و معیاری نمودن ادارات مالیات گام های برداشته اند اما هنوز هم موانع زیادی فرا راه نظام مالیاتی کشور وجود دارد که ادارات ذیربط در برطرف کردن

¹ - القره داغی، الدكتور علی محیی الدین علی، بحوث فی فقه المعاملات المالیه المعاصره، الناشر: دار البشائر الاسلامیه للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى 1422 ص 59.

² - بشار حسین العجل، الخراج والضریبة المعاصره ص 292

آن گام های استوارتری بردارند. موانع زیادی فرا راه نظام مالیاتی افغانستان وجود دارد که از آن جمله به برخی از آنان اشاره می گردد.

1- موجودیت اقتصاد غیر رسمی.

از آن جایکه به همه گان معلوم است موجودیت اقتصاد غیر رسمی باعث می گردد تا اشخاص و متشبثین به شکل دزدانه فعالیت های شان را بدون اینکه در مراجع دولتی ثبت نمایند دست به کار می زنند درین صورت تمام دستندرکاران مشغول در اقتصاد غیر رسمی از چشم دولت نامرئی بوده و دولت نمی تواند هیچ گونه شمارش در رابطه به موجودیت همچو تشبثات و سایر فعالیت ها بدست آورد، این امر موجب آن می گردد تا تمام فعالیت ها تحت عنوان اقتصاد غیر رسمی با هم گرد آمده و هیچ مبلغی را به نام مالیات به ادارات مربوطه جمع آوری مالیات پرداخت ننمایند. پس چنین میتوان گفت که موجودیت اقتصاد غیر رسمی یکی از مشکلات و موانع بزرگ فرا راه جمع آوری مالیات پنداشته می شود.¹

بنا بر این اقتصاد غیر رسمی موجب صدمه بزرگ بر پیکر اقتصاد کشور گردیده و مالیات را که باید دول حصول نماید و در راه خدمات عام المنفعه و بلند بردن سطح رفاه و آسایش مردم به خرچ رساند عملی نگر دیده، بر عکس تأثیرات منفی را که همانا کاهش جمع آوری مالیات و عدم تطبیق وجایب و مکلفیت های دولت در برابر ملت می باشد به بار می آورد.

به صورت فشرده آثار خیلی بزرگ و واضح موجودیت اقتصاد غیر رسمی در کشور ذیلا تذکر داده میشود:

✓ نا امنی شغلی

✓ عدم موجودیت استانداردهای محیط کار

✓ ناپایداری شغلی

✓ کار کودکان

✓ قاچاق مواد مخدر

✓ دزدی و اخاذی ها

✓ رشوه

✓ پولشویی

1- کریمی ص 129

✓ گریز مالیاتی

✓ فساد

✓ وجود شبکه های مافیایی¹

2- قاچاق محصولات و اجناس.

در شرایط فعلی افغانستان بودیجه ملی خود بنا عواید مالیات تهیه و ترتیب می نماید که مالیات و محصولات و یا تعرفه های گمرکی یک قسمت عمده عواید مالیات دولت را تشکیل می دهد زیرا افغانستان اکثریت اجناس و محصولات صنعتی و مواد اولیه مورد نیاز و ضرورت خود را از خارج کشور وارد می کند که تابع محصول گمرکی وارداتی می باشد بنا براین ورود امتعه از طریق قاچاق سبب کاهش محصولات و عواید گمرکی وارداتی می گردد.

چون در افغانستان قسمت عمده عواید مالیاتی دولت از طریق محصولات گمرکی بدست می آید بنا براین قاچاق اموال تجاری خسارات مالی زیادی را بر بودجه دولت وارد می نماید.

قاچاق نه تنها سبب کاهش عواید مالیاتی دولت می گردد بلکه تأثیرات منفی را بالای انکشاف صنایع داخلی نیز وارد می نماید زیرا اشیای قاچاقی به سبب عدم پرداخت محصول گمرکی به قیمت های نازلتر عرضه گردیده و بنا برآن تصدی های تولید کننده اشیای مشابه در داخل قدرت رقابت را با اشیای قاچاقی دارا نبوده و به ورشکست مواجه می شوند.²

3- عدم آگاهی مردم از قوانین نافذ مالیات.

افغانستان از جمله کشور هایست که آگاهی و ذهنیت مردم در رابطه به پرداخت مالیات در سطح پایین قرار دارد، این بدان معنی است که اکثریت اتباع کشور در رابطه به مکلفیت های مالیاتی اصلا معلومات نداشته و یا از مزایای ادای مکلفیت مالیاتی شان بی خبراند.

عدم آگاهی ذهنیت مردم موجب آن می گردد که تا مردم دولت را مجزا از ملت تلقی نموده هیچ نوع آمادگی و علاقه مندی به پرداخت مالیه نداشته باشند زیرا در صورت که تادیه کننده مالیه نداند که تادیه مالیات در زنده گی روزمره شان چه اهمیت دارد؟

دولت چرا مالیه می گیرد؟

دولت مالیه اخذ شده را در کدام راه ها به مصرف می رساند؟

¹ - کریمی، عبدالکبیر ص 130-131.

² - عارف عبدالقیوم، اساسات امور مالی عامه ص 197-198.

مردم چرا به دولت مالیه بپردازند؟
وجایت و مکلفیت های دولت در رابطه به جمع آوری مالیات چیست؟
مالیات چگونه و به اساس کدام معیارها سنجش و اخذ می گردد؟
در صورت عدم پرداخت مالیات چه نوع برخورد صورت خواهد گرفت؟
ویا ده ها همچو پرسش ها که شاید در ذهن مالیه دهنده خطور نماید در برگیرنده ایجاد مشکلات
در عرصه عدم آگاهی مردم از قوانین نافذ مالیات می باشد که چالش بزرگ فرا راه جمع آوری
مالیات پنداشته می شود.¹

¹ - کریمی ص 131-132

نتیجه گیری

بنده در ختم نوشتن این رساله به نتایج ذیل دست یافتم.

- 1- با تطبیق عواید اسلامی نیاز های جامعه مرفوع می گردد.
- 2- دین مقدس اسلام شمولیت دارد که نظام مالی و مالیاتی آن تمام خواست های مسلمانان را برآورده می کند؛ بشرط اینکه تمام قوانین شرعی در سرزمین اسلامی تطبیق گردد.
- 3- پرداخت مالیات به حکومت اسلامی یک نوع تعاون و همکاری بین مسلمانان است زیرا حکومت اسلامی پول های دریافت شده از بابت مالیات را در پروژه های عام المنفعه به مصرف میرساند که تمام مسلمانان از آن بهره مند و مستفید می شوند.
- 4- وضع مالیات بمنظور اهداف اقتصادی یک امر مشروع می باشد، زیرا خلیفه دوم اسلام بنا بر مصالح مسلمانان تعرفه های گمرکی را وضع نمود.
- 5- عمر بن الخطاب خلیفه دوم اسلام اولین فرد در تاریخ اسلامی است که رسماً بیت المال را ایجاد و دواوین را ترتیب نمود.
- 6- گرفتن مالیات که صرف بخاطر مصلحت عام مسلمانان باشد جواز دارد.
- 7- مصلحت ایجاب می کند که بالای اهل کتاب جزیه وضع گردد ، اهل کتاب در مقابل پرداخت آن در امنیت، رفاه و آرامش در سرزمین اسلامی زندگی می کنند.
- 8- مالیات معاصر به تمام انواع اشکال آن در سرزمین اسلامی قابل تطبیق نمی باشد زیرا اخذ بعضی مالیات با شریعت اسلامی در تضاد است.
- 10- مالیات معاصر بنا بر قیود و شروط که علمای اسلام وضع نموده اند مشروع و در غیر آن حصول او یک نوع ظلم بالای مسلمانان می باشد.
- 11- باید حکومت افغانستان قانون مالیات بر عایدات را تعدیل نموده ، مواد این قانون که با شریعت اسلامی در تضاد است ملغی گردد.

پیشنهادات

- 1- زکات که از جمله عواید ثابت عصر نبوت و حکومت خلفای راشدین بوده، در زمان معاصر بعضی کشور بنام (بیت الزکاة) ایجاد نموده که آم موسسه زکات را دریافت و در به مستحقیق آن مصرف می نماید، امارت اسلامی افغانستان زکات را از جمله عواید ثابت حکومت قرار دهد و بگونه رسمی اقدام به جمع آوری آن نماید.
- 2- افغانستان دارای معادن سر شاری است که با استخراج آن تمام نیازها و ضروریات حکومت افغانستان مرفوع می گردد، حکومت بمنظور عمران و آبادانی کشور در استخراج و مصرف آن وفق شریعت اسلامی اقدام نماید.
- 3- حکومت های فارس و روم بالای مردم سرزمین خود مالیات زیادی وضع نموده بودند که مردم از پرداخت آن عاجز بودند، اصل مراعات عدالت در مالیات اسلامی از جمله قوی ترین اسباب بود که مسلمانان را در فتح سرزمین ها کمک کرد. حکومت افغانستان با تفکیک بین ثروتمندان و فقراء مالیات را وضع نماید.
- 4- بخاطر پرداخت مالیات راه کار مشخص به پیش گرفته شود که مالیه دهنده گان شرعا خود را ملزم به پرداخت مالیات بدانند زیرا طاعت ولی امر مسلمانان واجب می باشد.

فهرست آیات قرآن کریم

سورة البقرة

کتابه	آیات	شماره آیه	صفحه
1	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ	3	26
3	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	43	10
4	لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ	177	16
5	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ	267	-26 72

سورة آل عمران

6	رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ	14	118
---	--	----	-----

سورة النساء

7	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ	59	118
---	---	----	-----

سورة المائدة

8	وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى	2	19-1
---	---	---	------

سورة الانفال

9	وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ	41	28
10	وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ	60	13

سورة التوبة

12	قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ	29	63
14	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا	103	30

سورة الحج

15	أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ	39	28
----	---	----	----

سورة سبأ

16	وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ	12	72
----	-----------------------------------	----	----

سورة الحديد

18	وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ	25	72
----	---	----	----

سورة الحشر

55	7	مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ	19
55	8	لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ	20
55	9	وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ	21
55	10	وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ	22

سورة الفجر

-1 118	20	وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا	21
-----------	----	-------------------------------------	----

فهرست آحادیث نبوی

کتابه	حدیث	نام کتاب	صفحه
1	أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَهَا مِنْ مَجُوسِ هَجَرَ	صحيح البخاري شماره حدیث: 3156.	12
2	أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا أَدَيْتَ زَكَاةَ مَالِكَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ	سنن الترمذي شماره حدیث: 618	15
3	بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ	صحيح البخاري شماره حدیث: 8	11
4	تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ	صحيح البخاري شماره حدیث: 1397	15
5	صَالِحَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْلَ نَجْرَانَ عَلَى أَلْفِي حُلَّةٍ	سنن ابي داود شماره حدیث: 3041	65
6	الْعَجْمَاءَ عَقْلَهَا جُبَارٌ، وَالْبُنُرُ جُبَارٌ، وَالْمَعْدِنُ جُبَارٌ، وَفِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ	صحيح البخاري شماره حدیث: 6913	76
7	فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ، وَأَمْوَالَكُمْ، وَأَعْرَاضَكُمْ، بَيْنَكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ	صحيح البخاري شماره حدیث: 67	16
8	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَعْطَيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي	صحيح البخاري شماره حدیث: 438	27
9	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا	حلية الأولياء وطبقات الأصفياء. 9-13	115
10	قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ	صحيح البخاري شماره حدیث: 25	38
11	فَسَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْبَرَ نِصْفَيْنِ، نِصْفًا لِنَوَائِبِهِ	سنن ابي داود شماره حدیث: 3010	56

63	صحیح مسلم شماره حدیث: 1731	كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَمَرَ أَمِيرًا عَلَى جَيْشٍ، أَوْ سَرِيَّةٍ، أَوْصَاهُ فِي خَاصَّتِهِ بِتَقْوَى اللَّهِ	12
86	سنن ابی داود شماره حدیث: 2937	لا يدخل الجنة صاحب مكس	13
-12 55	صحیح مسلم شماره حدیث: 2896	منعت العراق درهمها وقفيزها ومنعت الشام مديها ودينارها	16
19	صحیح البخاري شماره حدیث: 6026	الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ، يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا	17

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1.	ابن حزم	84
2.	ابن عابدین	81
3.	ابن العربی	14
4.	ابن عمر	11
5.	ابن زبیر	59
6.	ابوبکر صدیق	29
7.	ابوذر غفاری	40
8.	ابو هریره	11
9.	ابویوسف	16
10.	جابر بن عبدالله	27
11.	رحمانی	22
12.	سعد بن ابن مالک	33
13.	شافعی	59
14.	عباده بن صامت	40
15.	عبد الله بن زبیر	38

36	عثمان بن عفان	16
17	قرطبي	17
40	عكرمه	18
43	علي بن ابي طالب	19
32	عمر بن الخطاب	20
17	غزالي	21
53	ماوردي	22
59	مالك بن انس	23
17	محمد بن حسن شيباني	24
40	معاويه بن ابي سفيان	25
40	مقداد بن الاسود	26

مراجع ومصادر

- 1- قرآنكريم.
- 2- ابراهم عمار، ليبيد ابراهيم، الايرادات الماليه لخزينه بيت المال في العهد العباسي، الناشر: مجلة دراسات في التاريخ و الآثار، تاريخ النشر: 2015م
- 3- ابن جزى الكلبي الغرناطي، أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزى الكلبي الغرناطي (المتوفى: 74هـ) القوانين الفقهية، الناشر: دار ابن حزم للطباعة و النشر والتوزيع.
- 4- ابن حج، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379.
- 5- ابن حجر العسقلاني، انباء الغمر بابناء العمر، محقق: د. حسن حبشى، الناشر: لجنة احياء التراث الإسلامى مصر.
- 6- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن محمد، ابن خلدون أبو زيد، ولي الدين الحضرمي الإشبيلي (المتوفى: 808هـ) تاريخ بن خلدون ، الناشر: دار الفكر، بيروت.
- 7- ابن رجب الحنبلي، أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلي (المتوفى: 795هـ) الاستخراج لأحكام الخراج ، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.
- 8- ابن سعد أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي. (المتوفى: 230هـ) الطبقات الكبرى. الناشر: دار صادر - بيروت.
- 9- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين دمشقي الحنفي (المتوفى: 1252 هـ) رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت. الطبعة: الثانية، 1412هـ
- 10- ابن عبد البر النمري القرطبي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد ابن عبد البر بن عاصم، المتوفى 463 هجرى، الاستذكار، الناشر: دار الكتب العلمية- بيروت- الطبعة الاولى 1421 هجرى.
- 11- ابن قاسم العاصمي محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي (المتوفى: 1421هـ). أبو بكر الصديق أفضل الصَّحَابَةِ، وَأَحَقُّهُم بِالْخِلاَفَةِ.
- 12- ابن قدامة المقدسي، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ) المغني، الناشر: مكتبة القاهرة.

- 13- ابن القدامه المقدسى، ابو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه الجماعلى المقدسى ثم الدمشقى الحنبلى، المتوفى 620 هجرى، الكافى فى فقه الامام احمد، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، 1414 هـ.
- 14- ابن القيم الجوزية، شمس الدين ابى عبدالله محمد بن ابى بكر، المتوفى 751 هجرى، احكام اهل الذمة، رمادى للنشر، الطبعة الاولى 1418.
- 15- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ) البداية والنهاية، الناشر: دار الفكر، عام النشر 1407 هجرى.ق.
- 16- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ) تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامى بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة الثانية 1420 هـ.
- 17- أبو داود السجستاني، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ) سنن أبي داود، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
- 18- ابو زهره، الامام محمد ابوزهره، المرجع فى السيرة النبوية خاتم النبيين، الناشر: دار الفكر العربى.
- 19- أبو عبيد، القاسم بن سلام بن عبد الله الهروي البغدادي (المتوفى: 224هـ)، كتاب الأموال، الناشر: دار الشروق.
- 20- ابو الفتوح، محمد سعيد بيسونى، الحرية الاقتصادية فى الاسلام واثرها فى التنمية، الناشر: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى 1408هـ- 1988م.
- 21- اسلام نيا، فريدون، نگاهی به تاريخ ايران بعد از اسلام، ناشر: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل 1394.
- 22- الأفغانى، سعيد بن محمد بن احمد المتوفى 1417، اسواق العرب فى الجاهليه و الاسلام.
- 23- الايتوبى الولوى، محمد بن على بن آدم بن موسى، البحر المحيط الشجاج فى شرح صحيح الامام مسلم بن الحجاج، الناشر: دار ابن الجوزى، الطبعة الأولى.
- 24- البابر تي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومى البابر تي (المتوفى: 786هـ) العناية شرح الهداية، الناشر: دار الفكر.

- 25- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري الجعفي، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، المحقق: د. مصطفى ديب البغا، الناشر: (دار ابن كثير، دار الإمامة) - دمشق، الطبعة الخامسة، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ هـ
- 26- البدوي، إسماعيل البدوي، السياسة الشرعية وتطبيقاتها في الحقبة المثالية للدولة الإسلامية، الناشر: مكتبة المنار الإسلامي - الكويت، الطبعة الأولى 1421 هجرى.
- 27- بشار حسين العجل، الخراج والضريبة المعاصرة رسالة دكتورا، جامعة الجنان 1427 هـ
- 28- البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي (المتوفى: 510 هـ) معالم التنزيل في تفسير القرآن (تفسير البغوي)، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة الرابعة.
- 29- البهوتى الحنبلى، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتى الحنبلى (المتوفى: 1051 هـ) كشف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية.
- 30- البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردى الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458 هـ) السنن الكبرى، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة، 1424 هـ
- 31- الترمذي، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى، (المتوفى: 279 هـ) الجامع الكبير، سنن الترمذي، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي بيروت سنة النشر: 1998 م
- 32- جباره، دكتور تيسير جباره، تاريخ الدولة العثمانية.
- 33- الجرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (المتوفى: 816 هـ)، التعريفات، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.
- 34- جمشيد پژويان، اقتصاد بخش عمومي (ماليات ها)، ناشر: انتشارات جنگل، چاپ هشتم سال 1391.
- 35- جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام، المتوفى 1408، الناشر: دار الساقى الطبعة الرابعة.
- 36- حسن ابراهيم مصرى، تاريخ الإسلام، الناشر: مكتبة النهضة المصرية - القاهرة - مصر.
- 37- حيدر آبادى هندی، محمد حميد الله، المتوفى 1424 هجرى، مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوى والخلافة الراشدة، الناشر: دار النفائس - بيروت، الطبعة السادسة 1401 هجرى.
- 38- الخالدى، صلاح عبدالفتاح الخالدى، الخلفاء الراشدون بين الاستخلاف والاستشهاد، الناشر: دار القلم للطباعة والنشر والتوزيع، دمشق.

- 39- خطيب، سيد عبدالرحيم خطيب، كتاب شيخين (ابوبكر وعمر)، ناشر:سایت كتابخانه عقیده سال نشر 1437 هجرى.ق
- 40- خطيب سيد عبدالرحيم، صهرين عثمان وعلى، ناشرسایت عقیده تاريخ نشر 1437 هجرى قمرى.
- 41- الدسوقي، محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي المالكي (المتوفى: 1230هـ) حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، الناشر: دار الفكر
- 42- الدمشقى المعروف بابى شاحه، ابوالقاسم شهاب الدين عبدالرحمن بن اسماعيل بن ابراهم المقدسى المتوفى 665 هجرى، الروضتين فى اخبار الدولتين النورية و الصلاحيه، محقق ابراهم الزبيق، الناشر: مؤسسة الرسالة بيروت-الطبعة الاولى.
- 43- رضايى دوانى مجيد، مقدمه اى برماليه عمومى در اسلام، ناشر: سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانى دانشگاهها (سمت) مركز تحقيق و توسعه علوم انسانى؛ دانشگاه مفيد. چاپ اول 1389 هجرى شمسى.
- 44- رحمانى عبدالطيف رحمانى، حقوقى مالى، ناشر: انتشارات سعيد، چاپ هشتم سال 1398.
- 45- رواس قلجى محمد، موسوعة فقه عمر بن الخطاب، الناشر: دار النفائس.
- 46- الرئيس، محمدضياء الدين الخراج والنظم المالىه للدوله الاسلاميه، الناشر: دار المعارف بمصر، الطبعة الثالثة. 1969.
- 47- الزُّحَيْلِيُّ، وَهْبَةُ بن مصطفى الزُّحَيْلِيُّ، الفِئَةُ الإسلاميَّةُ وأدلَّتُهُ، الناشر: دار الفكر سوروية دمشق.
- 48- زلوم، عبدالقيوم زلوم، الأموال فى دولة الخلافة.
- 49- زيدان، عبدالكريم زيدان، الوجيز فى شرح القواعد الفقهيّة فى الشريعة الاسلامية، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة السادسة.
- 50- زيدان، جرجي زيدان، تاريخ التمدن الاسلامى، محقق: عبد الهادي، أبو ريده، محمد عبد الهادي، الناشر: دار الكتاب العربي-بيروت.
- 51- السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة- بيروت.
- 52- السعدى، عبدالله جمعان سعيد السعدى، سياسة المال فى الإسلام فى عهد عمر بن الخطاب، الناشر: مكتبة المدارس.

- 53- السعدي المالكي، أبو محمد جلال الدين عبد الله بن نجم بن شاس بن نزار الجذامي السعدي المالكي (المتوفى: 616هـ)، عقد الجواهر الثمينة في مذهب عالم المدينة، الدوحة-قطر.
- 54- سيد مسعود، نگاهی گزرا بر تاريخ ماليات در افغانستان (1774-2010) با داده های از قوانين مالياتی کشور های همسايه، چاپ اول سال 1389، انتشارات فرهنگ کابل.
- 55- الشافعي، أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الأم، الناشر: دار المعرفة- بيروت.
- 56- الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)، فتح القدير، الناشر: دار ابن كثير.
- 57- الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)، نيل الأوطار، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة الأولى 1413هـ.
- 58- الشيباني، أبو عبد الله محمد بن الحسن الشيباني (المتوفى: 189هـ)، الجامع الصغير وشرحه النافع الكبير، الناشر: عالم الكتب-بيروت، الطبعة الأولى 1406 هـ
- 59- الشيرازي. أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ) المهذب في فقه الإمام الشافعي الناشر: دار الكتب العلمية.
- 60- صالح احمد العلي، دولة الرسول في المدينة، الناشر: شركة المطبوعات للتوزيع والنشر، بيروت-لبنان، الطبعة الثانية.
- 61- صلابي، علي محمد محمد صلابي، عمر بن الخطاب شخصيته وعصره، الناشر: دار ابن كثير، الطبعة الاولى 1424.
- 62- صلابي، علي محمد صلابي، الدولة العثمانية عوامل النهوض و اسباب السقوط، الناشر: دار التوزيع والنشر الإسلامية.
- 63- ضياء العمرى، الدكتور اكرم ضياء العمرى، عصر الخلافة الراشدة، الناشر: مكتبة العبيكان.
- 64- الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر، تاريخ الرسل والملوك، الناشر: دار التراث-بيروت، الطبعة الثانية - 1387 هـ.
- 65- عارف، عبدالقيوم عارف، اساسات امور مالى عامه، انتشارات يوسفزادسال چاپ 1400هـ ش
- 66- عارف وهزير، پوهاند دكتور عبدالقيوم وپوهنيار عبدالولى، سياستهای مالی، ناشر: انتشارات تمدن شرق.

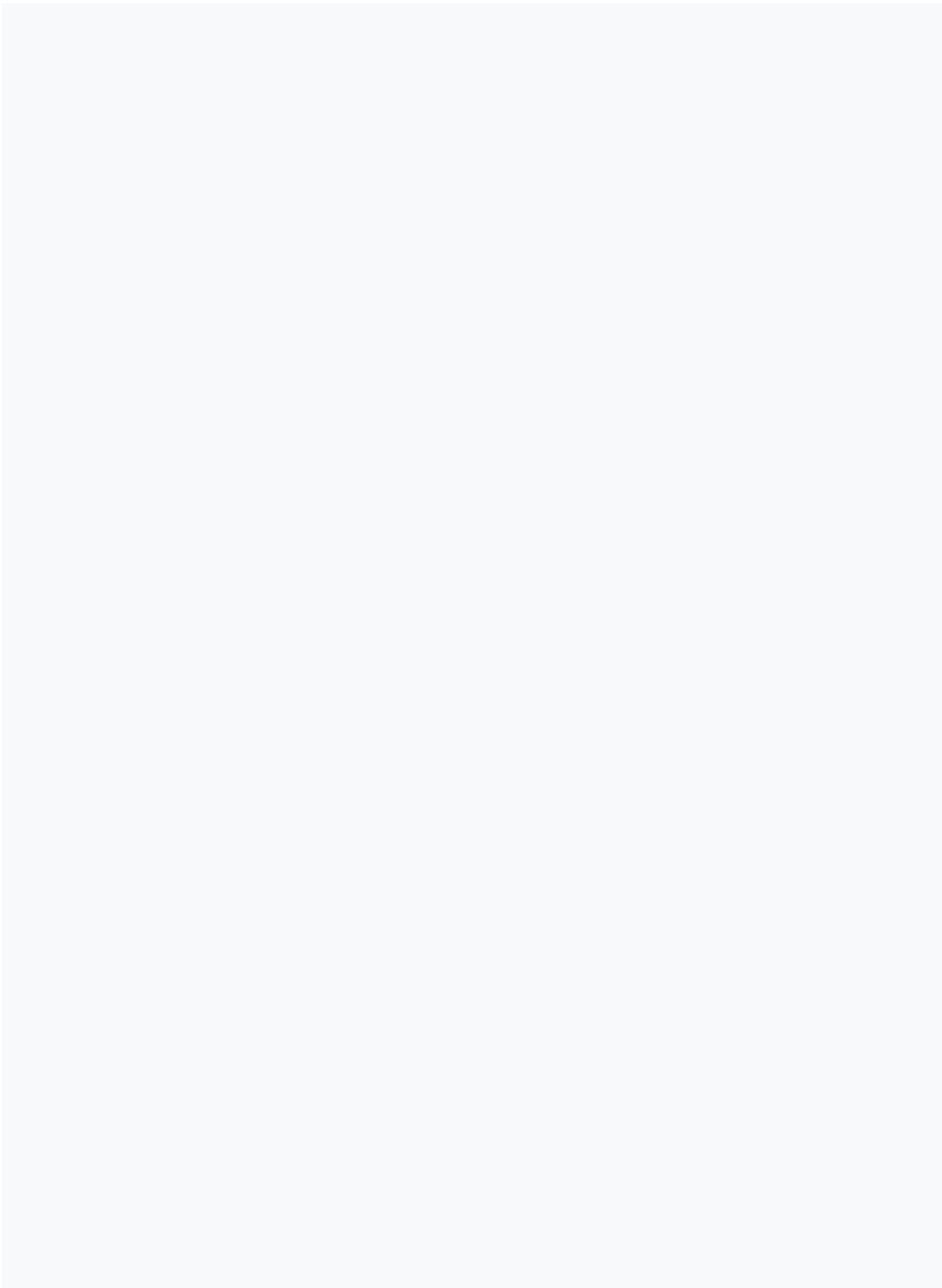
- 67- عبد الرحيم، معجم الدخيل في اللغة العربية الحديثة ولهجاتها، الدكتور عبدالرحيم، الناشر: دار القلم- دمشق، الطبعة الأولى، 1432 هـ - 2011 م.
- 68- العبدري الغرناطي، محمد بن يوسف بن ابي قاسم بن يوسف العبدري الغرناطي، ابو عبدالله المواق المالكي المتوفى 897 هـ ،التاج والاكليل لمختصر خليل، الناشر: دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى 1416 هجرى.
- 69- العسكري، ابو هلال الحسن بن عبدالله بن سهل بن سعد بن يحيى بن مهران المتوفى نحو 395 هجرى، كتاب الاوائل، الناشر: دارالبشير طنطا، الطبعة الأولى 1408 هـ.
- 70- على جواد، المتوفى 1408، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، الناشر: دارالساقى الطبعة الرابعة 1422 هـ.
- 71- العيني، ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن حسين الغياتى الحنفى بدرالدين المتوفى 855 هجرى، البناية شرح الهداية، الناشر: دارالمكتبة العلمية، بيروت -لبنان.
- 72- غزالي، محمد غزالي، الإسلام والأوضاع الإقتصادية، الناشر: شركة نهضة مصر للطباعة و النشر والتوزيع.
- 73- غزالي، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: 505 هـ)، المستصفى، الناشر: دارالكتب العلمية، الطبعة الأولى 1413 هـ.
- 74- غيطاس، حسنى محمد ابراهيم، الدعوة الإسلامية في عهد أمير المؤمنين عمر، الناشر: المكتب الإسلامي للطباعة والنشر.
- 75- قانون معدن افغانستان، جريده رسمى وزارت عدليه، تاريخ نشر 1393 هـ ش شماره مسلسل (1143).
- 76- قانون ماليات بر عايدات، جريده رسمى وزارت عدليه، تاريخ نشر 1387 هـ ش. شماره مسلسل (976).
- 77- قانون ماليه برارزش افزوده، جريده رسمى وزارت عدليه، تاريخ نشر 1395 هـ ش شماره مسلسل (1209).
- 78- القرضاوى، الدكتور يوسف القرضاوى، فقه الزكاة، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية 1393 هـ ق.

- 79- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: أحمدالبردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة الثانية 1384هـ - 1964م
- 80- القره داغى، الدكتور على محيى الدين على، بحوث فى فقه المعاملات المالية المعاصرة، الناشر: دار البشائر الإسلاميه للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى 1422 هـ.
- 81- قطب ابراهيم محمد، السياسة المالية لآبى بكر صديق، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- 82- قطب ابراهيم محمد، السياسة المالية لعثمان بن عفان، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- 83- كريمى، عبدالكبير، مشكلات جمع أورى ماليات و راه هاى حل آن در افغانستان، ناشر: انتشارات يوسف زاد، چاپ اول 1394 هـ ش.
- 84- الكشناوى، ابوبكر بن حسن بن عبدالله، اسهل المدارك شرح ارشاد السالك فى مذهب امام الائمة مالك، المتوفى 1397هـ، الناشر: دار الفكر - بيروت - لبنان.
- 85- اللخمى، على بن محمد الربعى، ابو حسن المعروف بالخمى، المتوفى 478 هـ، التبصره، دراسه وتحقيق: الدكتور احمد عبدالكريم نجيب، الناشر: وزاره الأوقاف والشئون الاسلاميه - قطر، الطبعة الأولى 1432.
- 86- لكنوى، عبدالشكور، المتوفى 1381هـ، زندگانى خلفاى راشدين ترجمه مولانا محمد يوسف حسين پور.
- 87- الماوردى، ابوالحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى الشهير بالماوردى المتوفى 450 هجرى، الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى و هو شرح مختصر المزنى، الناشر: دارالمكتبة العلمية، بيروت - لبنان.
- 88- مجاهد، أبو الحجاج بن جبر التابعى المكي القرشى المخزومى (المتوفى: 104هـ)، تفسير مجاهد، الناشر: دار الفكر الإسلامى الحديثة - مصر.
- 89- مجاهد، عبدالملك، حكايات طلايى از زنده گى حضرت ابوبكر صديق.
- 90- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (صحيح مسلم)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت.
- 91- مصطفى خليل احمد، سن الضرائب فى الشريعة الاسلامية.

- 92- المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية بالقاهرة، مؤلفين (إبراهيم مصطفى / أحمد الزيات / حامد عبد القادر محمد النجار)، الناشر: دار الدعوة.
- 93- الموصلي، عبدالله بن محمود بن مودود البلدحي مجدالدين ابوالفضل الحنفي المتوفى 683 هجرى، الاختيار لتعليل المختار، الناشر: مطبعة الحلبي القاهرة، تاريخ النشر 1356 هجرى.
- 94- النبهان، الدكتور محمد فاروق النبهان، الإتجاه الجماعى فى التشريع الإقتصاد الإسلامى، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الرابعة 1408.
- 95- النسفي، أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفي (المتوفى: 710 هـ) تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل)، الناشر: دار الكلم الطيب-بيروت.
- 96- نظرى، احسان الله، سيستم مالياتى جديد افغانستان، ناشر: انتشارات يوسف زاد، سال چاپ 1390.
- 97- النووي، ابو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف الدين النووى المتوفى 676 هجرى، المنهاج شرح صحيح مسلم بن حجاج، الناشر: دار الاحياء التراث العربى-بيروت- الطبعة الثانية 1392 هـ ق.
- 98- الواقدي، محمد بن عمر بن واقد السهمي الأسلمي بالولاء، المدني، أبو عبد الله، الناشر: دار الغرب الإسلامى-بيروت.
- 99- هيكل، داکتر محمد حسين، زنده گانى ابوبکر صديق، ترجمه داکتر محمد مجدى، ناشر: سايت عقیده.
- 100- البيوبى، الدكتور محمد سعد بن احمد بن مسعود، مقاصد الشريعة الاسلامية و علاقتها بالادلة الشرعية، الناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع-المملكة العربية السعودية، الطبعة الأولى 1998.
- 101- يونس المصرى، الاستاذ الدكتور رفيق يونس المصرى، بحوث فى الإقتصاد الإسلامى، الناشر: دار المكتبي للطباعة والنشر والتوزيع.
- 102- <https://maliatha.com/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>
- 103- مقاله تحقيقاتى-تأثير درآمد هاى مالياتى بر رشد اقتصاد. <https://mieaoi.ir/article-1-1264-fa.pdf>

<https://pajhwok.com/fa/opinion/improving-afghanistans-economy-using-natural-resources-mines> -104

مقاله نشر شده در سایت اینترنتی.



Discussion Abstract:

This treatise under the title of “Government revenue in Islamic jurisprudence and Afghan laws” consist of three chapters. The first chapter includes the concepts, generalities and history of revenue, which has been considered in two separate discussions. In the first discussion, the concept, legitimacy, goals and history of revenue have been stated, and in the second discussion, the revenue of the Roman and Persian governments, the revenue of the prophetic period, the income and revenues of the era of Rashidin caliphs, the method of collecting the revenues of the Umayyad, Abbasid and Ottoman caliphates has been mentioned

In the second chapter, the revenues of the government are stated in Islamic jurisprudence. This chapter also includes two discussions. In the first discussion, all kinds of income of the Islamic State, such as; jizya, kheraj, mines and rakaz, and in the second discussion, Shari'a tax and its ruling are discussed from the perspective of Islamic Shari'a.

Also, the third chapter has two discussions respectively. Contemporary taxation, its goals, conditions and its adaptation to Afghanistan's financial laws and its ruling from the point of view of Sharia are included in the first discussion. Also, Afghanistan's tax system as: The history of taxes, types of taxes, exemptions, violations, tax evasion and the Sharia's position on these matters have been placed in the second discussion. It is worth mentioning that the conclusion, suggestions and index are included in this chapter.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Fiqah & Law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

Government revenue in Islamic jurisprudence and Afghan laws

A Master's thesis

**Student: (Mohammad Akram (sharifi)
Supervisor: mr.wazir Mohammad (Saedi)**

Year:2019



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Fiqah & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

**Government revenue in
Islamic jurisprudence and
Afghan laws**
A Master's thesis

Student: Mohammad Akram (sharifi)
Supervisor: mr.wazir Mohammad (Saedi)

Year:2019